

راه سبز

(احکام ویژه دختران دوره دبیرستان)

تهیه و تنظیم: ستاد اقامه نماز - وزارت آموزش و پرورش

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهم السلام
بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام
نگردیده است.

طلیعه

طبیعت، گوناگون بر ما جلوه می کند،
باشکوه ترین جلوه های آن، دوران نشاط و سرسبزی اوست، آن زمان که
لحظه به لحظه می بالد و می شکفت تا به اوج طراوت و زیبایی می رسد.
آن زمان که بحبوحه تلاش و کوشش اوست و قلبش مالا مال از امید است.
آن زمان که خود را می فهمد و به فرداهای خود می اندیشد.
آن زمان، که بهار جوانی اوست.
جوانی دوران بسیار حساس و سرنوشت ساز است، دوران طراوت و نشاط،
دوران رشد و شکوفایی، دوران تفکر، تلاش، تحقیق، تصمیم و عمل.
جوان با قدم نهادن به این دنیای سرسبز به خود و جهان پیرامون خود می
اندیشد.

او پس از تفکر و تحقیق به سرحلقه هستی یعنی خداوند متعال ایمان می
آورد و با اعتقاد راستین به امامان و پیامبران و باور کردن معاد و روز واپسین،
جایگاه خود را در هندسه هستی می یابد و به شخصیت والای خویش پی می
برد.

اینجاست که جوان برای تقرب به خداوند و تأمین آینده ابدی خود، به
جستجوی برنامه ها و دستورالعمل هایی برمی آید چرا که او به خوبی دریافته
است که بدون برنامه و دستورالعمل های دقیق و عمل بر اساس آنها به هیچ
هدفی نمی توان رسید.

جوان با تفکر و اندیشه به این باور می رسد که باید به برنامه ها و
دستورالعمل هایی که از سوی خدا توسط پیامبر اسلام و امامان معصوم
علیهم السلام برای هدایت انسانها آمده است روی آورد.

به این برنامه ها و دستورالعمل ها «احکام» می گویند.
جوان همانگونه که در هر رشته و فنی سراغ متخصص و کارشناس آن رشته و فن می رود برای آگاهی کامل و درست از احکام به متخصص و کارشناس این رشته یعنی «مرجع تقلید» مراجعه می کند و برای آشنایی با احکام، رساله مرجع تقلید خود را تهیه و بر اساس آن عمل می کند.
این مجموعه که در پیش رو دارید، شما را در راه استفاده هر چه صحیح تر و بهتر و کاملتر از رساله مرجع تقلیدتان یاری می رساند.

در نظر داشته باشید که احکام این کتاب بر اساس فتاوی حضرت امام خمینی قدس سره تنظیم شده و در چند مورد به فتاوی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (دام ظلّه) اشاره شده است. شما با کمک و راهنمایی مربی و امام جماعت و دبیر دینی می توانید به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنید و اگر چنانچه در پاره ای موارد فتاوی مرجع تقلید شما با آنچه در این کتاب آمده است فرق داشت، بر اساس همان فتاوی مرجع تقلید خود عمل کنید. جوانی که از احکام الهی با اطلاع است چون مسافری است که در طلیعه سفر، راه مقصد را به خوبی شناخته و در آن گام بر می دارد راهی سبز، نرم و هموار. ما برای شما عزیزان آرزوی سعادت و پیروزی داریم و از نظرات و پیشنهادهای شما استقبال می کنیم.

سخنی با مربیان، دبیران دینی و ائمه جماعات مدارس
این کتاب می کوشد جوانان عزیز را با بخشی از احکام دینی شان آشنا کند و به پاره ای از مشکلات آنان پاسخ گوید اما این کتاب به تنهایی نمی تواند رسالت خود را به انجام رساند و به یاری شما بزرگواران سخت نیازمند است. شما می توانید در بخش های زیر ما را یاری نمایید.

1. بخش تهیه و تنظیم مطالب کتاب: شما که از نزدیک با جوانان ارتباط دارید و به خوبی نیازها و مشکلات آنان را لمس می کنید می توانید مشکلات و نیازهایی را که کتاب احکام می تواند پاسخگوی آنها باشد و در کتاب نیامده است برای ما بازگو نمایید.

2. بخش طرح و برنامه ریزی: آشناسازی نسل جوان با احکام دینی در قالب های نوین و طرح های جذاب و کارآمد رسالت سنگینی است که بدون همفکری ناتمام می ماند، شما می توانید با ارائه طرح های همه جانبه و قابل اجرا ما را در راه بالندگی این طرح یاری رسانید.

3. بخش اجرا و پیاده سازی: تهیه کتاب و در دسترس جوانان قرار دادن قدم های اولیه این کار بزرگ است، قسمت عمده آن به بخش اجرا و پیاده کردن این طرح بستگی دارد که همت و پشتکار شما بزرگواران را می طلبد. در این بخش به دو گونه همکاری شما نیازمندیم:

الف: مطالب این کتاب به صورت توضیحی و گزینشی و با حفظ محتوا براساس فتاوی حضرت امام خمینی قدس سره تنظیم و در پاره ای از موارد به فتاوی مقام معظم رهبری (دام ظلّه) اشاره شده است. و منبع عمده مطالب در پاورقی ها آمده است شما می توانید جوانان را در تطبیق مطالب کتاب با فتاوی مرجع تقلیدشان یاری رسانید.

ب: اطلاع از میزان بازدهی و کارایی این طرح و تأثیر این مطالب در جوانان برای ادامه کار، نقش اساسی و کلیدی دارد. اطلاع رسانی شما در این زمینه نیز برای ما کارساز و ارزشمند است.

ستاد اقامه نماز

وزارت آموزش و پرورش

تصویری از راه سبز⁽¹⁾

راه سبز: راهی است که شقایق های آن بوی خوشبختی و سعادت می دهند.

مهدیه محمدی، دوره متوسطه - استان کرمان

راه سبز: راه بی انتهاست که هر چه بیشتر برویم سبزی و قداست و عظمت آن را بیشتر و بهتر درک می کنیم.

دلیری - استان خراسان

راه سبز: سبزترین راهی است که برای تقرب هر چه بیشتر جوانان - این شکوفه های تازه باز شده - به معبود بی نیاز خود.

راه سبز: راهنمای شهر دین است.

نسرین فرامرزی - پیش دانشگاهی - استان ایلام

راه سبز: راهی است که هر که آن را ببیند زیباترین لحظات را تجربه

خواهد کرد. فاطمه احمدی - اول متوسطه - استان گلستان

راه سبز: راهی بود که ما دختران توانستیم آن را به عنوان هدایت خودمان

برای رسیدن به تکامل و خوشبختی و سعادت انتخاب کنیم و توانستیم از آن بهره های زیادی ببریم و از آنچه که بی خبر بودیم ما را باخبر کرد.

گوهر بختیاری - پیش دانشگاهی - چهار محال بختیاری

راه سبز: کتابی است که راه سبز خوب زیستن را به ما آموخت.

زینب زارعی - پیش دانشگاهی - استان قم

راه سبز: مرا آگاه تر و بیناتر کرد و راه رضوان را به من نشان داد.

مرجان مصطفی پور - اول متوسطه - استان آذربایجان غربی

زیباترین احساس من از راه سبز، این است که هر وقت در این گنجینه طلایی
را می گشایم تحت تاثیر قرار می گیرم و از عالمی به عالم دیگر که همان پاکی
و قداست است پرواز می کنم و از این هدیه بسیار خوشحالم.

مرضیه یوسفی - دوم متوسطه - استان کردستان

احساس می کردم که من به آسمان پرواز می کردم که دارم معنوی و معنوی
تر می شوم، احساس می کردم که دارم با فرشته ها صحبت می کنم.

معصومه علایی - اول متوسطه - استان اردبیل

گل محبت خدا

به سیاهی نیندیش
امیدوار باش به روزهای روشن فردا
به آسمان آبی
به دریای آسمانی بنگر
به رودهای خروشان نگاه کن
هنوز گلدان احساسات
شاخه محبت دارد
اگر گل محبت خدا را
در گلدان دلت آبیاری کنی
همیشه پر عطر گل یاس
پر احساس، پر چلچله ها خواهی بود
زهرا (ماهرخ) طهوری - ساری

1. گل شناسی

خدمت او کن که سلطانت کند خار او شو تا گلستانت کند
بنده او گر شدی آزاد زی گر غم او می خوری دلشاد زی⁽²⁾
بوی معطر، رنگ شادی و طراوت و نشاط گل تو را به وجد و سرور و می
دارد، احساس می کنی که از صمیم جان گل را دوست داری، برمی خیزی و با
دست شوق شاخه ای از گل می چینی، بر لب چشمه ساری که در کنار گل
است زیر نم نم باران می نشینی و به گل می اندیشی.

دلنشینی گل از چیست؟

بی شک اگر «ساقه» نبود از شاخه و گل خبری نبود و اگر «ریشه» نبود،
ساقه و شاخه و گلی نبود.

و اگر «آب باران» و «چشمه سار» نبود اصلاً بوته گل نمی رویید.
آن بوته، دین است و آن آب باران، وحی و آن چشمه سار، فطرت و آن
ریشه، عقاید و آن ساقه، اخلاق و آن گل، «احکام» است.

شناخت احکام

اگر بخواهیم به شناخت واقعی احکام دست یابیم باید حقیقت دین را
بشناسیم و به ریشه های احکام که همان عقاید پاک است نظری بیفکنیم.
عقاید پاک که از «وحی» و «فطرت» تغذیه می کنند و سیراب می گردند به
ما می گویند:

خداوند، خالق و مدبر جهان و انسان است، انسان در این جهان بیهوده نیامده
و سرانجام نابود نخواهد شد، انسان، موجودی ابدی است و این ابدیت با اعمال
او در این جهان ساخته می شود، و چون فطرت به تنهایی توان هدایت او را
ندارد باید از هدایت های پیامبران و امامان مدد بگیرد.

از اینجاست که مجموعه هدایت های الهی تحت عنوان «احکام» شکل می گیرد و برای رسیدن به سعادت ابدی باید آنها را فرا گرفته و بکار بست.

آگاهی از احکام

سراغ گل را باید از باغبان و گلبن گرفت و مردمی که در عصر پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام می زیستند چنین می کردند.

آن روزها دسترسی به احکام کار چندان دشواری نبود، نماینده ای می فرستادند یا خود حضور می یافتند و حکم مسائلی که برای آنان پیش آمده بود جویا می شدند.

با غیبت امام عصر علیهم السلام دسترسی به احکام از طریق گذشته میسر نبود و از طرف دیگر با تغییراتی که در بافت اجتماعی و ساختار حکومتی پیش می آمد نوآوری های علم و تمدن، مسائل نو و نسبتاً پیچیده ای پدید می آمد که حکم آن برای توده مردم نامعلوم می نمود.

چاره عصر غیبت

چاره عصر غیبت چیست؟

بی شک چون دین اسلام دین کاملی است، حکم هیچ مساله و پیش آمدی را فرو نگذاشته است و ما با مراجعه جدی و کارشناسانه به دین توان فهمیدن حکم مسائل و پیشامدها را داریم.

عقل و دین هر دو، چاره کار را در مراجعه به منابع دین می دانند.

منابع دین عبارتند از: عقل و نقل.

عقل ؛ همان عقل پاک و پیراسته از اوهام و خرافات است، همان عقل فطری که در نهان و نهاد همه هست. و نقل ؛ مجموعه قرآن و سنت هاست. قرآن را که

می دانیم، اما سنت عبارت است از: گفتار، کردار، و امضاً و تایید معصومین علیهم السلام.

کارشناس عرصه احکام

شناخت گل، ذوق لطیف و فهم رقیق می طلبد و فهم احکام از منابع دین نیز لطافت، ظرافت و باریک بینی و دقت نظر می خواهد، همه افراد برای شناختن احکام، آزادند تا با آموختن علوم و دانش های این رشته، تخصص لازم را پیدا کنند. تحصیل در این رشته استعداد فراوان و علاقه بسیار می طلبد، کسانی که دارای این دو ویژگی باشند دختر و پسر می تواند با شرکت در آزمون ورودی دانشگاه علوم دینی یعنی حوزه علمیه و شرکت فعال در کلاس های درس، دانش های مورد نیاز را فرا بگیرند ولی قطعاً کسانی در این عرصه بر سرحد تخصص نرسیده باشند نمی توانند احکام دین را از منابع اصلی به دست آورند و چنین افرادی باید به کارشناس این عرصه یعنی «مجتهد» رجوع کنند. به آن مجتهدی که مردم به آن رجوع می کنند و احکام دین از او پیروی و تقلید می کنند «فقیه» و «مرجع تقلید» می گویند.

گسترده احکام

هر چند که رشد و تکامل معنوی انسان مرتبط است در قلمرو دین است و هرگز دین درباره آن ساکت ننشسته است؛ و هر جا سخن از تکلیف و وظیفه است در قلمرو احکام است. مانند عبادت، معاملات، مسائل فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی و مسائل حکومتی و کشورداری.

بزرگ دانستن احکام الهی

احکام الهی تامین کننده دنیا و آخرت و مقرب انسان به خدای بزرگ هستند و نباید آنها را از اوج خود پایین بیاوریم. استخفاف احکام به راههای زیر است:

- 1- احکام را منحصر در احکام فردی بدانیم.
- 2- احکام را تنها در محدوده اجتماع لازم بدانیم.
- 3- احکام را فقط تامین کننده مسائل دنیوی بدانیم.
- 4- احکام را از سیاست و حکومت جدا بدانیم.
- 5- احکام را تنها تامین کننده آخرت بدانیم.

2. پایه های فهم احکام

فلو لا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين.⁽³⁾ پس چرا از هر فرقه

ای از آنان، دسته ای کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند؟!

مجتهد و فقیه که رسالت بزرگ و فهم دقیق احکام و ابلاغ آن را به جامعه به عهده گرفته است برای استنباط احکام از منابع دینی به علوم زیر نیازمند است:

1- ادبیات عرب (شامل: صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع لغت)

2- منطق

3- انس و آشنایی با قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام

4- آشنایی با علم رجال برای تشخیص راویان حدیث

5- اصول فقه (برای به دست آوردن قدرت استخراج احکام از منابع دینی).

تقلید و مرجع تقلید

کسانی که توان استنباط احکام دین را ندارند و یا در راه تحصیل این شاخه از علوم اسلامی هستند ولی به حد اعلای تخصص نرسیده اند به حکم عقل و دین موظفند از فقیه جامع شرایط به او مرجع تقلید می گویند، تقلید کنند.

مرجع تقلید کسی است که به حدی اعلای تخصص و تعهد بار یافته است ؛ فهم او از سایر فقیهان دقیق تر و تقوای او شدیدتر است. با نشانه ها و شرایط مرجع تقلید آشنا می شویم.

1- دانا و دانشمند باشد

2- به مرحله «اجتهاد» رسیده باشد.

3- بنابر احتیاط واجب از همه متخصصان، داناتر و ورزیده تر باشد (اعلم

باشد).

4- به اوضاع روان، آن اندازه که در تشخیص موضوعات احکام و اظهار نظر جدید فقهی دخالت دارد، آشنا باشد.

5- عادل باشد، آن گونه که از «گناه کبیره»⁽⁴⁾ پرهیزد.

شرایط دیگر

اگر فقیهی نشانه های تخصص و تعهد در او جمع بود، با چهار شرط می توانیم از او تبلیغ کنیم:

1- زنده باشد

2- مرد باشد

3- بالغ باشد

4- شیعه دوازده امامی باشد.⁽⁵⁾

از یاد نبریم که:

1- در انتخاب مرجع تقلید نباید در پی کسی باشیم که فتوایش آسان تر از دیگران باشد بلکه باید ببینیم کدام فقیه، نشانه های کامل اجتهاد در او جمع است و سایر شرایط را نیز داراست.

2- دختران نیز می توانند با خواندن درس های لازم به مرحله اعلای تعهد و تخصص در فهم احکام دین راه یابند نظیر بانوی اصفهانی⁽⁶⁾ به مرحله اجتهاد برسند.

شناسایی مرجع تقلید

از راه های زیر می توان مرجع تقلید خود را شناخت:

1- خودمان عالم دینی هستیم و قدرت شناسایی مرجع تقلید را داریم.

2- دو تن از عالمان عادل که توان تشخیص دارند او را به ما معرفی کنند؛

البته به شرط آنکه دو عالم عادل دیگر برخلاف آن دو، نظر ندهند.

3- گروهی از عالمان دینی که از عهده تشخیص مرجع تقلید برمی آیند او را به ما معرفی کنند و ما به گفته آنان اطمینان پیدا کنیم.⁽⁷⁾

بنابراین اگر تا کنون در انتخاب مرجع تقلید مشکلی داشته ایم یا بدون تقلید، عمل می کرده ایم اینک از راه هایی که گفته شد باید مرجع تقلید خود را شناسایی کنیم و تکلیف خود را نسبت به اعمالی که تاکنون انجام داده ایم از او جویا شویم.

فراگیری مسائل دینی

انسان نباید در فراگیری مسائل دین کوتاهی کند بلکه واجب است مسائلی که غالبا به آنها نیاز دارد، فرا بگیرد.

امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:

اف لكل مسلم لا يجعل في كل جمعة يوما يتفقه فيه امر دينه و يسال عن دينه.⁽⁸⁾

وای بر هر مسلمانی که در هفته (لااقل) یک روز را برای فهم مسائل دینی و پرسش از آنها قرار نمی دهد.

صادقانه با احکام

پس از انتخاب مرجع تقلید و فراگیری احکام مورد نیاز، باید صادقانه آنها را به کار بندیم. چه بسا فلسفه حکمی برای ما معلوم نباشد یا عمل به آن مطابق با میل ما نباشد، ما به حکم عقل و دین موظفیم آن حکم را در زندگی به کار بندیم؛ چرا که مرجع تقلید با ویژگی هایی که دارد تمام توان خود را برای استنباط آن حکم به کار گرفته است و از روی صداقت و امانت بی هیچ اضافه و کاستی آن را برای ما بیان داشته است. بندگان شایسته خدا همیشه در برابر احکام الهی سراپا تسلیم بوده اند یکی از یاران امام صادق علیه السلام به ایشان عرض

کرد: «به خدا سوگند اگر اناری را دو نیم کنی و بگویی نیمی از آن حلال و نیمی دیگرش حرام است؛ من گواهی می دهم آنچه را حلال دانسته اید حلال است و آنچه را حرام دانسته اید حرام است.» امام عقیده پاک و زلال او را آفرین گفت: «خدا تو را رحمت کند، خدا تو را رحمت کند!»⁽⁹⁾

قداست فتوا

وحی الهی مقدس است چون از سوی خداست و در آن اشتباه و خطا راه ندارد و مرجع تقلید نیز که به فهم احکام دینی از وحی الهی موفق می شود و بر اساس آن فتوا می دهد فتوای او مقدس است چرا که تلاش کرده است تا وحی الهی را بازگو کند.

گرچه مرجع تقلید، معصوم نیست ممکن است در مواردی به فهم صحیح وحی نائل نیامده باشد ولی چون تنها راه مطمئن ما به وحی الهی، فتوای اوست و او نیز در کمال امانت و صداقت آنچه را فهمیده است بازگو می کند فتوای او محترم و مقدس است و به حکم عقل باید از آن پیروی کنیم.

پیروی از مرجع تقلید که به آن «تقلید» گفته می شود، پیروی از کارشناس و متخصص دینی است و کاری است عاقلانه سنجیده و منطقی.

ما به مرجع تقلید عشق می ورزیم و به او احترام ویژه می گذاریم و احکام دینی خود را از او فرا می گیریم.

3. فدایی ولایت

ولایتی که برای پیغمبر ﷺ و ائمه علیهم السلام می باشد برای فقیه هم ثابت است. در این مطلب هیچ شکی نیست. (10)

من هم مثل شما تعجب کردم وقتی دیدم عده ای از بانوان پشت در خانه جمع شده اند. شما به من فرمودید: اسماً! بین چه خبر است. من رفتم و خبر آوردم که: عده ای از زنان مهاجر و انصار به عیادت شما آمده اند.

عده شان زیاد بود. وقتی دور بستر شما را گرفتند، اتاق کاملاً پر شد. شما را دیدند که پهلویتان شکسته بود، میخ های در سینه تان را زخم آلود کرده بود.

بازویتان مجروح بود و سینه تان کبود!
یکی از آنان به نیابت از همه احوالتان را پرسید:
ای دختر رسول خدا! با این بیماری، شب را چگونه به صبح آوردید؟
- «از دنیای شما بیزارم و از مردان شما خشمگین.

چرا نگذاشتند حق در مرکز رسالت قرار یابد؟ و چرا پایگاه خلافت نبوی را از منزل وحی دور کردند؟ همان منزلی که محل فرود آمدن جبرئیل بود و پیکره رسالت بر پایه های آن استوار بود. چرا افراد مسلط بر امور دنیا و آخرت را کنار زدند و دیگران را جایگزین کردند؟
این، بی تردید زیانی آشکار و بزرگ است.

چه چیز سبب شد که ابوالحسن (علی علیهم السلام) کینه به دل بگیرند و او را کنار بگذارند؟

من به شما می گویم،

به این دلیل که شمشیر عدالت او خویش و بیگانه نمی شناخت.
به این دلیل که او از مرگ هراس نداشت.
به این دلیل که در مسیر رضای خدا از هیچ چیز باک نداشت و به هیچ کس
رحم نمی کرد.

به این دلیل که در کار خدا اهل سازش و مدهانه و مدارا نبود.
سوگند به خدا اگر زمام امور را به او می سپردید، او کارها را سامان می
بخشید و امت را به آسانی در مسیر هدایت و سعادت قرار می داد و به مقصد
می رساند و کمترین حقی از کسی ضایع نمی شد.
او در پنهان و آشکار در حضور یا غیبت مردم، خیرشان را می خواست.
اهل استفاده شخصی از بیت المال نبود و از حطام دنیا هم تنها به قدر نیاز بر
می گرفت ؛ آب آن قدر که تشنگی فرو بنشیند و غذایی مختصر آن قدر که
گرسنگی با آن مرتفع شود، همین و بس. (11)»

ولایت فقیه

نقش «ولایت امام» را در جامعه شناختیم. سخن اینجاست که آیا در عصر
غیبت، که دسترسی به امام معصوم ندارد، ولایت و سرپرستی جامعه بر عهده
کیست؟

بی شک همان گونه که ولایت امام از سوی خدا و ابلاغ پیامبر ﷺ است،
پس از امامان نیز ولی و سرپرست جامعه باید از سوی خدا و ابلاغ امام
عَلَيْهِ السَّلَام تعیین شود.

نامه ای به محضر مبارک امام زمان عَلَیْهِ السَّلَام نوشت و مساله ای را از ایشان
پرسید. جواب به خط مبارک آن حضرت به دستش رسید:

و اما الحوادث الواقعة فارجوا فيها الى رواه احاديثنا فانهم حجتى عليكم و انا حجة الله.

و در پیشامدها - و مسائل دینی - به راویان حدیث (فقیهان جامع شرایط) مراجعه کنید که آنان بر شما حجت و راهنمایند و من حجت خدایم.⁽¹²⁾ یعنی: قلب پییده جامعه اسلامی «ولی فقیه» است. نگهبان دین از تحریف ها «ولی فقیه» است.

نجات دهنده دین از چنگال دشمنان «ولی فقیه» است. و مرجع نهایی حل و فصل اختلاف ها «ولی فقیه» است. ولایت فقیه، استمرار حضور امامان است. ولی فقیه نماینده امام زمان است و با وجود او به دین و مملکت آسیبی نخواهد رسید. ولی فقیه چون سایرین موظف به رعایت موازین اسلام است. یعنی آنچه حاکم است دین و فقاقت است.

شرایط و صفات ولی فقیه (رهبر)

- 1- صلاحیت علمی لازم برای استنباط احکام در ابواب مختلف فقه (اجتهاد)
 - 2- عدالت و تقوی لازم برای رهبری امت اسلامی.
 - 3- بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری.
- در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی تری باشد مقدم است⁽¹³⁾

وظایف و اختیارات ولی فقیه (رهبر)

- 1- تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام.

- 2- نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام.
- 3- فرمان همه پرسی.
- 4- فرماندهی کل نیروهای مسلح.
- 5- اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها.
- 6- نصب و عزل و قبول استعفا.
- الف: فقهای شورای نگهبان.
- عالیترین مقام قوه قضائیه
- ج: رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- رئیس ستاد مشترک
- فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- و فرمانده عالی نیروهای نظامی و انتظامی.
- 7- حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه
- 8- حل معضلات که از طریق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- 9- امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم، صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می آید باید قبل از انتخاب به تایید شورای نگهبان و در دوره اول به تایید رهبری برسد.
- 10 - عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رای مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی براساس اصل هشتاد و نهم.
- 11- عفو یا مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد قوه قضائیه.

اطاعت از رهبری

با گوشه ای از شکوه های حضرت زهرا علیها السلام آشنا شدیم. روح کلام ایشان این بود که اگر حمایت مردم نباشد رهبر اسلامی قدرت اجتماعی برای حاکم ساختن قانون اسلامی را ندارد.

حمایت از رهبری ویژه مردان نیست و در طول تاریخ بانوانی قهرمان از ولایت و رهبری ائمه علیهم السلام دفاع کردند و در دوران انقلاب حضور بانوان و حمایت آنان از مقام بلند ولایت فقیه چشمگیر بوده و هست.

امروز که روز حکومت قانون اسلام است باید بدانیم که حکومت قانون تنها با ولایت و نظارت ولی فقیه و حضور مردم میسر است.

4. بلوغ شاخه ها

یا ایها الناس قد جاکم برهان من ربکم و انزلنا الیکم نورا مبینا. (14)

ای مردم، در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستادیم.

در صبح دل انگیز بهاری بر لب حوض خانه نشسته ای و در غرق تفکر گشته ای ؛ به درختان می اندیشی که چگونه ناگهان عوض شده اند و به شاخه ها که چگونه پر از برگ و شکوفه گشته اند.

شاخه ها از این پس می خواهند با طراوت و معطر باشند، میوه بدهند، و سایه و مهر عطوفت بر دیگران بگسترانند.

نشسته ای و به «بلوغ شاخه ها» می اندیشی!

از بلوغ شاخه ها به بلوغ خود پی میبری، چرا که دیگر حس پرستش و وظیفه شناسی در تو شکوفا شده، دیگر کودک نیستی که در شناخت پیرامون خود تنها از حواس پنج گانه ات کمک بگیری، عقل تو بیدار شده است، همه چیز در نگاه تو تغییر و تحول یافته است.

دیگر دوست نداری مثل همیشه به لهو و لعب و سرگرمی ها و بازی های بی هدف پردازی و کارهایت بدون هدف و آرمان باشد.

می خواهی در تمام گذشته های خود تجدید نظر کنی و افکار و عقاید خود را بر اساس حق و حقیقت با واقع بینی تنظیم کنی.

در این بهبوه فکری شدیداً به راهنمایی دانا، دلسوز و مهربان نیاز داری. تو دیگر بالغ شده ای خداوند، پیامبران امامان را به یاری تو فرستاده تا دنیا و آخرت تو را بر اساس عقل و فطرت تو پی ریزی کنند و تو «مکلف» هستی بر اساس دستورها و راهنمایی های آنها زندگی کنی.

نشانه های بلوغ

بلوغ جنسی دختران به حسب آب و هوا، نژاد و تغذیه و وضعیت روحی و جسمانی آنان متفاوت است. از نشانه های آشکار و مهم آن «اولین قاعدگی» که معمولاً در سنین 12 یا 13 سالگی، دختران با آن مواجه می شوند.

دختران بلوغ دیگری نیز دارند که چند سال زودتر از بلوغ جنسی به آن می رسند، که از آن به «بلوغ دینی» تعبیر می شود، با رسیدن به بلوغ دینی، باید تکالیف دینی را به خوبی انجام دهند.

بلوغ دینی سه نشانه دارد که می توان با رجوع به رساله توضیح المسائل از آن آگاهی یافت و ما به یک نشانه بسنده می کنیم و آن پایان یافتن 9 سال قمری است و چون هر سال قمری، 10 روز و 18 ساعت از سال شمسی کمتر می باشد، دختران 96 روز و 8 ساعت زودتر از 9 سال شمسی به سن بلوغ قدم می گذارند.

پنجره های اعمال

خانه قلب تو پنجره های لطیف و ظریف دارد، تو با انجام دادن هر کار پنجره ای از قلبت را به سوی آن کار می گشایی و با ترک کردن هر کار پنجره های قلبت را به روی آن کار می بندی، اسلام با شناخت کاملی که از تو و جهان پیرامون تو دارد در برابر هر کاری حکمی دارد او می داند که پنجره ای از قلبت را به سوی کدام کارها بگشایی نسیم معطری به خانه قلبت خواهد ورزید؟ و اگر به سوی کدام کارها بگشایی فضای قلبت را آلوده خواهد کرد؟

احکام دینی عبارتند از:

1- واجب: علمی است پسندیده که انجام آن لازم است و ترک آن عذاب دارد؛ مانند پوشش بدن و موی زن در برابر نامحرم و اطاعت از خدا و پیامبر و امامان.

2- حرام: علمی است که ترک آن لازم است و انجام آن عذاب دارد؛ مانند جلوگیری در برابر نامحرم، آزدن پدر و مادر، و نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم.

3- مستحب: علمی است پسندیده که انجام آن پاداش دارد، ولی ترک آن عذاب ندارد؛ مانند شستن میوه پیش از خوردن، یاد کردن امام حسین علیه السلام پس از خوردن آب و نفرین کردن بر قاتلان آن حضرت.

4- مکروه: علمی است که ترک آن زیبا و پاداش دارد ولی انجامش عذاب ندارد؛ مانند گذاشتن نان در زیر ظرف غذا، و آشامیدن آب بعد از غذای چرب.

5- مباح: علمی است که انجام و ترک آن یکسان است و پاداش یا عذاب ندارد؛ مانند استراحت کردن و سرگرمی های مباح. ⁽¹⁵⁾

آشنایی با زبان احکام

هر علم و فنی زبان مخصوص به خود را دارد. زبان شعر و هنر با زبان روان شناسی فرق دارد، زبان زیست شناسی با زبان تاریخ متفاوت است.

احکام نیز زبان مخصوص به خود را داراست. رساله را برداریم به واژه هایی بر می خوریم که معانی آنها را نمی دانیم. اکنون با چند واژه آشنا می شویم.

1. فتوا (یا بیان حکم توسط مجتهد)

حکم مساله ذکر شده است مثلاً گفته شده است: واجب است، حرام است، جایز است، واژه های زیر نیز به معنای فتوا است:

اظهر این است - اقرب این است - اقوی این است - بعید نیست.

این واژه ها به معنای فتواست یعنی باید براساس آن عمل شود.

2. احتیاط واجب

حکم مساله ذکر نشده فقط گفته است (احتیاط بر این است که) و یا گفته است (احتیاط واجب این است که) مقلد موظف است یکی از دو کار را انجام دهد:

الف: بر اساس همین احتیاط عمل کند.

اگر مجتهد دیگری که از نظر علمی نسبت به هم سطح ایشان یا ایشان پایین تر و از دیگران بالاتر است در این مساله فتوا داده است، به فتوای او عمل کند. مثال: اگر از روی معصیت یا به واسطه عذری نماز مغرب یا عشا را تا نصف شب نخواند، بنابراین احتیاط واجب، باید تا قبل از اذان صبح، بدون اینکه نیت ادا یا قضا کند نماز را به جای آورد. (16)

3. احتیاط مستحب

حکم مساله ذکر شده ولی در کنار آن گفته شده: (احتیاط آن است که) و یا گفته شده (احتیاط مستحب آن است که).

در اینجا بهتر است به این احتیاط عمل کنیم و به ثواب بیشتری دست یابیم. مثال: اگر مکلف نداند بدنش با لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده، نماز او صحیح است ولی احتیاط آن است که اگر وقت دارد نماز را دوباره بخواند. (17)

به طور خلاصه اگر:

الف: هم حکم بود و هم احتیاط، این احتیاط، مستحب است.

ب: اگر از اول با لفظ «احتیاط» یا «احتیاط واجب» بیان شد، و حکم، ذکر

نشد این احتیاط واجب است. (18)

راههای دستیابی به احکام

از راههای زیر می توان از حکم مرجع تقلید خود در مسائل گوناگون اطلاع یافت و براساس آن عمل کرد:

1. با شنیدن از خود ایشان.
2. با خواندن از رساله معتبری که با مهر و اجازه ایشان چاپ شده است.
3. با پرسیدن از یک یا دو تن عادل که فتوای ایشان را می دانند.
4. با پرسیدن از شخص راستگو و مورد اعتمادمان.⁽¹⁹⁾

دوران بازنگری

دوران سبز بلوغ باید دوران بازنگری به گذشته هم باشد. گاهی انسان در ایام کودکی کارهایی انجام داده است که هم اکنون موظف است آنها را جبران کند مانند ضایع کردن حقوق دیگران که از آن به «حق الناس» یا «حقوق الناس» تعبیر می شود.

یکی از حقوق الناس، حقوق مالی آنهاست بنابراین اگر چیزی از اموال مردم را از بین برده و به خسارت وارد کرده ایم نزد صاحبان آن اموال می رویم و به هر طریق ممکن، آنها را راضی و خشنود می کنیم.⁽²⁰⁾

خمس نیز حقوق مالی است، بنابراین اگر در ایام پیش از بلوغ سرمایه ای داشته ایم و از آن منافی به دست آورده ایم بنابر احتیاط واجب باید خمس آن را بپردازم.⁽²¹⁾

5. بر صراط مستقیم

ما یرید الله الله لیجعل علیکم من حرج و لکن یرید لیطهرکم. ⁽²²⁾

خدا نمی خواهد بر شما تنگ بگیرد، لیکن می خواهد شما را پاک گرداند. ظرف ها را چند بار آب می کشد، هر روز لباس هایش را می شوید، گاهی در و دیوار خانه را آب می کشد. کمتر اتفاق می افتد به میهمانی برود و یا غذاهای آنها را نجس نداند، همیشه ترشرو و عصبانی است، فکر می کند همه چیز نجس است و همه مردم بی مبالا هستند.

او به بلای شیطانی «وسواس» گرفتار شده است. باید بداند که زندگی روز به روز بر او تنگ تر خواهد شد و روی خوشبختی و آرامش را نخواهد دید. او از جاده مستقیم دین منحرف گشته است، هر چه سریع تر باید وسوسه های شیطانی را نادیده انگارد و به همان راه و رسمی که آدمهای متدین و مساله دان عمل می کنند، عمل کند.

بعضی ها بر خلاف وسواسی ها همه چیز را پاک می دانند به قول خودشان دلشان پاک است، کمتر اتفاق می افتد که به طهارت و نجاسات اهمیت دهند و جایی که نجس شده به روش صحیح تطهیر نمایند. اینها نیز مسیر انحرافی را می پیمایند هر چه سریع تر به دستورات دین در این زمینه اهمیت داده و بر اساس آن زندگی کنند. برای آنکه دچار اشتباه و کج سلیقه نگردیم باید ابتدا نجس ها را بشناسیم و آنگاه راه پاکسازی چیزهای نجس را فرا گیریم.

پاک ها و نجس ها

ممکن است چیزی کثیف باشد اما نجس نباشد یا چیزی تمیز باشد اما پاک نباشد.

بنابراین پاکی و نجسی غیر از تمیزی و کثیفی است.

نجس ها انگشت شمارند. با احکام برخی از آنها آشنا می شویم.

نجس ها

نجس ها عبارتند از:

1. ادرار و مدفوع انسان و حیوان های حرام گوشتی که خون جهنده دارند یعنی اگر رگ آنها را ببریم خون بیرون می جهد مانند گربه، موش و روباه.
2. منی، مردار و خون انسان و حیوانی که خون جهنده دارند مانند گوسفند و گربه.
3. سگ و خوک که در خشکی زندگی می کنند.
4. شراب و هر مایع مست کننده دیگر.
5. آبجو غیر طبیعی.
6. عرق شتر نجاست خوار.
7. کافر. ⁽²³⁾

برخی نجاست های دیگر نیز هست که برای اطلاع بیشتر می توانید به رساله توضیح المسائل رجوع کنید.

نجاست مسری

نجس ها را شناختیم. نجس ها می توانند چیزهای پاک را از طریق زیر نجس کنند:

- پاک با نجس تماس برقرار کند.
 - یکی از آنها یا هر دو، مرطوب باشند.
 - رطوبت یکی به دیگری سرایت کند.
- بنابراین اگر نجاسات، خشک باشند و چیزی که با آنها تماس برقرار می کند آن هم خشک باشد نجاست سرایت نمی کند.

البته باید به فراتر از اینها اندیشید: آیا اگر دختر پاکی با دختر آلوده ای به گونه ای گرم و صمیمی ارتباط برقرار کرد آلوده نمی شود؟

احکام نجس ها

از نجس ها و چیزهایی که نجس شده اند بپرهیزیم به عنوان نمونه:

1. خوردن و آشامیدن نجس و چیز نجس شده حرام است. ⁽²⁴⁾
2. با بدن یا لباس نجس نماز نخوانیم که اگر عمدی باشد نماز باطل است. ⁽²⁵⁾
3. بر نجس تیمم نکنیم که باطل است. ⁽²⁶⁾
4. بر نجس سجده نکنیم که باطل است. ⁽²⁷⁾

پاک کننده ها

انسان دوست دارد پاک و پاکیزه باشد. خداوند نیز به این خواسته پسندیده او پاسخ مثبت داده و بعضی از چیزها را پاک کننده قرار داده است. یکی از پاک کننده ها «آب» است البته ممکن است بعضی از مایعات دیگر و مواد شیمیایی و بخار آب در بین مردم پاک کننده به شمار آیند ولی از نظر شرعی پاک کننده نیستند.

همچنین اگر آب با چند چیز دیگر مخلوط شود به طوری که دیگران به آن آب نگویند نمی تواند پاک کننده باشد مثل آبدوغ یا آب میوه و در اصطلاح به آن «آب مضاف» می گویند.

آب اگر مضاف نباشد مطلق است و تنها آب مطلق پاک کننده است.

اقسام آب مطلق

1. آب باران
2. آب چاه

3. آب جاری (آبی که از زمین می جوشد و جاری می شود)

4. آب راکد (آبی که از زمین نمی جوشد)

آب راکد (دو گونه است)

1. آب قلیل (آبی که کمتر از اندازه مخصوص است)

2. آب کر (آبی که به اندازه مخصوص یا بیشتر از آن است)

مقدار آب کر یا قلیل

اگر حوضچه ای داشته باشیم که 385 لیتر آب خالص در دمای معمولی را در خود جای دهد مطمئن هستیم که این مقدار آب، کر است ⁽²⁸⁾؛ البته حضرت امام خمینی رحمه الله علیه کمتر از این مقدار را نیز کر می دانند یعنی 377/419 لیتر آب. آبی که از مقدار کر کمتر باشد «آب قلیل» نامیده می شود.

(29)

آب لوله ها

آب لوله ها که به منبع بزرگ آب، متصل است و آب هر لوله ای که به آب کر متصل باشد، حکم آب کر را دارد البته تا آن لحظه که آب از لوله می آید و منبع آن، کمتر از کر نشده است. ولی آب لوله های حمام که از شیرها و دوش ها می ریزد اگر متصل به کر باشد در حکم آب جاری است. ⁽³⁰⁾

احکام آب مطلق

1. تمام آب های مطلق به جز آب قلیل تا آن زمان که بو یا رنگ یا مزه

نجاست به خود نگرفته باشند پاک و پاک کننده است. ⁽³¹⁾

2. آب قلیل به محض تماس با نجاست، نجس می شود و دیگر پاک کننده

نیست. ⁽³²⁾

به عنوان مثال:

اگر در آب کر یا آب جاری لباس های نجس را شسته باشند آن آبها پاک و پاک کننده هستند مگر آنچه بو یا رنگ یا مزه نجاست به خود گرفته باشند البته در این صورت ممکن است این آب، بهداشتی نباشد و مساله بهداشت و تمیزی چیز دیگری است.

همین طور اگر کوچک ترین نجاست یا چیز نجسی به آب ظرف و تشت بخورد دیگر آن آب، پاک و پاک کننده نخواهد بود.

6. فرهنگ پاک سازی

ان الله طيب يحب الطيب، نظيف يحب النظافة

پیامبر ﷺ فرمود: خدا پاک است، پاک را دوست دارد، پاکیزه است، پاکیزگی را دوست دارد. (33)

همیشه تمیز و تنظیف است خانه را تمیز نگه می دارد، شیشه های در و پنجره را تمیز می کند، دیوار و سقف اتاق ها را گردگیری می کند، تار عنکبوت ها را می گیرد، اثاث خانه را گردگیری می کند، ظرف های کثیف و چرب را روی هم انباشته نمی کند به موقع همه چیز را تمیز می کند و در جای خودش قرار می دهد او پاکیزه است و خدا نیز او را دوست دارد.

ارزش ما در این نیست که لوازم و وسائل منزلمان نو و گران قیمت باشد بلکه ارزش در این است که همه چیز تمیز و منظم مرتب باشد، البته باید توجه داشته باشیم که در اسلام پاکی و طهارت با تمیزی فرق می کند بنابراین علاوه بر تمیزی باید پاک هم باشیم.

چیزهای نجس را باید پاک کرد. بعضی فکر می کنند اگر پارچه مرطوبی را روی زمین یا فرش نجسی بکشند پاک می شود یا با ریختن مقداری آب و جمع کردن آن آنها، چیز نجس پاک می شود، اینگونه نیست.

تطهیر و پاک سازی اشیا نجس آداب خاصی دارد که می توان به آسانی آن را فرا گرفت.

قبل از تطهیر عین نجاست را از چیز نجس برطرف می کنیم آنگاه آن را با آب به روشی که خواهیم گفت تطهیر می کنیم:

تطهیر ظروف

با آب کر، جاری و چاه: یک بار در آب فرو می بریم و بیرون می آوریم.

با آب لوله: (وصل به کر یا جاری): آن را زیر شیر آب می گیریم تا آب به همه جای آن برسد و از ظرف جدا شود.

با آب قلیل: آن را سه مرتبه پر از آب کرده و خالی می کنیم و یا سه مرتبه مقداری آب داخل آن می ریزیم و هر مرتبه آب را طوری داخل آن می گردانیم که به جاهای نجس برسد و آن را بیرون می ریزیم.

البته ظرفی را که سگ آن را لیسیده و یا از آن مایعی نوشیده است باید قبلاً از تطهیر با خاک پاک، خاک مالی کرده آنگاه بنابر احتیاط واجب دو مرتبه آب بکشیم. (34)

تطهیر غیر ظروف

غیر ظروف مثل لباس و فرش را به طریق زیر تطهیر می کنیم:

با آب کر، جاری و چاه: یک مرتبه در آب فرو می بریم و بیرون می آوریم و اگر آب را به خود می گیرد و قابل فشردن است بنابر احتیاط واجب آن را داخل آب می رسانیم و آن را خارج می کنیم.

با آب لوله: (وصل به کر یا جاری): یک مرتبه زیر شیر آب می گیریم و با شیلنگ آب را روی آن می گیریم و اگر آب را به خود می گیرد و قابل فشردن است و بنابر احتیاط واجب آب را داخل آن می رسانیم و خارج می کنیم.

با آب قلیل: اگر با بول نجس شده آن را دو مرتبه و اگر با چیز دیگر نجس شده آن را یک مرتبه می شوئیم.

در هر صورت اگر آب را به خود می گیرد و قابل فشردن است باید بعد از هر بار شستن آن را بفشاریم تا آبهای داخلش بیرون بیاید و یا به گونه ای دیگر آب آن را بگیریم.

توجه:

غیر ظروف، اگر با بول پسر بچه شیر خواری که غذا خور نشده است نجس شوند، اگر یک مرتبه آب روی آن بریزیم که به تمام جاهای نجس برسد پاک می شود و در فرش و لباس و مانند آن، فشار دادن هم لازم نیست. (35)

لباس شویی ها

ابتدا عین نجاست را از لباس ها برطرف می کنیم، آنگاه لباسها را داخل لباس شویی می ریزیم و اگر لباس شویی پس از جمع شدن مقداری آب در مخزن، آبش قطع می شود و شروع به شستن می کند باید دو بار آن را بشوید و هر دفعه آب آن خارج گردد و اگر آب لباس شویی قطع نمی گردد یک بار شستن کافی است. (36)

درباره لباس شویی های عمومی به این دو نکته توجه کنیم:

1. اگر لباس را پاک تحویل دادیم ولی شک داریم که نجس شده است یا نه، پاک است.

2. اگر لباس مان نجس بوده و متصدی شستن که مسلمان است بگوید آن را تطهیر کرده ام، حکم لباس پاک را دارد.

خشک شویی ها

لباسی را که نجس است نباید داخل خشک شویی انداخت باید ابتدا خودمان یا متصدی خشک شویی آن را تطهیر کند و داخل خشک شویی بیندازد. چون خشک شویی با مواد مانند شیمیایی بنزین و سایر مواد پاک کننده، لباسها را تمیز می کند و با آب و شستن سر و کار ندارد. بنابراین:

1. اگر لباس پاک خود را تحویل خشک شویی دادیم و شک کردیم که آیا در دستگاه نجس شده است یا نه، آن لباس، پاک است.

2. اگر شک کنیم که لباس ما با لباسهای نجس مخلوط شده است، لباس ما نجس است.

3. اگر لباس ما نجس بوده و فراموش کردیم که به متصدی خشک شویی تذکر دهیم باید از او بیرسیم چنانچه آن را تطهیر نکرده است، نجس است. (37)

تطهیر جامدات

اگر گندم و برنج، گوشت و صابون و چیزهای جامد دیگر نجس شوند:

1. اگر فقط ظاهر آنها نجس شده باشد، تطهیر آنها همانند ظروف نجس انجام می پذیرد.

2. اگر نجاست به داخل آنها هم رسیده باشد قابل تطهیر نیستند.

3. اگر شک داریم نجاست به داخل آنها رسیده است یا نه، تطهیر ظاهر آنها کافی است.

تطهیر زمین نجس

با آب کر، جاری و لوله: ابتدا عین نجاست را برطرف می کنیم آنگاه آب را روی آن می گیریم تا تمام جاهای نجس را فراگیرد.

با آب قلیل: اگر زمین سخت و محکم نیست و آب را فرو می گیرد قابل تطهیر نیست ولی اگر آب بر آن جاری می شود، آب قلیل را روی محل نجس می ریزیم تا آب، جاری شود، آنگاه آب را به داخل چاه یا فاضلاب هدایت می کنیم.

زمینی که روی آن ریگ یا شن است با آب قلیل پاک می شود ولی زیر ریگها و شن ها نجس می ماند. (38)

7. پاک سازی بدن

و الله يحب المطهرين. (39)

و خدا کسانی را که خواهان پاکی اند دوست می دارد. بهشت سراسر پاکی و قداست است و بهشتیان پاکند آنان پاکی را از این دنیا به ارمغان برده اند. میل به طهارت و پاکی امری فطری است، همه و به ویژه دوشیزگان و بانوان دوست دارند پاک و پاکیزه باشند.

اگر آدمی در همین اندام و دنیا خلاصه می شد، پاکیزگی او همین شستشوی عادی بود؛ ولی او علاوه بر اندام، روح لطیف و پاک خواه دارد و زندگی او با پایان یافتن دنیا به شکلی زیباتر، لطیف تر و برتر ادامه می یابد از این رو می باید برای تحصیل طهارت و پاکی همه جانبه عمل کند تا روح او نیز پاک گردد و گسترده پاکیزگی او آخرت را نیز فرا گیرد.

اسلام که به خوبی انسان و نیازهای فطری او را می شناسد، برای پاکیزگی روح و اندام او راههایی ارائه داده است که یکی از آنها «غسل» است. غسل تنها شستن اندام نیست بلکه یک امر معنوی و عبادی است از این رو باید همراه با نیت «اطاعت دستور خداوند» باشد.

غسلهای واجب

غسلهای واجب دو دسته اند:

1. غسلهایی که برای دختران و پسران واجب می شود که عبارتند از: غسل جنابت، غسل مس میت و غسل میت.
2. غسل هایی که ویژه دختران و بانوان است که عبارتند از: غسل حیض، غسل استحاضه و غسل نفاس. (40)

غسل مس میت

با قدم نهادن به دوران بلوغ جنسی دنیای شیرین، لذیذ و در عین حال شگفت و رویا گونه در برابر چشمان نوباوگان ظاهر می شود. در این دوره ویژگی های جنسی و ترکیب و تناسب اندام کاملاً مشخص و نمایان می گردد. میل و غریزه جنسی که خداوند آن را برای تشکیل یک خانواده گرم و صمیمی، در انسان به ودیعت نهاده است، شکوفا و شکوفاتر می گردد. در این دوران حساس و مواظبت و مراقبت از آرزوها، و میل ها و خواسته ها در پرتو تعالیم نجات بخش اسلام، لازم و ضروری است. چه بسا دخترانی که تحت تاثیر محیط آلوده و برنامه های فسادانگیز قرار گرفته و کرامات خود را فراموش کرده و به پشیمانی ابدی دچار گشته اند. غرب که می کوشد فرهنگ و تمدن خود را بر جوانان ما غالب کند، دختران و دوشیزگان را به دنیای پر از تیرگی ها و سرگردانی ها کشانیده است و خود نیز به این معترف است. اسلام از ما می خواهد به خصوص در این ایام از هر گونه برنامه و خیالی که غریزه جنسی را تحریک می کند به شدت پرهیزیم. اسلام از دختران پاک و معصوم می خواهد که در اولین وقت ممکن ازدواج کنند و از حوادث ناگوار روزگار خود را نجات دهند.

جنابت

اگر منی از انسان خارج شود چه در خواب باشد و چه در بیداری انسان، انسان «جنب» می شود البته از راه آمیزش حلال یا حرام نیز انسان جنب می شود. (41)

بنابراین توجه به این نکته لازم است ممکن است دختران نیز به واسطه خارج شدن منی، جنب شوند. (42)

در تاریخ آمده است:

زنی نزد پیامبر خدا ﷺ آمد و با شرم و حیا پرسید: اگر زنی در خواب آنچه را که مردها می بینند ببیند حکمش چیست؟
پیامبر ﷺ فرمود: آیا همراه با لذت است؟
زن گفت: آری.

پیامبر ﷺ فرمود: آنچه بر مردان هست بر او نیز هست (باید غسل جنابت کند). (43)

بنابراین اگر کسی یقین کند آنچه که بیرون آمده است منی است باید غسل کند و اگر یقین ندارد، چنانچه رطوبتی از او خارج شود همراه با شهوت باشد حکم منی را دارد و باید غسل جنابت کند و اگر این نشانه را نداشته باشد و شک کند که این گونه بوده است یا نه، غسل بر او واجب نیست. (44)

بنابراین ترشحات سفید رنگ و سایر ترشحات و آبها، همگی پاکند و نباید زمینه وسواس ما را فراهم سازند. (45)

آداب ویژه غسل

به دو روش می توان غسل کرد:

1. ترتیبی

به نیت غسل ابتدا سر و گردن را می شوئیم، سپس نیمه راست بدن و سپس نیمه چپ بدن را.

2. اتماسی

به یکی از دو روش زیر غسل می کنیم:

با نیت غسل به تدریج زیر آب می رویم تا تمام بدن در آب قرا گیرد. هر چند احتیاط آن است که یک دفعه داخل آب برویم. و یا زیر آب رفته و در آب به نیت غسل، بدن را تکان می دهیم.

احکام غسل

با کیفیت غسل کردن آشنا شوید، در اینجا به برخی از نکته های مهم اشاره می کنیم:

1. چیزهایی را که مانع رسیدن آب به بدن است ابتدا برطرف می کنیم و اگر پیش از این کار غسل کنیم، باطل است. ⁽⁴⁶⁾
2. در غسل، باید آب بر بدن جاری شود و تمام آن برسد ولی دست کشیدن لازم نیست. ⁽⁴⁷⁾
3. شستن لاله داخلی گوش و بین انگشتان پا واجب است ولی شستن جاهایی که دیده نمی شود مانند داخل گوش و بینی واجب نیست.
4. هنگام غسل پاهای خود را از زمین برداریم تا کف پاها هم آب برسد و شسته شود.
5. اگر در بین غسل کردن کاری که وضو را باطل می کند از انسان سر بزند، غسل او باطل نمی شود. ولی برای نماز باید وضو بگیرد. ⁽⁴⁸⁾
6. اگر کسی شک دارد که غسل کرده است یا نه، واجب است غسل کند.
7. کسی که غسل کرده و پس از غسل کردن شک می کند که غسل او صحیح بوده یا نه، لازم نیست دوباره غسل کند. ⁽⁴⁹⁾

8. پدیده قاعدگی

یسئلونک عن المحيض قل هو اذی (50)

(ای پیامبر ﷺ) از تو درباره عادت ماهیانه (زنان) می پرسند، بگو: آن یک نوع رنج است.

صدای گریه نوزاد، تبسم های نمکین، چنگ زدن ها و خوشمزگی هایش؛ همه چیزش زیبا و دوست داشتنی است.

او یک «روح لطیف» نیاز دارد تا زیبایی هایش را درک کند.

یک «عاطفه عالی» که او را با مهر پروراند.

و یک «احساس سرشار» که خواسته هایش را لمس کند.

او یک «مادر» نیاز دارد.

این مادر است که با عشق و علاقه، رنج و زحمت و بارداری او را تحمل می کند.

عادت ماهیانه یا قاعدگی، اعلان آمادگی برای پرورش جنین و مادر شدن است.

این پدیده تازه و کاملاً معمولی در سن 12 تا 13 سالگی برای دختران پیش می آید سطح داخلی رحم کنده می شود؛ ابتدا عروق منقبض و سپس منبسط و خونریزی شدید آغاز می شود و لایه ها در اثر نداشتن خون و از پا در آمدن کنده و خارج می گردد؛ اما خونی که لخته نمی گردد و به طور متوسط تا روز چهارم زیاد است، حرارت بدن در نیمه دوم قاعدگی بیشتر ولی فشار خون کمتر است.

در این ایام زن، بیمار نیست ولی ممکن است کم خون و عصبانی باشد و نتواند به خوبی کارهایش را انجام دهد. او نیاز به عواطف پدرانه و مادرانه دارد.

(51)

البته چنانچه او به این حقیقت آگاه باشد که قاعدگی هرگز حالت بیماری نیست بلکه کاملاً طبیعی و برای بدن او لازم است، بی شک می تواند طبق معمول و بدون ناراحتی و نگرانی به کار خود ادامه دهد بدون آنکه اطرافیان او متوجه شوند، ولی توجه به نظافت و جلوگیری از کارهای سنگین و خسته کننده در دوران قاعدگی بیش از هر زمان ضرورت دارد. (52)

به خونی که در ایام قاعدگی دیده می شود «خون قاعدگی» یا «خون حیض» گفته می شود. این خون دارای نشانه های زیر است:

1. سرخ و بعضی اوقات مایل به سیاه است.
2. غالباً گرم بوده و با فشار و سوزش همراه است.
3. مدت آن از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نیست.
4. خونریزی در سه روز اول به طور مستمر می باشد.
5. فاصله دو حیض حداقل ده روز می باشد.
6. حداقل سن برای قاعدگی 9 سال قمری و حداکثر سن برای بانوان سیده 60 سال قمری و برای دیگران 50 سال قمری است. (53)

تشخیص کامل

زن خونریزی های دیگری نیز دارد مانند «خون استحاضه» و «خون نفاس» از این رو برای تشخیص کامل خون حیض باید دقت های زیر را به کار بندند: چهار گروه از بانوان باید دقت کنند اگر خونی را می بینند که نشانه خون حیض را داراست باید آن را حیض به حساب آورند، وگرنه حیض نیست.

1. کسانی که برای اولین بار خونریزی آنها شروع شده است.

2. کسانی که خونریزی آنها سابقه دارد ولی هنوز تعداد روزها و زمان آن مشخص و منظم نیست.

3. کسانی که تنها تعداد روزهای خونریزی آنها مشخص و معین است.

4. کسانی که خونریزی آنها مشخص و معین بوده ولی تاکنون آن نظم را فراموش کرده اند.

دو گروه دیگر از بانوان، باید از ابتدای خونریزی آن را حیض به حساب آورند.

1. کسانی که تعداد و روزها و زمان خونریزی آنها مشخص و معین است.

2. کسانی که تعداد روزهای خونریزی آنها مشخص نیست ولی وقت آن منظم است. (54)

مقررات ایام قاعدگی

دوران قاعدگی دو مشخصه دارد: یکی آلودگی جسمی و دیگری ناراحتی روحی.

دین مقدس اسلام برای هر دو مشخصه ها، تدابیری اندیشیده است.

1. زن با آلودگی جسمی که دارد از برخی حریم ها دور کرده است مثلاً کارهایی که بر جنب حرام است بر او نیز حرام کرده است.

2. زن را با ناراحتی روحی که دارد از برخی عبادات موقتاً یا به طور کلی معاف داشته است مثلاً نماز را به طور کلی از عهده او برداشته است. همچنین او را از روزه گرفتن معاف داشته ولی قضای آن روزها را بر او واجب کرده است. (55)

زن در ایام قاعدگی نسبت به شوهر وظایفی دارد که می توان به رجوع به رساله توضیح المسائل آنها را فرا گرفت. (56)

پایان قاعدگی

- زن پس از پایان یافتن ایام قاعدگی به حالت عادی بر می گردد، ولی برای انجام عبادات و وظایف شرعی باید نخست «غسل حیض» را انجام دهد.
1. غسل حیض مانند بقیه غسلها انجام می گیرد، تنها نیت آن فرق می کند.
 2. پس از غسل حیض، برای نماز باید وضو بگیرد. ⁽⁵⁷⁾

9. دوره نفاس

و وصینا الانسان بوالديه احسانا حملته امه کرهه و وضعته کرها. (58)

و انسان را به نیکی به پدر و مادر سفارش کردیم؛ مادرش با تحمل رنج و سختی بر او باردار شده و با تحمل رنج و سختی او را به دنیا آورد. سرانجام پس از نه ماه و چندین روز، همراه با شیرینی انتظار، کودک پا به دنیای تازه می گذارد. مادر با دیدن او همه سختی های دوران بارداری و وضع حمل را به فراموشی می سپارد.

با به دنیا آمدن نوزاد در محل اتصال جفت در رحم، پس ساز خارج شدن جفت، زخم های سطحی باقی می ماند که به زودی پس از زایمان التیام می یابند و ترشحاتی که بر اثر این زخم ها حاصل می شود در اوایل، خون آلود و سپس قهوه ای رنگ می باشد و کم کم درد اثر التیام کم رنگ تر و بالاخره طبیعی می شود. (59)

به خونی که هنگام زایمان و پس از آن بیرون می آید «خون نفاس» می گویند. البته ممکن است خون نفاس یک لحظه و گاهی تا ده روز دیده شود. اما خونی که پس از ده روز دیده می شود خون نفاس نیست. (60)

احکام نفاس

در دوران نفاس باید همان مقررات دوران قاعدگی را رعایت کرد. (61) اما پس از قطع شدن خون نفاس باید «غسل نفاس» کرد و از آن حالت بیرون آمد. البته در برخی مناطق مرسوم است که زنی پس از هفت یا ده روز غسل می کند و قبل از آن هر چند خونریزی بند آمده باشد غسل نمی کند، این رسم باطلی است و ریشه دینی ندارد. (62)

غسل نفاس همانند غسل حیض انجام می شود، تنها در نیت تفاوت دارد و کفایت از وضو نیز نمی کند⁽⁶³⁾؛ یعنی برای نماز باید وضو بگیرد.

خون استحاضه

خون استحاضه مربوط به بلوغ و بعد از آن نیست بلکه ممکن است پیش از بلوغ و همچنین در دوران «دوران یائسگی» که دیگر زن غالبا باردار نمی شود و خون قاعدگی و نفاس نمی بیند، مشاهده گردد.

راههای تشخیص

در دو مورد زیر به احتمال بسیار قوی خون، خون استحاضه است البته اگر خون، ناشی از زخم یا نفاس نباشد.

1. خونی که قبل از بلوغ و پس از یائسگی دیده می شود.

2. خونی که کمتر از سه روز جریان دارد.⁽⁶⁴⁾

برای تشخیص خون استحاضه باید به نشانه های آن توجه کرد: خون استحاضه غالبا زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش می آید و غلیظ نیست.⁽⁶⁵⁾

اقسام استحاضه

جریان خون استحاضه همیشه یکسان نیست؛ گاهی کم؛ گاهی زیاد و گاهی متوسط است که هر کدام احکام ویژه ای دارد.

1. استحاضه قلیله (جریان کم)

خون تنها یک طرف پنبه بهداشتی را آلوده می کند ولی از طرف دیگر ظاهر نمی شود. در این صورت فقط باید بدن را تطهیر کرد و بنابر احتیاط واجب پنبه را عوض کرد، نماز را با وضو خواند، و روزه گرفتن هم صحیح است.⁽⁶⁶⁾

2. استحاضه متوسطه (جریان متوسط)

خون دو طرف پنبه بهداشتی را آلوده می کند ولی به دستمال بهداشتی نمی رسد. در این جا هر شبانه روز یک بار برای همان نمازی که پیش از آن خون دیده غسل می کند، برای نمازها وضو می گیرد، روزه گرفتن او (به شرط انجام غسل) مانعی ندارد. البته پس از پایان یافتن خون ریزی هم باید غسل کند. ⁽⁶⁷⁾

3. استحاضه کثیره (جریان زیاد)

خون از پنبه می گذرد و به پنبه بهداشتی سرایت می کند. در این هنگام قبل از هر نماز باید غسل کند؛ البته اگر بین نماز ظهر و عصر، و بین مغرب و عشاء را فاصله نیندازد، یک غسل برای دو نماز کافی است. ⁽⁶⁸⁾

نکته های مهم

در جریان متوسط و زیاد خون باید به این نکته ها توجه داشت:

1. برای هر نماز بدن، پنبه و دستمال بهداشتی از خون استحاضه پاک باشند.
2. پس از وضو و غسل تا حدی که امکان دارد و بیم ضرر ندارد و باید از بیرون آمدن خون جلوگیری کرد.

توجه

دختران باید با مطالعه و استمداد از مربیان و مادر یا خواهر بزرگ خود برداشت درستی از خود قاعدگی و استحاضه داشته باشند تا دچار تصورات عجیب و غریب در نتیجه گوشه نشینی و دلهره و سردرگمی نگردند و از انجام وظایف خود باز نمانند.

10. در اوج آسمانها

يا ايها الذين آمنوا اذا قمتم الى الصلوة فاغسلوا وجوهكم و ايديكم الى المرافق و امسحوا بروسكم و ارجلكم الى الكعبين. (69)

ای کسانی که ایمان آورده اید چون به (قصد) نماز برخیزید، صورت و دست هایتان را تا آرنج بشویید و سر و پاهایتان را تا برآمدگی مسح کنید.
آن شب چه زیبا با من سخن می گفت.
آهنگ کلامش مثل علی بود.

ای محمد، دستت را بلند کن می خواهم چیزی که از ناحیه راست عرشم جاری است به تو بدهم.
و آب فرو ریخت.

دست راستم را بلند کردم و قدری از آن آب را برگرفتم.
سپس ندا آمد: ای محمد، با آبی که گرفتی صورتت را بشوی ؛ چرا که می خواهی با آن به عظمت من نگاه کنی.

سپس دست راست و چپ خود را از آرنج بشوی ؛ چرا که می خواهی با آن دو، کلام مرا بگیری، آنگاه با آنچه در دستت باقی مانده است سرت را و پایت را تا بر آمدگی مسح کن ؛ چرا که می خواهم برکت را بر تو فرود آورم و گامهایت را بر جایی بگذارم که احدی پیش از تو به آنجا گام ننهاده و پس از این هم، نخواهد نهاد. (70)

تنها این شب معراج نبود که خداوند وضو را به من تعلیم داد. در زمین هم، همان اوایی که به نبوت برگزیده شدم، روزی جبرئیل بر من فرود آمد.
جامی لبریز از آسمان برایم آورده بود.

به من گفت: ای محمد! برخیز و برای نماز وضو بگیر. آنگاه وضو گرفتن را از ناحیه خدا به من تعلیم داد. (71)

وضوی مستحبی

وضو نور است، و مستحب است همیشه در همه حالات با وضو باشیم به چند نمونه از وضوهای مستحبی توجه کنیم:

1. وضو برای خواندن قرآن و همراه داشتن آن.
2. وضویی برای ورود به مساجد و مشاهد مشرفه و زیارت ائمه معصومین علیهم السلام.

3. وضو گرفتن شخص جنب برای خوردن، و آشامیدن و خوابیدن.
 4. وضو گرفتن در ایام قاعدگی برای نشستن در محل نماز و خواندن ذکر.
- (72)

وضوی واجب

برای خواندن نمازهای واجب باید وضو بگیریم، همچنین تماس برقرار کردن با نام خدا و نوشته قرآن و بنابر احتیاط واجب نام ائمه معصومین علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام بدون وضو حرام است. بنابراین به دو نکته توجه می کنیم:

1. استفاده کردن از گردن بندها و انگشترهایی که نام خدا و آیات خدا و نام ائمه معصومین علیهم السلام در آنها نقش بسته است، اشکالی ندارد ولی شخصی که وضو ندارد نباید به آن قسمت ها دست بزند و یا بدنش با آنها تماس برقرار کند. (73)
2. بعضی فکر می کنند شب زفاف و عروسی، نماز خواندن از عهده عروس برداشته می شود چون اگر بخواهد وضو بگیرد، آرایش او به هم می ریزد، این ریشه مذهبی ندارد نماز خواندن بر عروس واجب است، او می تواند قبل از رفتن به آرایشگاه وضو بگیرد و نماز مغرب و عشاء را با همان وضو بخواند.

برطرف کردن موانع

اگر یقین داریم که مانعی از رسیدن آب به اعضای وضو هست یا شک داریم که این چیزی که در اعضای وضو هست مانع است یا نه - واجب است آن را بر طرف کنیم، آنگاه وضو بگیریم بنابراین:

1. اگر بر اعضای وضو، لاک، کرم و مواد آرایشی باشد در صورتی که جرم دارند و یا در اثر چربی مانع از رسیدن آب به اعضای وضو هستند و یا شک داریم که مانع هستند یا نه، واجب است آنها را بر طرف کنیم.

2. برخی ناخن های خود را بلندتر از حد معمول می گذارند، این افراد باید توجه داشته باشند که هنگام وضو در زیر آنها مقدار اضافی چرک هست واجب است آن را بر طرف کنیم. ⁽⁷⁴⁾

محل وضوی بانوان

دختران و بانوان باید دور از چشم نامحرم وضو بگیرند و باید از وضو گرفتن در محل هایی که مردها آمد و شد دارند اجتناب کنند. به این نکته توجه کند که نامحرم، نامحرم است چه غریبه باشد چه آشنا و فامیل. بنابراین باید در خانه این نکته را نیز رعایت کرد؛ و از وضو گرفتن در برابر چشمان نامحرمان خودداری کرد.

کیفیت وضو

اگر از ما پرسند چگونه وضو می گیرید به طور خلاصه می توان گفت: ابتدا صورت آنگاه دست راست و پس از آن دست چپ خود را می شوئیم سپس با رطوبتی که از شستن کف بر دست مانده است سر را مسح می کنیم سپس پای راست و سپس پای چپ را مسح می کنیم.

این تصویر کلی از وضو است ما به برخی از نکته های مهم درباره وضو اشاره می کنیم:

شستن اعضای وضو

هنگام وضو لازم نیست اعضای وضو دستها خشک باشد ولی اگر پیش از وضو دست ها را شسته ایم باید هنگام وضو از آرنج تا نوک انگشتان را بشوییم وگرنه وضو، باطل است. ⁽⁷⁵⁾

اعضای مسح

1. اعضای مسح باید خشک باشند.
2. اگر یک بار مسح کشیدیم و شک کردیم که مسح ما کامل بوده یا نه می توانیم آن محل را خشک کنیم و از نو مسح کنیم. اما نباید فاصله مسح اول و دوم به قدری باشد که از حالت وضو خارج شود.
3. احتیاط آن است که وقتی دست رطوبت دارد از سایر اعضای وضو رطوبت نگیریم، مثلاً دست به صورت نکشیم و سپس مسح کنیم. ⁽⁷⁶⁾

مسح سر

1. قسمت بالای سر که بالی پیشانی قرار دارد محل مسح سر می باشد.
2. لازم نیست مسح بر پوست سر باشد ولی اگر موهای جلوی سر به قدری بلند است که اگر آنها را شانه کنیم روی صورت می ریزند، باید موهای سر را کنار بزنیم و پوست ها و یا بیخ موها را مسح کنیم.
3. به موهایی که از سایر قسمت های سر به جلو سر آورده ایم نمی توان مسح کرد.

4. هنگام مسح سر، اگر مسح را تا پیشانی بکشیم و دستمال به رطوبت پیشانی برخورد کند وضو، باطل نمی شود ولی با این رطوبت نمی توان پا را مسح کرد بلکه باید از رطوبت سایر قسمت های کف دست کمک گرفت. ⁽⁷⁷⁾

مسح پاها

1. مسح پاها لازم نیست از نوک انگشتان بزرگ شروع شود بلکه از هر یک از انگشتان که شروع شود صحیح است.
2. مسح بر روی جوراب هر چند که نازک باشد و رطوبت بر پا برسد، صحیح نیست. ⁽⁷⁸⁾

بطلان وضو

- هفت چیز وضو را باطل می کند که با بیشتر آنها آشنا هستید. ما به دو مورد از آن اشاره می کنیم:
1. کاری که باید برای آن غسل کرد.
 2. استحاضه. ⁽⁷⁹⁾

11. انتظار سبز

از مهالک در دو عالم این صلات اهل خود را می دهد بی شک نجات⁽⁸⁰⁾
نامه را با اشک شوق گرفتم، مثل این بود که جبرئیل از آسمان نامه ای برایم
آورده باشد.

مدتها انتظار فرا رسیدن این لحظه های خوش و معطر را کشیده بودم.
نامه را بر دیدگانم کشیدم و آنگاه آن را با اشتیاق گشودم.
خط و امضای آن درست بود، امام رضا علیه السلام به همه سوالهایم پاسخ داده
بودند:

(ای محمد بن سنان)... این که پرسیده ای چرا نماز واجب شده است باید
بگویم حکمت های فراوانی دارد:

نماز، اقرار به ربوبیت خداوند عزیز و بلند و مرتبه است و هر گونه مثل و
مانندی را از او نفی می کند.

نماز، ایستادن در پیشگاه خداوند است با ذلت و مسکنت و خضوع و
اعتراف.

نماز، پشیمان شدن از گناه گذشته و درخواست بخشیدن آنها از سوی خداوند
است.

گذاشتن چهره بر زمین است برای بزرگ داشت خداوند...!
با نماز فروتن هستی و افزونی در دین و دنیا را خواهانی.
با نماز، از گناهان بیزار می شوی و مدام به یاد خدا هستی.
با نماز، آقا و مدبر و آفریننده خود را فراموش نمی کنی، و در نتیجه در عیش
و خوشگذرانی فرو نمی روی و طغیان نمی کنی.

با یاد خدا و ایستادن در مقابل او از گناهان و انواع فسادها و آلودگی ها باز داشته می شوی. ⁽⁸¹⁾

احکام نماز

بخشی از احکام نماز را بیش از این فرا گرفته اید. هم اینک به ذکر چند نکته در این زمینه می پردازیم.

پوشش نماز

دختران و بانوان در هنگام نماز باید تمام بدن خود را بپوشانند، خواه کسی آنها را ببیند و خواه نبیند.

البته پوشاندن سه قسمت از بدن واجب نیست البته بهتر است آن قسمت ها را نیز بپوشانند:

1. صورت

2. دستها تا میچ

3. پاها تا میچ

نکته های مهم:

1. پوشاندن مقداری از صورت که هنگام وضو گرفتن باید شسته شود، لازم نیست.

2. برای آنکه یقین پیدا کنیم که مقدار واجب را پوشانده ایم باید مقداری از صورت و زیر چانه را بپوشانیم و مقداری پایین تر از میچ دست ها و پاها را نیز بپوشانیم.

3. اگر نامحرمی شاهد نماز خواندن ماست باید پاها را نیز بپوشانیم و اگر دست و صورت ما زینتی دارد باید آنها را نیز بپوشانیم و اگر نامحرم به قصد

لذت به ما نگاه می کند اگر چه دست و صورت ما زیور و زینتی نداشته باشد باید آنها را نیز از نامحرم بیوشانیم.⁽⁸²⁾

بدن و لباس نمازگزار

بدن و لباس نمازگزار باید پاک باشد بنابراین:

1. اگر ذره ای خون حیض یا نفاس در بدن یا لباس نمازگزار باشد نماز او باطل است.

2. بنابر احتیاط واجب نباید خون استحاضه در بدن یا لباس نمازگزار باشد.

3. غیر از خون حیض، نفاس و استحاضه اگر خونی در بدن یا لباس نمازگزار باشد در صورت که کمتر از (اندازه یک سکه دو ریالی) باشد اشکالی ندارد.

4. کسی که ناچار است با بدن یا لباس نجس نماز بخواند مثلاً آب برای تطهیر ندارد، نماز او با بدن یا لباس نجس صحیح است.⁽⁸³⁾

مکان نمازگزار

بهتر است دختران در خانه نماز بخوانند ولی با رعایت دو مساله زیر نماز خواندن آنها در مسجد فضیلت بیشتری دارد:

1. کاملاً خود را از نامحرم بیوشانند.

2. با رضایت ولی (پدر و جدی پدری) باشد.⁽⁸⁴⁾

نمازی شکوهمند

در حجله نشسته است و قرق در امیدها و آرزوهاست. به جهانی زیبا و آراسته قدم نهاده است آینده ای سراسر روشن در دیدگان او جلوه می نماید. چه کسی این همه لطف و زیبایی را به من داده؟ و چه کسی من را فرشته انس خانواده قرار داد؟

چه کسی محبت من را در قلب داماد جای داد؟ و... باید درخواست و او را سپاس گفت، در برابرش تعظیم کرد و زبان را به مدح و ثنایش گشود باید درخواست و به نماز ایستاد. نماز واجب را مثل همیشه خواند، و نماز مستحبی ویژه شب زفاف را به شکرانه این همه نعمت به جای آورد. چقدر غافلند آنان که می گویند یک شب که هزار شب نیست، عروس اگر بخواهد نماز بخواند، آرایشش به هم می خورد و با لباس عروسی نمی تواند به رکوع و سجده برود. نه، هرگز چنین نیست می توان برنامه ها را به گونه ای تنظیم کرد که نماز خواندن برای عروس ممکن گردد و نماز بخواند، نماز شکوهمند در بحبوحه شادی ها.

12. امام فرشتگان

در بدن داری اگر سوز حیات هست معراج مسلمان در صلات⁽⁸⁵⁾
برادرم جبرئیل مرا در آسمانها همراهی می کرد، به سدرۃ المنتهی که رسیدیم
ناگهان صدای اذان را شنیدم. فرشته ای اذان می گفت که تا آن زمان در آسمان
ها دیده نشده بود.

او اذان می گفت و هر جمله ای از آن را که می گفت پروردگارم او را
تصدیق می کرد.

به «حی علی الصلاة» که رسید پروردگارم فرمود: بنده من راست می گوید.
هر کس از روی میل و رغبت به نماز بایستد و حق آن را ادا کند، این کفاره
گناهان گذشته او خواهد بود. و چون گفت «حی علی الفلاح» پروردگارم
فرمود: نماز، صلاح و نجات و رستگاری چون اذان تمام شد، جلو ایستادم و
همه فرشتگان به من اقتدا کردند.

پیش از این هم در بیت المقدس هم به نماز ایستاده بودم و همه پیامبران به
من اقتدا کرده بودند.

و اینجا چون از نماز فارغ گشتم از سر شوق و ارادت به پروردگارم مدهوش
گشتم و به حالت سجده فرو افتادم.⁽⁸⁶⁾

حضور قلب

مرغ خیال لحظه ای نمی آساید، پیوست، از شاخه ای به شاخه ای دیگر
پرواز می کند و نمازگزار را که در حال راز و نیاز با خداست می آزارد.

اگر بخواهیم مرغ خیال خود را رام کنیم تا در نماز، فکر و قلبمان متوجه
نماز باشد باید اعمال و رفتار روزانه خود را برای رضای خدا و بر اساس تعالیم

نورانی قرآن تنظیم کنیم. با حضور قلب در نماز می توان به مدارج عالی بندگی بار یافت.

از فرزند امام نقل شده است که می گفت:

«شبی در ماه مبارک رمضان، من پشت بام خوابیده بودم. خانه ایشان یک خانه 45 متری کوچک بود. بلند شدم دیدم صدایی می آید و بعد متوجه شدم آقاست که در تاریکی در حال نماز خواندن است و دست هایش را طرف آسمان دراز کرده و گریه می کند.» (87)

تکبیره الاحرام

الله اکبر؛

خداوند بزرگ است (از آن که در وصف بگنجد).

برای ورود به نماز الله اکبر می گوئیم یعنی خدا را از همه موجودات حسی، عقلی، آسمانی و زمینی برتر می یابیم. دیگر دل از دنیا و مظاهر فریبده آن می شوئیم و همه چیز و همه کس جز او نزد ما کوچک می شوند.

الله اکبر، بیشترین ذکری است که هم در مقدمات نماز و هم در خود نماز و هم در تعقیبات آن گفته می شود به طوری که یک مسلمان در طول شبانه روز تنها در نمازهای پنجگانه واجب حدود 360 مرتبه آن را تکرار می کند.

سوره حمد

بسم الله الرحمن الرحيم ؛

بسم الله سرآغاز کتاب وحی است. بسم الله، نه تنها در ابتدای قرآن بلکه در آغاز تمام کتاب های آسمانی بوده است. بسم الله، سرلوحه عمل همه انبیاء بوده است. به بیان آوردن بسم الله در آغاز هر کاری سفارش شده است.

امامان معصوم علیهم السلام اصرار داشتند که در نماز بسم الله را بگویند تا جایی که بلند گفتن بسم الله از ویژگی های شیعه به حساب آمده است.

الحمد لله رب العالمین ؛

ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است.

وقتی انسان در برابر عظمت بیکران خداوند قرار می گیرد و همه کمال ها و جمال ها و زیبایی ها را از او می یابد و او را پروردگار و آفرینش همه عالم می شناسد زبان به حمد و ستایش می گشاید حمد و ستایشی که در آن معنای پرستش نهفته است.

ما، در آغاز مکالمه خود با خدا شیرین سخن می گوئیم و زبان به بیان خرمی ها و کمالات او می گشائیم پس چه بهتر که در آغاز سخن گفتن با دیگران نیز چنین باشیم.

الرحمن الرحیم

(خداوند) رحمتگر مهربان

رحمن و رحیم هر دو از کلمه رحمت گرفته شده اند. رحمن، رحمت گسترده الهی است که همه انسان ها را شامل می شود و چون آفتابی است که به خوب و بد، زشت و زیبا می تابد ولی رحیم، رحمت ویژه ای است که به عنوان پاداش و نتیجه کارهای خوب تنها بر نیکوکاران نازل می شود.

مالک يوم الدين ؛

مالک و فرمانروای روز جزا

یکی از نامهای روز قیامت «يوم الدين» یعنی روز کیفر و پاداش. خداوند هم مالک است و هم ملک. مالک است یعنی همه چیز در واقع برای اوست و مالکیت دیگران اعتباری است. ملک است یعنی فرمانروای حقیقی است.

روز قیامت که پرده ها از جلو چشمان ما کنار می رود او را مالک و ملک خواهیم یافت وگرنه او هم در دنیا و هم در آخرت مالک و ملک است.

ایک نعبد و ایک نستعین ؛

تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می خواهیم.
وقتی نمازگزار خدا را همه کاره خود و جهان دانست و بدان اعتراف کرد، از جان و دل به او دل می بندد، تنها او را می پرستد و تنها از او یاری می جوید.
او دیگر بنده طاغوت ها، بنده شرق و غرب و زر و زور نمی شود و در برابر هیچ قدرتی سر کرنش فرود نمی آورد.

اهدنا الصراط المستقیم

ما را به راه راست راهبر باش!

کلمه صراط که بیش از 40 بار در قرآن آمده است، به معنای راه هموار، روشن و وسیع است. ما از خدا می خواهیم که همه انسان ها را به بزرگراه سعادت هدایت کند؛ بزرگراهی که به راحتی ما را به خداوند برساند.
کسی که می خواهد در صراط مستقیم قرار گیرد باید راه هوس های خود، راه هوس های مردم، راه طاغوت ها و راه نادرست نیاکان و پیشینیان خود را کنار بگذارد و تنها در راه مستقیمی که توسط انبیاء امامان ترسیم شده است، حرکت کند.

صراط الذین انعمت علیهم ؛

راه آنان که نعمتشان دادی.

نمازگزار این حقیقت را باور دارد که راه مستقیم، راهی است پیمودنی و پیش از او کسانی این راه را پیموده اند، لذا از خدا می خواهد که او را در زمره آنان

قرار دهد. آنان کسانی هستند که خداوند آنان را مشمول نعمت های خود ساخته است.

قرآن، پیامبران، صدیقان، و شهدا و صالحان را از کسانی می داند که از نعمت هدایت برخوردار شده اند.

و نمازگزار از خدا می خواهد که دنباله رو آنان باشد.

غیر المغضوب علیهم و لا الضالین ؛

همانا که نه درخور خشم اند و نه گمراهان و گمگشتگان (اند).
نمازگزار در پایان سوره حمد از خدا می خواهد که جزء دو گروه نباشد و راه آنان را نیماید.

1. غضب شدگان: آنان که چون فرعون و قارون و ابو لهب و قوم عاد و ثمود و بنی اسرائیل در برابر حق و حقیقت و دین خدا جبهه گیری می کردند و مورد خشم او قرار گرفتند.

2. گمراهان و گمگشتگان: آنان که حیران و سردرگم اند. نه راه انبیاء را برگزیده اند و نه از آنان جانبداری می کنند و نه راه مخالفان و معاندان را برگزیده اند آنان افرادی بی تفاوت، بی درد و رفاه طلب هستند که به فکر شهوت و شکم خود هستند و کاری به حق و باطل ندارند. مانند عابدان پس از حضرت عیسی با عالم نمایان دنیا دوست.

سوره توحید

این سوره سراپا از یگانگی خدا سخن می گوید از این رو «سوره توحید» نام گرفته است.

بسم الله الرحمن الرحيم ؛

به نام خداوند رحمتگر مهربان

قل هو الله احد

بگو او خدایی است یکتا.

توحید که همان یگانه دانستن خداست، اساسی ترین اصل همه ادیان الهی است. توحید مرز بین ایمان و کفر است. او یکتا است یعنی دومی ندارد، شبیه مثل و مانندی ندارد، جزء و عضوی ندارد.

کسی که توحید خدا را باور کند، دچار شرک و ریا نمی شود و همه کارهایش را برای او انجام می دهد.

الله الصمد؛

خدای بی نیاز (پاک از عیب و پناه نیازمندان)

همه موجودات سر تا پا نیازند و در وجود و بقا خود، به خدا نیازمندند، همه به او پناه می آورند و خود را پر از عیب و نقص می یابند. کسی که تنها خدا را «صمد» می داند، و خود و دیگران را فقیر و نیازمند و بی پناه، جز به خدا تکیه نمی کند.

لم یلد و لم یولد؛

نه کسی زاده اوست و نه او زاده کسی است.

او سرچشمه هستی است. همه کس و همه چیز آفریده او هستند اما او همیشه بوده و همیشه خواهد بود، او ازلی و ابدی است. دل بستن و پناه آوردن به چنین حقیقت بی کرانی، انسان را در برابر همه خطرات مادی و آسیب های اجتماعی بیمه می کند.

و لم یکن له کفوا احد؛

و احدی همتای او نیست.

و در پایان سوره باز تاکید می کنیم که خدا یکتاست و هیچ کس، همتا همانند او نیست و اگر این حقیقت را به خوبی باور کنیم، همه کارهای خود را برای خدا انجام می دهیم و در اهداف فردی گروهی و اجتماعی خود، غیر خدا را دخیل و شریک نمی کنیم.

ذکر رکوع

سبحان ربی العظیم و بحمده ؛
پروردگار بزرگم را منزّه می دانم و می ستایم.

ذکر سجده

سبحانه ربی الاعلی و بحمده ؛
پروردگار بلند مرتبه ام را منزّه می دانم و می ستایم.
نمازگزار پس از آن همه عظمت و بزرگی خدا، خود را کوچک و بی مقدار و بلکه هیچ می یابد و در برابر عظمت او خم می شود (رکوع) و آنگاه به زمین می افتد (سجده) و زبان به تسبیح او می گشاید.
او خدا را منزّه از هر عیب و نقص می یابد، پس از آن باز به حمد و ستایش او می آورد.
او دریافته است که خداوند حقیقت بی کران است که از فهم و درک او بالاتر است و باید تنها در برابر عظمت او سر فرود آورد. او دیگر در برابر غیر خدا و طاغوت ها کرنش نخواهد کرد.

قنوت

ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الآخرة حسنه و قنا عذاب النار؛⁽⁸⁸⁾
پروردگارا، در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش (دور) نگه دار.

در هنگام قنوت دست ها را بالا می آوریم و به عنوان عرض نیاز و اظهار تهیدستی و امید به عطای خدا، آنها را در مقابل صورت قرار می دهیم. در قنوت هر دعایی را می توان خواند ولی بهتر است دعایی را برگزینیم که همگانی باشد مثل دعای «ربنا آتنا»، که در قرآن آمده است.

ما در این دعا از خدا می خواهیم همه نیکی ها و خوبی های دنیا را و هم نیکی ها و خوبی های آخرت را به ما عطا کند.

چرا که گرفتن دنیا و رها کردن آخرت خطاست، همینطور گرفتن آخرت و رها کردن دنیا نیز خطاست. دنیا، مزرعه آخرت است و با نیکی ها و حسنات دنیا می توان آخرت خود را آباد کرد.

در پایان از خدا می خواهیم که ما را از آتش جهنم برهاند.

تسبیحات اربعه

سبحان الله، و الحمد لله، و لا اله الا الله، و الله اكبر.

منزه است خدا، و ستایش تنها برای خداست، و معبودی جز او نیست، و خدا بزرگ تر است (از آن که در وصف بگنجد).

تسبیحات اربعه، مشتمل بر چهار چیز است:

1. تسبیح (سبحان الله)

2. تحمید (الحمد لله)

3. تهلیل (لا اله الا الله)

4. تکبیر (الله اكبر)

حضرت ابراهیم به هنگام ساختن خانه کعبه لبهایش به ذکر مقدس تسبیحات اربعه مترنم بود.

نمازگزار، ابتدا خدا را پاک و منزّه می یابد آنگاه زبان به ستایش او می گشاید و سپس تنها او را شایسته پرستش می شمرد و در پایان، خدا را بزرگ تر از آن می داند که بتوان وصف کرد.

تشهد

اشهد ان لا اله الا الله، وحده لا شریک له ؛
گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست. یکتاست و او را شریکی نیست.
اشهد ان محمدا عبده و رسوله ؛
و گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده اوست.
اللهم صل علی محمد و آل محمد؛
بار خدایا بر محمد و خاندان او درود بفرست!
نمازگزار با آن که در اذان و اقامه به توحید و نبوت پیامبر شهادت داده است باز در پایان نماز به این دو حقیقت بزرگ اعتراف می کند سپس بر پیامبر و خاندان پاک او صلوات و درود می فرستد.
او اعتراف می کند که پیامبر در پرتو عبودیت و بندگی خدا به آن همه عظمت دست یافته است و این راه را به روی خود باز می یابد و تصمیم می گیرد همین راه را پیماید.

سلام

السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته ؛
ای پیامبر خدا! بر تو درود، و رحمت و برکات خدا بر تو باد!
السلام علینا و علی عباد الله الصالحین ؛
درود بر ما و بر بندگان شایسته خدا!
السلام علیکم و رحمة الله و برکاته ؛

درود بر شما (مومنین) و رحمت و برکات خدا بر شما باد!
نمازگزار که از مردم جدا شده است و به پیشگاه خدا بار یافته لحظاتی با او
گرم راز و نیاز بوده و اکنون که می خواهد دوباره به سوی او باز گردد هنگام
بازگشت ابتدا به پیامبرش سپس به نمازگزاران و بندگان شایسته او آنگاه به
خلق خدا سلام می کند.

او به سمت خدا رفته و قلب خود را صیقل داده و از کینه و کدورت پاک
شده و اینک به سوی مردم آمده است. او پیام صلح و صفا، و درود و سلام
آورده است.

احکام «فراموش شده ها» در نماز

با احکام نماز پیش از این آشنا شده اید. ما در اینجا به ذکر احکام
«فراموش شده ها» بسنده می کنیم.

برای فراگیری این مطلب یادآوری این مطلب لازم است که واجب نماز یازده
تا هستند که عبارتند از:

صفحه 97 کتاب

واجبات نماز: (89)

واجبات رکنی عبارتند از:

1. نیت

2. قیام

3. تکبیره الاحرام

4. رکوع

واجبات غیر رکنی عبارتند از:

1. قرائت

2. ذکر

3. تشهد

4. سلام

5. ترتیب

6. موالات

قاعده کلی

با فراگیری این قاعده کلی، می توانید تمامی مسائل این بخش را حل کنید،
قاعده کلی این است که:

1. گاهی واجب رکنی را فراموش می کنیم. در اینجا دو صورت پیدا می کند:

الف: وارد رکن بعدی می شویم. در اینجا نماز باطل است.

مثلا رکوع را فراموش می کنیم و پس از رفتن به سجده متوجه می شویم. ⁽⁹⁰⁾

ب: وارد رکن بعدی نشده ایم نماز، باطل نمی شود.

باید برگردیم واجب را به جا آوریم و نماز را ادامه دهیم.

مثلا رکوع را فراموش کردیم و روانه سجده شدیم ولی قبل از آن سر بر زمین

بگذاریم متوجه شدیم، در این صورت باید برگردیم و به طور کامل بایستیم و به

رکوع و سپس به سجده برویم و نمازمان صحیح است. ⁽⁹¹⁾

2. گاهی واجب غیر رکنی را فراموش می کنیم. باز در اینجا دو شکل پیدا

می کند:

الف: وارد رکن بعدی شده ایم اینجا نماز، صحیح است و نماز را ادامه می

دهیم. مثل آن که سوره را فراموش کرده و مشغول ذکر رکوع هستیم. ⁽⁹²⁾

ب: وارد رکن بعد نشده ایم، در اینجا نیز نماز، صحیح است برمی گردیم

واجب را به جا می آوریم و نماز را ادامه می دهیم. ⁽⁹³⁾

با حفظ این قاعده می توانید وظیفه نمازگزار را در حالت های زیر مشخص کنید:

1. سوره حمد را فراموش کرده و مشغول خواندن سوره توحید است.
2. تشهد را فراموش کرده و مشغول سلام دادن است.
3. دو سجده را فراموش کرده و تشهد بعد از آن را به جا می آورد.

احکام «فراموش شده ها» پس از نماز

اگر آنچه در نماز فراموش شده، رکن باشد، نماز باطل است و اگر رکن نباشد، نماز صحیح است ولی اگر «تشهد» یا «یک سجده» فراموش شده است در این جا نمازگزار وقتی پس از پایان یافتن نماز یادش آمد، بدون آنکه صورت نماز را به هم بزند، آن تشهد یا یک سجده را به جا می آورد و پس از آن «دو سجده سهو» انجام می دهد. ⁽⁹⁴⁾

سجده سهو

گاهی اوقات باید پس از تمام شدن نماز، دو سجده به جا آوریم که به آن «سجده سهو» می گویند.

در دو مورد زیر سجده سهو واجب می شود: 1. در بین نماز ناخودآگاه حرف بزنیم، یا مثلاً آخ یا آه بگوییم.

2. یک سجده را فراموش کنیم و پس از وارد شدن به رکوع رکعت بعد یادمان بیاید.

و در دو مورد زیر، احتیاط واجب به جا آوردن سجده سهو است.

1. بی جا سلام دوم یا سلام سوم یا هر سه سلام را با هم بگوییم. مثلاً در رکعت دوم نماز ظهر و عصر و عشاء.
2. تشهد را فراموش کنیم. ⁽⁹⁵⁾

طریقه به جا آوردن سجده سهو

پس از پایان یافتن نماز، فوری نیت سجده سهو می کنیم و بدون گفتن تکبیرة الاحرام به سجده می رویم و می گوییم:

بسم الله و بالله اللهم صل على محمد و آل محمد.

آنگاه می نشینیم و دوباره به سجده می رویم و ذکر بالا را می گوییم پس از آن می نشینیم و تشهد و سلام می گوییم.⁽⁹⁶⁾

ولی چنانچه تشهد یا یک سجده را فراموش کرده بودیم، پس از نماز باید ابتدا قضای آن تشهد یا سجده را به جا آوریم و بعد از آن دو سجده سهو را.

13. سیر و سفر

قل سیروا فی الارض فانظروا و کیف بدا الخلق ثم الله ینشی النشاة الاخرة ان الله علی کل شی قدیر. (97)

(ای پیامبر) بگو: در زمین بگردید و بنگرید چگونه (خدا) آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس (باز) خداست که جهان آخرت را پدید می آورد، خداست که بر هر چیز توانا است.

از دوستان و آشنایان خداحافظی می کنیم، از آنان حلالیت می طلبیم، اثاث و وسایل خود را بر می داریم. می خواهی به مسافرت برویم. قرآن بارها ما را به سیر و سفر دعوت کرده است:

در زمین بنگرید و ببینید که چگونه (خدا) آفرینش را آغاز کرده است؟
(عنکبوت / 20) در زمین، بگردید و آنگاه بنگرید که فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است؟

(انعام / 11)

در زمین بگردید و بنگرید فرجام گناهکاران چگونه بوده است.
(نمل / 69)

در زمین بگردید و بنگرید فرجام کسانی که بیشتر بوده و بیشترشان مشرک بودند چگونه بوده است.
(روم / 42)

آیا در در زمین گردش نکرده اند تا دلهایی داشته باشند که با آن بیندیشند و یا گوشه‌هایی که با آن بشنوند.
(حج / 46)

فراوان فوائدی که برای سیر و سفر و گردش و مسافرت هست، ما را گاهگاهی وا می دارد تا به مسافرت برویم.

برای ایمنی از حوادث، صدقه می دهیم، و با نام و یاد خدا و توکل بر او حرکت می کنیم، می خواهیم رفت و برگشت ما 45 کیلومتر⁽⁹⁸⁾ و یا بیشتر از آن باشد، اسلام برای ما تخفیف ویژه ای قرار داده است؛ نمازهای چهار رکعتی ما کوتاه (نصف) می شود و روزه گرفتن هم از عهده ما (در سفر) برداشته می شود. اسلام با این حکم حمایت خود را از مسافرین اعلام کرده است ولی هرگز با گناه موافق نیست، از این رو اگر سفر، حرام باشد مانند فرار از جبهه و یا سفر بدون رضایت والدین و یا سفر برای کار حرام، مانند سرقت، هیچ تخفیفی شامل مسافر نمی شود.⁽⁹⁹⁾

کم کم از اقامت گاه خود دور می شویم، دیگر به نقطه ای رسیده ایم که دیگر دیوارهای آنجا را نمی بینیم و صدای طبیعی اذان آن جا را نمی شنویم یعنی به «حد ترخیص» با «مرز مسافر» رسیده ایم،⁽¹⁰⁰⁾ از این جا به بعد، حکم مسافر داریم، نماز خود را شکسته می خوانیم. و هنگام بازگشت وقتی به این نقطه رسیدیم از این جا تا اقامتگاه، حکم مسافر نداریم و باید نمازمان را کامل بخوانیم.

وطن

در وطن که هستیم نمازمان کامل است و روزه هم باید بگیریم ولی بعضی وقت ها نمی دانیم وطن ما کجاست؟

وطن ما کجاست؟

زادگاه پدر و مادر آنجاست من هم در همان جا به دنیا آمده ام ولی بزرگ شده آن جا نیستیم، حالا نمی دانم وطن من همان جاست یا نه؟

پدرم در آنجا خانه شخصی دارد، زادگاه او نیز همان جا بوده چند سالی به آنجا رفته ام ولی خودم بزرگ شده جای دیگری هستم، وطنم کجاست؟
پدر و مادرم می گویند ما از وطن خود، اعراض کرده ایم، یعنی برای همیشه آنجا را ترک کرده ایم، هر وقت آن جا می روند نمازشان را شکسته می خوانند، نمی دانم وظیفه من چیست؟

بعضی ها می گویند تا وقتی ازدواج نکرده ای، وطن تو همان وطن پدر و مادر توست از آن به بعد حق انتخاب وطن داری!
می گویند دختران بعد از ازدواج، وطن آنها همان خانه شوهرشان است، آیا واقعیت دارد؟

وطنم کجاست؟

تشخیص وطن کار دشواری نیست، به این امور توجه کنید:

1. زادگاه شما وقتی وطن شماست که بزرگ شده آنجا هم باشید. ⁽¹⁰¹⁾
2. زادگاه پدر و مادر شما وطن شما نیست. ⁽¹⁰²⁾
3. زادگاه همسر شما وطن شما نیست. ⁽¹⁰³⁾
4. جایی که پدر و مادر یا همسر شما به عنوان وطن انتخاب کرده اند وطن شما نیست.

بعضی شما در انتخاب وطن و یا اعراض از وطن تابع دیگران نیستید، باید به تکلیف خود عمل کنید ⁽¹⁰⁴⁾ یعنی وطن شما اینجاست:

1. زادگاه شما که در آنجا بزرگ شده اید. ⁽¹⁰⁵⁾
2. جایی که بعد از بالغ شدن، برای اقامت همیشگی برمی گزینید. ⁽¹⁰⁶⁾

ما بعضی وقت ها به سفر می رویم. ولی بعضی شغلشان مسافرت است مانند راننده قطار و راننده ماشین های برون شهری، خلبانان و ملوانان، وظیفه این گروه چیست؟

1. در سفرهایی که شغل آنهاست چنین عمل می کنند:

در سفر اول هر چند طول بکشد، نمازشان شکسته است.

در سفرهای بعدی نمازشان کامل است. (107)

2. در سفرهایی که مربوط به شغل آنها نیست مانند سفر زیارتی سیاحتی

نمازش شکسته است. (108)

بعضی از دانش آموزان دانش جویان، معلمان، کارمندان، کارگران و... شغلشان مسافرت نیست ولی محل تحصیل و خدمت و یا شغل آنان جای دیگری است و به آنجا آمد و رفت می کنند حکم آنان چیست؟ به فتوای امام خمینی قدس سره این گروه حکم مسافر دارند و باید مقررات آن را در نظر بگیرند. البته به فتوای مقام معظم رهبری (دام ظلّه) و برخی از مراجع بزرگوار دیگر این گروه مانند کسانی که شغلشان مسافرت است، نمازشان تمام است با توجه به این سه مساله:

1. برای کارشان در کمتر از ده روز به محل کارشان سفر کنند.

2. سفر به آنجا برای شغل و کارشان باشد نه به جهت دیگری.

3. سفر برای تحصیل وقتی حکم سفر برای شغل دارد و مشمول این حکم

است که تحصیل، در حکم کار و شغل باشد مانند کسانی که در سپاه و ارتش و

ادارات، برای تحصیل مامور می شوند. بنابراین شامل همه دانش آموزان و دانش

جویان نمی شود. (109)

قصد ده روزه

تازه به آنجا آمده ایم، می گویند قصد ده کرده اید یا نه؟ یکی می گوید در این دو هفته ای که در این جا هستم من قصد نمی کنم، نظر شما چیست فکر می کنید چگونه باید قصد کرد؟

همین که می دانید یا قصد دارید که ده روز و یا بیشتر در آنجا بمانید در این مدت از حد ترخص آنجا خارج نشوید، قصد ده روزه شما شکل گرفته، باید نمازهایتان را تمام بخوانید و اگر ماه مبارک رمضان است، روزه بگیرید. ⁽¹¹⁰⁾ از روزی که به آنجا آمده ایم هنوز نمی دانیم ده روز کامل اینجا می مانیم یا نه، تا کنون سی روز بلا تکلیف مانده ایم وظیفه ما چیست؟ تا روز سی ام نمازتان شکسته است پس از سی روز هر چه بمانید نمازتان تمام است. ⁽¹¹¹⁾

از ابتدا که این جا آمدیم قصد جدی داشتیم ده روز کامل بمانیم، حالا تصمیم ما عوض شده است یعنی می خواهیم کمتر از ده روز بمانیم و یا بلا تکلیف مانده ایم وظیفه ما چیست؟

1. اگر پیش از خواندن یک نماز چهار رکعتی تصمیم شما عوض شده است نمازهایتان را باید شکسته بخوانید.

2. اگر پس از خواندن یک نماز چهار رکعتی تصمیم شما عوض شده تا هر وقت که آنجا بمانید نمازهایتان تمام است. ⁽¹¹²⁾

نیت نماز شکسته

می خواهیم نماز شکسته بخوانم نمی دانم چگونه نیت کنم، بگویم مثلا چهار رکعت نماز ظهر، شکسته می خوانم یا بگویم دو رکعت نماز ظهر شکسته می خوانم؟

فرقی ندارد، اصلاً نیت به گفتن و یا خطور دادن در قلب نیست همین که
تصمیم داری نمازت را شکسته یعنی دو رکعتی بخوانی کافی است.

14. آنجا کجاست؟

و اقيموا و جوهكم عند كل مسجد و ادعوه مخلصين له الدين. ⁽¹¹³⁾

در هر مسجدی روی خود را مستقیم (به سوی قبله) کنید و در حالی دین خود را برای خدا خالص گردانیده اید وی را بخوانید.
آنجا کجاست؟

«پایگاه مقاومت» در برابر هوی و هوس، شیطان و اهرمن،
«میعاد» پیامبران، امامان و پاکان عالم،
«مجمع عمومی» مسلمانان و مستضعفان،
«میدان» نمایش وحدت مسلمانان علیه دشمنان اسلام،
«بازار» تقوا و ایمان، صلح و صفا، همدلی و همراهی،
فرشتگان چشم امید به آنجا دوخته اند،
و اهریمنان از رونق آن نگرانند.
و به راستی آنجا کجاست؟

آنجا مسجد است، خانه خدا، محل ارتباط خاک و افلاک، حلقه ارتباط هیچ با همه چیز، و چه زیباست که به آنجا بشتابیم، زیاد به آنجا برویم زودتر از همه برویم، و دیرتر از همه برگردیم، با لباس های تمیز به آنجا برویم، در نظافت آن بکوشیم، و در برنامه های فرهنگی آن شرکت فعال داشته باشیم.
بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی قدس سره درباره اهمیت مسجد می فرماید:

«مساجد را پر کنید که سنگرند و محراب جایی که حرب (جنگ و مبارزه) از آنجا آغاز می شود و محل حرب است. شیطانها از مساجد و نماز می ترسند،

آنها می خواهند از نماز جلوگیری کنند و بعد از خالی کردن سنگرها حمله کنند.» (114)

نماز جماعت

اینان چه می کنند!

با هم می ایستند با هم رکوع می روند، با هم سر بر خاک می گذارند، با هم برمی خیزند، نظم و انضباط، وحدت و انسجام، صلح و صفا یکدلی و یکرنگی از اجتماعشان پیداست. گویی در دلهایشان کینه و حسادتی نیست، قلبهایشان با هم پیوند خورده همه با هم برادرند، اینان چه می کنند! همه با هم در صف های منظم و پشت سر هم، از یک نفر که پیشاپیش آنان قرار گرفته پیروی می کنند. اینان همه مسلمانند و با هم نماز را به جماعت می خوانند و شکوه خود را به نمایش می گذارند. اینان خار چشم دشمنان اسلام هستند.

ندای اذان که به گوش تو می رسد تو را به این جمع با شکوه دعوت می کند، منادی حق را لبیک بگو. هر چه جمعیت نمازگزار بیشتر باشد ثوابش افزون تر است. اگر عده آنان از ده بگذرد پاداشی نصیب آنان می شود که قابل بیان و شمارش نیست.

اگر دنبال دلسوزی خوب می گردی، و یا خواهان فردی دلسوز برای حل مشکلات هستی، اگر می خواهی با دیگران آشنا شوی، در حل مشکلات دیگران دخیل باشی، و از فردگرایی و خود خواهی و به خداخواهی و دیگر گرایی روی آوری، در جماعت خواهران دینی خود به ویژه در نماز جماعت شرکت کن و اگر می خواهی تبعیت از رهبری را تمرین کنی، باز هم در نماز جماعت حاضر شو!

برپایی نماز جماعت

یک نفر به عنوان «امام جماعت» جلو می ایستد، و حداقل یک نفر هم پشت سر او به عنوان «ماموم» می ایستد و به او اقتدا می کند و نماز جماعت شکل می گیرد.

احکام نماز جماعت

1. جایگاه امام جماعت نباید از جایگاه مامومین بالاتر باشد. (115)
2. مامومین می توانند در مکانی بالاتر از امام بایستند، مثلاً امام در صحن مسجد و مامومین در پشت بام بایستند ولی اگر ساختمان چند طبقه باشد، اشکال دارد. (116)
3. اگر نماز همه کسانی که در صف جلو هستند تمام شوند یا همه آنها نیت فرادا نمایند، اگر فاصله به اندازه یک قدم بزرگ نباشد، نماز صف بعد به طور جماعت صحیح است و اگر بیشتر از این مقدار باشد، فرادی می شود و صحیح است. (117)

شرایط امام جماعت

1. امام جماعت باید بالغ و عادل باشد و نماز را صحیح بخواند.
 2. اگر ماموم، مرد است امام جماعت نیز باید مرد باشد.
 3. و اگر ماموم، زن است بنابر فتوای حضرت امام قدس سره احتیاط واجب آن است که امام جماعت او، مرد باشد. (118)
- استفأاز مقام معظم رهبری

س - چه وقت زن می تواند امام جماعت باشد؟

ج - اگر مامومین تنها زنان باشند امام جماعت می تواند زن باشد. (119)

وظیفه ماموم در نماز جماعت

1. احتیاط واجب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده، ماموم تکبیر نگوید.

(120)

2. ماموم باید غیر از حمد و سوره، همه چیز را خودش بخواند، ولی اگر رکعت اول یا دوم او، رکعت سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را (آهسته) بخواند. (121)

طریقه پیوستن به نماز جماعت

اگر در بین نماز جماعت خواستیم اقتدا کنیم باید توجه داشته باشیم که فقط در دو حالت می توان به جماعت پیوست:

1. وقتی که امام در حال قیام است و مشغول قرائت حمد و سوره یا تسبیحات اربعه یا قنوت است.
2. وقتی که امام در رکوع است. (122)

چگونه اقتدا کنیم؟

اقتدا کردن و پیوستن به نماز جماعت حالت های مختلفی دارد که با کمی دقت می توان آنها را فرا گرفت.

اگر امام جماعت رکعت اول نماز را می خواند اقتدا کردن به او تا دو صورت پیدا می کند:

- الف: امام جماعت ایستاده و مشغول خواندن حمد و سوره است.
- برای اقتدا کردن به او ابتدا نیت می کنیم سپس تکبیره الاحرام را با آرامش بدن می گوئیم، حمد و سوره را نمی خوانیم و بقیه اعمال را همراه با او انجام می دهیم.
- ب: امام جماعت در رکوع است.

برای اقتدا کردن به او ابتدا نیت می کنیم آنگاه تکبیره الاحرام را با آرامش بدن می گوییم سپس به رکوع می رویم و ذکر رکوع را نیز با آرامش می گوییم آن را یک رمعت به حساب می آوریم و بقیه نماز را همراه با امام جماعت انجام می دهیم.

اگر امام جماعت رکعت دوم نماز را می خواند باز هم اقتدا کردن به او دو صورت پیدا می کند:

الف: امام جماعت ایستاده و مشغول خواندن حمد و سوره یا قنوت است. برای اقتدا کردن ابتدا نیت می کنیم سپس تکبیره الاحرام را با آرامش بدن می گوییم؛ اگر امام جماعت حمد و سوره را می خواند، ساکت می مانیم آنگاه قنوت را همراه با امام می خوانیم و رکوع و دو سجده را همراه با او به جای می آوریم و سپس وقتی امام، تشهد می خواند، بنابر احتیاط واجب نیم خیز می نشینیم.

(تا اینجا یک رکعت نماز خوانده ایم)

حال چنین عمل می کنیم:

اگر نماز امام جماعت دو رکعتی است برمی خیزیم و بقیه نماز را خودمان می خوانیم.

اگر نماز امام جماعت سه یا چهار رکعتی بود همراه او برمی خیزیم وقتی امام مشغول خواندن تسبیحات اربعه است، آهسته حمد و سوره و قنوت (و اگر وقت کافی نبود حمد و سوره و اگر وقت محدودتر بود فقط سوره حمد) را می خوانیم، آنگاه با امام جماعت به رکوع و سجده می رویم.

(تا اینجا یک رکعت نماز خوانده ایم)

از این جا به بعد چنین انجام می دهیم:

اگر نماز امام جماعت سه رکعتی است همراه او تشهد را می خوانیم آنگاه:
الف: اگر نماز ما دو رکعتی بود همراه با امام جماعت سلام نماز را می خوانیم
و نماز را به پایان می بریم.

ب: اگر نماز ما سه یا چهار رکعتی بود برمی خیزیم و بقیه نماز را خودمان
می خوانیم.

اگر نماز امام جماعت، چهار رکعتی بود، امام جماعت پس از انجام سجده
برای رکعت چهارم برمی خیزد ولی ما می نشینیم و تشهد نماز را می خوانیم.
آنگاه:

الف: اگر نماز ما دو رکعتی بود، سلام نماز را هم می خوانیم و نماز را به
پایان می بریم.

ب: اگر نماز ما سه یا چهار رکعتی بود برمی خیزیم، تسبیحات اربعه را مثل
همیشه سه بار (و اگر وقت، کافی نبود یک بار) می خوانیم آنگاه با امام جماعت
رکوع و سجود را انجام می دهیم.

(تا اینجا سه رکعت نماز خوانده ایم)

اگر نماز ما سه رکعتی بود همراه امام، تشهد و سلام را می خوانیم و نمازمان
را به پایان می بریم.

اگر نماز ما چهار رکعتی بود می توانیم نیم خیز بنشینیم و پس از تمام شدن
تشهد و سلام برمی خیزیم و نمازمان را ادامه می دهیم و اگر خواستیم می توانیم
پس از به جا آوردن سجده بلافاصله برمی خیزیم و نمازمان را ادامه می دهیم.

ب: امام جماعت در حال انجام رکوع رکعت دوم است:

برای اقتدا به او ابتدا نیت می کنیم سپس تکبیره الاحرام را با آرامش بدن می
گوییم آنگاه به رکوع می رویم، ذکر رکوع را نیز با آرامش می گوییم آن را یک

رکعت به حساب می آوریم و بقیه نماز را (به همان شیوه ای که در قسمت الف گفتیم) به جا می آوریم.

اگر امام جماعت رکعت سوم و یا رکعت چهارم نماز را به جا می آورد در این جا هم اقتدا کردن به او دو صورت پیدا می کند:

الف: امام جماعت ایستاده و مشغول خواندن تسبیحات اربعه است.

برای اقتدا کردن ابتدا باید وقت را بسنجیم چنانچه برای خواندن حمد و سوره (و یا حمد تنها) وقت داریم می توانیم اقتدا کنیم ولی اگر وقت، کافی نیست بنابر احتیاط واجب باید صبر کنیم تا امام جماعت به رکوع رود آنگاه به او اقتدا کنیم.

اگر وقت کافی بود برای اقتدا کردن ابتدا نیت می کنیم سپس تکبیره الاحرام را با آرامش بدن می گوئیم آنگاه حمد و سوره (و اگر وقت کم بود حمد را) آهسته می خوانیم و سپس همراه با امام جماعت به رکوع می رویم و نماز را ادامه می دهیم (ادامه نماز را می توان از آنچه که قبلاً گفته شد به دست آورد و یا به توضیح المسائل مراجعه کرد).

ب: امام جماعت در حال رکوع رکعت سوم یا چهارم است.

برای اقتدا کردن ابتدا نیت می کنیم سپس تکبیره الاحرام را با آرامش بدن می گوئیم آنگاه به رکوع می رویم و ذکر رکوع را با آرامش می گوئیم، آن را یک رکعت به حساب می آوریم و نماز را با امام جماعت ادامه می دهیم. (کیفیت ادامه نماز مثل قسمت الف می باشد.) (123)

15. سیل رحمت

یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلوه من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله و ذروا
البیع ذالکم خیر لکم ان کنتم تعلمون. (124)

ای کسانی که ایمان آورده اید، چون برای نماز جمعه ندا در داده شد، به
سوی ذکر خدا بشتابید، و داد و ستد را واگذارید. اگر بدانید، این برای شما بهتر
است.

باز هم آسمان ابری است، باران می آید، آب در خیابان و کوچه و پس
کوچه ها به راه افتاده آبها به هم می پیوندند، خاک و خاشاک را با خود می
برند، دیگر در و دیوار شهر غبارروبی شده است، درختان و گلها با نشاط شده
اند، پرندگان نغمه شادی سر می دهند. و بار دیگر چهره شهر زیبا و آراسته
گردیده، چه خبر است؟!

باز هم روز جمعه است و این سیل خروشان امت است که به «نماز جمعه»
می آیند، می آیند تا عظمت و شکوه اسلام را به نمایش بگذارند، خار و خاشاک
شرک را از شهر بزدايند، بر چهره دشمنان سیلی بزنند، می آیند تا از اوضاع
سیاسی اجتماعی کشور خود و جهان اسلام با خبر شوند و در تا در حل
مشکلات آنها شریک گردند، می آیند تا راههای مقابله با دشمنان قسم خورده
اسلام فرا گیرند، می آیند تا دست در دست هم دهند و بر فرق استکبار جهانی
بکوبند، روز جمعه است کارها مان را رها می کنیم و به این جمعیت انبوه
پیوندیم.

رسول خدا ﷺ فرمود، «هر کس سه جمعه پیاپی، بدون عذر در نماز جمعه
شرکت نکند بر دل او مهری از نفاق (و دورویی) زده می شود». (125)

امام جمعه

1. امام جمعه از سوی ولی امر مسلمین (رهبر) منصوب می شود. ⁽¹²⁶⁾
2. شرایطی که درباره امام جماعت گفته شد، در امام جمعه نیز معتبر است.
3. شایسته است امام جمعه اینگونه باشد:
از اوضاع سیاسی کشور و جهان اسلام با خبر باشد.
مصالح اسلام و مسلمین را بشناسد.
شجاع باشد.
در اظهار حق و ابطال باطل صریح باشد.
از حب دنیات و ریاست پرهیز کند. ⁽¹²⁷⁾

برپایی نماز جمعه

1. نماز جمعه دو رکعت است مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه قبل از نماز بیان می شود.
2. نماز جمعه دو قنوت مستحبی دارد یکی در رکعت اول پیش از رکوع، دیگر در رکعت دوم پس از رکوع.
3. نماز جمعه، از نماز ظهر کفایت می کند (خواندن نماز ظهر واجب نیست)
4. نمازگزار جمعه بنابر احتیاط واجب باید به خطبه ها گوش دهد. ⁽¹²⁸⁾

اعتکاف

بستر خویش را برچیده، کمر بند همت را محکم بسته از خانه و زندگی بیرون آمده و به سوی مسجد می آید او به خلوتگاه برای عبادتی بزرگ می آید.
همه روزه ده روز آخر ماه مبارک رمضان به این امر اختصاص می دهد ⁽¹²⁹⁾،
در این ایام کارش ارتباط با خداست، گاهی قرآن می خواند گاهی دعا می

خواند، از جلوه های زودگذر و فریبنده دنیا به دور است و از خواب و استراحت صرف نظر کرده و از غوغای کوچه و بازار فاصله گرفته است.

آن قدر به این عبادت علاقمند است که چون جنگ بدر در ماه رمضان واقع شد و نتوانست به مقصود و مراد خود برسد، سال آینده بیست روز آخر ماه مبارک را به آن اختصاص داد. (130)

به راستی او کیست؟ و این عبادت با عظمت کدام است؟

او محمد ﷺ است و این عبادت «اعتکاف» است.

اعتکاف نه از صدر اسلام که در زمان پیامبران پیشین نیز موجود بوده است و خداوند به ابراهیم و اسماعیل امر می کند، تا خانه او را برای اعتکاف کنندگان، پاک و پاکیزه کند. (131)

همه ساله در کشور ما در بیشتر شهرها مراسم اعتکاف برگزار می شود. شرکت جوانان در این مراسم، پرشور و حرارت اخلاص و صفای آن می افزاید و شما نیز می توانید با گروهی از جواتنان در مسجد جامع خود گرد آیید و به این عبادت بزرگ بپردازید.

اعتکاف از اذان صبح شروع می شود و روز اول و دوم روزه مستحب است و روز سوم واجب می شود و اگر تا غروب روز سوم در مسجد بمانیم کافی است. در حال اعتکاف برخی از کارها حرام است، مانند:

1. خروج از مسجد جز برای کار ضروری.
2. بوییدن عطر گل
3. خرید و فروش
4. جدال در امور دنیایی و دینی برای غلبه بر دیگری و اظهار فضل و برتری بر او. (132)

اعتکاف برنامه ای فشرده برای تهذیب نفس و خودسازی، دوری از شهوت و پیدا کردن اخلاق حسنه است اعتکاف را به تنهایی نیز می توان انجام داد و همچنین در تمام اوقات سال می توان به این عبادت پرداخت (ولی باید در روزهایی که روزه گرفتن در آنها حرام است نباشد).

در ایام البیض ماه مبارک رجب یعنی روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم برنامه باشکوه اعتکاف در بیشتر شهرهای کشورمان برگزار می شود. حضور جوانان در این برنامه عبادی بسیار چشم گیر تحسین برانگیز است.

رسول خدا ﷺ درباره عظمت اعتکاف کنندگان فرمود:

«اعتکاف کننده، خود را از گناه باز می دارد، بنابراین ثواب کسی را دارد که

همه خوبیها را انجام داده است.» (133)

16. در سوگ هجران

یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم
تتقون. (134)

ای کسانی که ایمان آورده اید! روزه بر شما مقدر شده است، همان گونه که
بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر شده بود، باشد که پرهیزکاری کنید.
مرواریدهای اشک بر چهره رخشانش پراکنده می گشت. نشسته بود و دو
زانوی غم را در بغل گرفته بود.
انگار جانش بود که از کالبد بیرون آمده بود و می رفت و او در فراقش چنین
می گریست.

گاهی برمی خواست و بی تابانه چند قدمی راه می رفت، و گاهی هم
فروتانه خود را به سجده می انداخت و زمزمه می کرد:
«درود بر تو، ای گرامی ترین وقت ها که با ما مصاحب و یار بودی و ای
بهترین ماه در روزها و ساعتها!
درود بر تو، ای ماهی که آرزوها در آن برآورده است و کردار شایسته در آن
فراوان!

درود بر تو، ای همنشینی که احترام و گرامیداشت تو هنگام آمدنت بزرگ
است و غم هجران تو بس جانکاه!
درود بر تو ای همسایه ای که دلها با آمدن تو نرم و فروتن گردید و گناهان
در آن کاستی گرفت!

درود بر تو ای یاری دهنده ای که ما را بر چیره شدن بر شیطان یاری کردی،
و ای همنشینی که راه های نیکی را آسان نمودی!

درود بر تو چه طولانی بودی بر گناهکاران و چه با هیبت و با عظمت بودی
در دل‌های اهل ایمان!

بار خدایا ما اهل این ماه هستیم! (135)

این نه یک بار که کار همه ساله او بود.

او امام سجاد علیه السلام بود که در فراق ماه مبارک رمضان چنین می گریست.

برخی از آثار روزه

1. اراده نیرومند

به دست آوردن ارزش‌های اخلاقی و تامین سعادت آخرت همراه با تحمل
ناگواریهاست.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: المکارم بالمکاره ؛ ارزش‌های والای انسانی
با ناگواریها به دست می آید. (136)

کسی که می خواهد به قله تقوا صعود کند، باید همتی عالی و اراده‌ای
پولادین داشته باشد که با روزه گرفتن تا اندازه زیادی از آن برخوردار می شود.

2. عزت نفس

کسی که نزد دیگران خوار و ذلیل است و چشم طمع به دیگران دوخته است
برای رسیدن با نان برده این و آن می شود، یا به حقه بازی و فریب دیگران
روی می آورد، او هرگز نمی تواند به سوی قله تقوا حرکت کند. او چون کبوتری
است که در دست این و آن اسیر است.

انسان با روزه گرفتن تا اندازه‌ای قلبش صاف و زلال می شود و به عظمت
خود پی می برد و به خوبی در می یابد که نباید بنده شکم باشد. باید عزت و
شکوه خود را نگه داشت و از تنگناهای مالی با تحمل گرسنگی و سختی‌ها
پیروز و سر بلند بیرون آمد.

3. فروتنی

برای رسیدن به قله تقوا، باید از پرتگاه خود بزرگ بینی و غرور و تکبر دور شد. انسان مغرور، همیشه تنهاست، هیچ کس دوست ندارد با او رفت و آمد کند؛ چرا که کسی حاضر نیست فخر فروشی او را تحمل کند و خود را نزد او کوچک نماید.

انسان مغرور، چون کسی است که از جمع قله پیمایان کنار گرفته و به عقب بر می گردد و حرف هیچ کس را گوش نمی دهد. او هرگز قله را فتح نخواهد کرد. روزه او را از غرور دور و به سوی کمال قله پرهیزکاری رهنمون می سازد.

4. دوری از گناهان

در مسیر قله تقوا، راهزنانی کمین کرده اند تا قله پیمایان را با وعده های شیرین و کاذب خود از مسیر برگردانند. راهزنان قله تقوا؛ شیطان، هوای نفس و دوستان ناباب هستند که راهیان قله تقوا را به گناه دعوت می کنند.

کسی که می خواهد به قله تقوا برسد باید از لذت ها و شیرینی های زودگذر گناهان به راحتی صرف نظر کند و روح پاک خود را به آنها نیالاید.

کسی که از هوس ها و لذت ها و گناهان دوری می گزیند، کم کم قلب او نورانی و با صفا می گردد و با چشیدن لذت هایی که نصیب او می گردد، راحت تر و آسان تر و با عشق و علاقه بیشتری به سوی قله تقوا حرکت می کند. روزه گرفتن ما را در این راه، یاری می دهد.

فوائد روزه گرفتن بیشتر از اینهاست که ذکر شد: برخوردار شدن از صحت جسمی، همدردی با محرومان، یادآوری گرسنگی و تشنگی روز قیامت و ده ها فوائد دیگر.

برای روزه گرفتن نیت می کنیم یعنی تصمیم می گیریم برای اطاعت از فرمان خدا از اذان صبح تا اذان مغرب از کارهایی که روزه را باطل می کند پرهیز کنیم. عمده آنها عبارتند از:

1. خوردن و آشامیدن
2. رساندن غبار غلیظ به حلق
3. فرو بردن تمام سر در آب
4. قی کردن
5. باقی ماندن در جنابت تا اذان صبح
6. نسبت دادن دروغ به خدا و پیغمبر و جانشینان او ⁽¹³⁷⁾

اقسام روزه

روزه گرفتن گاهی واجب است و گاهی حرام، مستحب و یا مکروه. روزه های واجب مانند، روزه های ماه مبارک رمضان، روزه قضا روزه کفاره، روزه ای که به سبب نذر یا سوگند برای انسان واجب می شود. ⁽¹³⁸⁾ روزه های حرام مانند، روزه عید فطر و عید قربان روزه مستحبی فرزند که سبب اذیت و آزار پدر و مادر شود، و بنابر احتیاط واجب روزه مستحبی زن که شوهر از آن نهی کرده باشد. ⁽¹³⁹⁾ روزه های مستحبی مانند: روزه پنجشنبه اول و آخر ماه و هر جمعه، روز مبعث و عید غدیر و عید نوروز.

جبران گذشته

کسی که در ماه مبارک رمضان روزه نگرفته است بر اساس انگیزه و شرایطی خاصی که داشته باشد باید آن را جبران کند گاهی باید آن را قضا کند، گاهی

علاوه بر قضا، كفاره نیز بر او واجب می شود، گاهی هم باید كفاره جمع بدهد و در برخی موارد مقداری طعام نیز باید به فقیر بپردازد.

قضای روزه

در برخی از موارد انسان باید روزه هایی که نگرفته است قضا کند مانند:

1. در اوایل بلوغ بنابر توصیه پدر و مادر مبنی بر اینکه قدرت روزه گرفتن را نداری، روزه نگرفته است و گمان می کرده که اطاعت از این دستور، واجب است.

2. اوایل بلوغ، احتمال می داده که بالغ شده است، تحقیق و بررسی هم کرده و به این نتیجه رسیده است که بالغ نشده است، بر همین اساس روزه نگرفته است و بعدها به اشتباه خود پی برده است.

3. اوایل بلوغ روزه نگرفته است چون مریض بوده و روزه گرفتن را مضر می دانسته است.

4. غسل جنابت را فراموش کرده و با حال جنابت یک یا چند روز روزه نگرفته است.

5. در ایام قاعدگی یا نفاس بوده است و نمی توانسته روزه بگیرد. (140)

موارد دیگر هم هست که در رساله ذکر شده است و توصیه می کنیم که حتماً به رساله رجوع کنید.

قضا و كفاره

بعضی مواقع انسان باید روزه ای را که نگرفته است قضا کند و كفاره نیز بپردازد:

1. با توجه و آگاهی، روزه نگرفته است.

2. اوایل بلوغ احتمال می داده که بالغ نشده است ولی در تحقیق سهل انگاری کرده است و روزه هم نگرفته است.

3. شب ماه مبارک رمضان جنب بوده و می دانسته که اگر بخوابد تا صبح بیدار نمی شود تا قبل از اذان، غسل کند و خوابیده و بیدار نشده است.

4. با توجه و آگاهی روزه خود را باطل کرده است.

برای انجام كفاره می توان یکی از این دو راه را انتخاب کرد:

1. دو ماه روزه گرفت به گونه ای که سی یک روز آن پی در پی باشد.
2. شصت فقیر را سیر کند و یا به هر کدام از آنها 750 گندم یا برنج. مانند آن داد.

البته کسی که هیچ یک از این دو برایش مقدور نیست هر اندازه که می تواند باید به فقیر طعام بدهد. و اگر اصلاً نمی تواند باید استغفار کند. ⁽¹⁴¹⁾

قضا و اطعام

در برخی از موارد باید علاوه بر قضای روزه در برابر هر روز 750 گرم طعام به فقیر بدهد مانند:

1. در ماه مبارک رمضان به خاطر عذر مثلاً مسافرت یا بیماری روزه نگرفته است و پس از ماه مبارک رمضان با آنکه عذرش برطرف شده است عمداً تا ماه رمضان سال آینده قضای روزه هایی را که خورده نمی گیرد.

2. زنی که زائیدن او نزدیک است و روزه برای حملش ضرر دارد و نمی تواند روزه بگیرد.

3. زنی که زائیدن او نزدیک است و روزه برای خودش ضرر دارد و نمی تواند روزه بگیرد (در این صورت قضای روزه بر او واجب است ولی اطعام به فقیر بنابر احتیاط واجب است)

4. زنی که بچه شیر می دهد ولی شیر او کم است و روزه برای بچه ای که شیر می دهد ضرر دارد.

5. زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است و روزه برای خودش ضرر دارد (در این صورت قضای روزه واجب است ولی اطعام به فقیر بنابر احتیاط واجب است). (142)

اطعام

اسلام، دینی با گذشت و آسان گیر است و تمامی دستورات و فرامین آن با فطرت انسان ها هماهنگ است.

از این رو کسانی که توان روزه گرفتن ندارند از انجام این فریضه واجب، معاف دانسته که عبارتند از:

1. سالخوردگان و پیران

سالخوردگان دو گروه هستند:

1. سالخوردگانی که اصلاً توان روزه گرفتن را ندارند.

2. سالخوردگانی که روزه گرفتن برای آنها مشقت و سختی دارد.

هر دو گروه در صورتی که پس از ماه مبارک نیز نتوانند روزه بگیرند، از روزه گرفتن معاف هستند البته گروه دوم باید در برابر هر روز 750 گرم طعام به فقیر بدهند. (143)

2. بیماران

بیمارانی که روزه گرفتن برای آنان ضرر دارد اگر بیماری آنان تا ماه مبارک سال آینده طول بکشد، قضای روزه هایی را که نگرفته اند بر آنان واجب نیست ولی در برابر هر روز 750 گرم طعام به فقیر بدهند. (144)

3. بیماران مبتلا به تشنگی

بیمارانی که اگر روزه بگیرند زیاد تشنه می شوند اینها دو گروه هستند:

1. بیمارانی که اصلاً توان حمل تشنگی را ندارند.

2. بیمارانی که تحمل تشنگی برای آنان مشقت و سختی فراوان دارد.

هر دو گروه در صورتی پس از ماه مبارک نیز نتوانند روزه بگیرند از روزه گرفتن معاف هستند، ولی بنابر احتیاط واجب در حال روزه نباید بیشتر از مقداری که ناچار هستند آب بنوشند.

البته گروه دوم باید در برابر هر روز 750 گرم طعام به فقیر بدهند. ⁽¹⁴⁵⁾

17. از سر اخلاص

و اعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسہ و للرسول ولذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل ان کنتم امنتم بالله. (146)

و بدانید هر چیزی را که به غنیمت گرفتید (و یا از راههای دیگر به دست آوردید) یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و از آن خویشاوندان او و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است اگر به خدا ایمان آورده اید.

حیران و سرگردان ایستاده بودم و به کوچه های مدینه نگاه می کردم. از نیشابور، این همه راه را با پای شوق آمده بودم؛ شوق دیدار امام.

ایستاده بودم و به شیعیان نیشابور فکر می کردم، به لحظه های به یاد ماندنی خداحافظی و بدرقه آنان. یادم آمد که چگونه از سر شوق (یک پنجم) اموالشان را به من می دادند و در حالی که چهره هایشان از عشق به امام می درخشید می گفتند این ناقابل را تقدیم امام کن و سلام ما را به ایشان برسان.

پاکت های نامه هایشان که پرسش هایشان را در آن نوشته و آن را مهر کرده بودند به من می دادند تا من پاسخ آنها را از امام بگیرم و برای آنان بیاورم. این کار همه ساله آنان بود. ولی این بار خدا به من توفیق داده بود که به نمایندگی از آنان به محضر امام شرفیاب شوم.

ایستاده بودم و از فکر «شطیطه» بیرون نمی رفتم. یک پارچه آورده بود که به دست خودش رشته بود با یک درهم.

گفتم: ای بانوی بزرگوار! من خجالت می کشم که این ناچیز را خدمت امام ببرم. اشک در چشمانش حلقه زد و گفت:

«آنچه بر عهده من هست همین مقدار است و نباید در عمل به احکام خدا

حیا کرد.»

از صداقت و ایمان او شگفت زده شدم و آن ناچیز را از او تحویل گرفتم. هنوز ایستاده بودم که نگاهم به پسر بچه ای افتاد که به من می گوید: بیا خانه امام را به تو نشان بدهم. وقتی بر امام کاظم علیه السلام وارد شدم فرمود: پاسخ نامه ها را در کنار پرسش ها نوشته ام. آنگاه قبل از آنکه از شیعیان نیشابور سخنی به میان آورد، نشانی های درهم و پارچه شطیطه را داد و آنها را از من مطالبه کرد. وقتی درهم و پارچه را برداشت، همان جمله ای را که شطیطه همراه با اشک دیدگانش گفته بود تکرار کرد.

آنگاه فرمود: «سلام من را به شطیطه برسان سپس چهل درهم با پارچه ای به من داد و فرمود این پارچه، پنبه اش از «قریه صیدا» قریه فاطمه زهرا علیها السلام است و خواهرم حلیمه آن را رشته، اینها را از جانب من به شطیطه هدیه کن.»⁽¹⁴⁷⁾

ادای تکلیف

خمس نه فقط بر مردان و پسران که بر بانوان و دختران نیز واجب است. از آن زمان که آدمی پا به سن بلوغ می گذارد و نماز و روزه بر او واجب می شود باید اهل حساب و کتاب باشد و برای اموال و در آمد خود «سال خمسی» معین کند و سالی یک بار بر اساس قانون خمس، یک پنجم سود اموالش را حساب کند و به دفتر مرجع تقلید خود و یا نماینده او تحویل دهد، و از کم بودن مبلغ آن نباید خجالت بکشد.

البته دختران، بانوانی که کار شغل و در آمدی از خود ندارند و پدر و مادر خرج آنان را می پردازند، خمس بر آنها واجب نیست.

تهیه جهیزیه

جهیزیه باید بر اساس ضوابط سال خمسی تهیه شود و اگر پدر و مادر و دیگران نیز در تهیه آن سهم هستند آنها نیز باید سال خمسی داشته باشند و بر اساس سال ضوابط سال خمسی آن را تهیه کنند. همچنین مصارف شخصی، هدیه ها، چشم روشنی ها و کادوها همه بر اساس ضوابط سال خمسی باشند.

سال خمسی

سال خمسی بر اساس ضوابط خاصی شکل می گیرد و تاریخ شروع آن اختیاری نیست و برای فراگیری آغاز سال خمسی باید به نکته های زیر توجه کرد: کسانی که در آمدی دارند دو دسته اند:

1. دسته ای در آمدشان در تاریخ خاصی به دستشان می رسد؛ مانند حقوق بران و مزد بگیران جامعه.
2. دسته ای دیگر، در آمدشان به صورت تدریجی به دستشان می رسد؛ مانند تاجران و صنعتگران.

دسته اول وقتی اولین در آمدشان به دستشان رسید، و دسته دوم از اولین روزی که شروع به فعالیت کردند و اولین سود را که به دست آوردند و سال خمسیشان آغاز می شود. ⁽¹⁴⁸⁾

از آغاز اولین درآمد و سود تا گذشت یک سال کامل را «سال خمسی» می گویند.

قانون کلی خمس

در بین سال هر گونه در آمدی که از راه حلال به دست آید و صرف هزینه زندگی گردد از قانون پرداخت خمس معاف است، البته در صورتی که هزینه ها

از شأن اجتماعی ما بالاتر نباشد و در آنها اسراف و زیاده روی هم نکرده باشیم.
(149)

غیر از هزینه ها، هر چه هنگام فرا رسیدن سال خمسی موجود است باید محاسبه و بررسی گردد ما در اینجا به صورت کوتاه و کلی به وظیفه دسته اول (حقوق بگیران و مزد بگیران) اشاره می کنیم:

این دسته از مردم باید آنچه پول و مواد مصرفی (خوراکی ها و نوشیدنی ها و مواد سوختی) در این تاریخ دارند همه را محاسبه کنند و یک پنجم (20٪) آن را به عنوان خمس جدا کنند و به مرجع تقلید خود یا یکی از نمایندگان او در استانها و شهرستانها تحویل دهند. (150)

مساله خمس، ریزه کاریهایی دارد که در این مختصر نمی گنجد. شایسته است هر ساله نزد شخصی که از مسائل خمس آگاهی کامل دارد، رفته و به خمس اموال خود رسیدگی کنیم.

فرهنگ اقتصاد

مال را از چه راهی به دست می آوریم و در چه راهی مصرف می کنیم. اسلام می گوید باید در هر دو قسمت، مبتلا به حرام نشویم. بعضی ها در به دست آوردن مال، حلال الهی را رعایت نمی کنند و خیال می کنند که با مصرف آن در امور خیریه و کمک به مستمندان، مستحق ثواب و پاداش هم می شوند، این یک اشتباه در برداشت از احکام الهی است. مصرف مال در راههای حلال وقتی ثواب دارد که از راه حلال به دست آمده باشد.

مثلا اگر کسی پولش را به تاجری بدهد و بگوید ماهی فلان سود به من بده، این «ربا» و حرام است و با مصرف این پول نمی توان به پاداش الهی رسید.

رشوه

هدف ما از تحصیل باید خدمت به دین باشد. خدمت به جامعه هم وقتی مقدس و ارزشمند است که براساس موازین اسلام و همراه با اخلاص باشد. از همین اینک باید با مطالعه قرآن و کتابهای مذهبی، ایمان خود را تقویت کنیم تا فردا که در جامعه مشغول به خدمت شویم از کم کاری ناشایست باز داریم.

حضرت علی علیه السلام به مسئولان و تمامی خدمتگزاران جامعه می فرماید:

«هر مسئولی که از رسیدگی به کارهای مردم حودداری ورزد، خداوند در روز قیامت او را ناکام از خود دور خواهد ساخت، و اگر در برابر انجام وظیفه هدیه ای بگیرد، گریبانگیر او خواهد شد و اگر رشوه بگیرد، به خدا شرک ورزیده است» (151)

رشوه اگر چه به عنوان «هدیه»، «پیشکش»، «شیرینی» و «حق حساب» و مانند آن باشد، حرام است.

بر رشوه گیر واجب است چیزی را که گرفته به صاحبش برگرداند. (152)

18. فریادگر حق

فرض الله... الامر بالمعروف مصلحة للعامة (153)

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: خداوند امر به معروف را برای مصلحت جامعه و عامه مردم واجب کرده است.

آرام اما با متانت و وقار از خانه در آمد، زنان بنی هاشم گرد وجودش را گرفتند و به سوی مسجد روان شدند.

مسجد غلغله بود. مهاجرین و انصار از هم پیشی می گرفتند، انگار جمعیت می خواست دیوارهای مسجد را هم بشکند. تنها پاره تن رسول خدا در میان زنان بنی هاشم به مسجد رسید و در پس پرده ای که به دستور او آویخته بودند قرار گرفت.

نفسها در سینه ها حبس شده بود و یادگار رسول خدا نیز ساکت و خاموش ایستاده بود، سکوتی که یک دنیا حرف در آن بود.

فاطمه علیها السلام به اجتماع مردم می آمد و از حقایق سیاسی و اجتماعی مردم دفاع می کرد و همه این آمدنها در باشکوه ترین جلوه حیا، عفاف، وقار و متانت انجام می گرفت. رفتار و گفتار او و همه معصومان گواه این واقعیت دینی است که امر به معروف و نهی از منکر بر بانوان نیز واجب است.

البته امر به معروف و نهی از منکر «واجب کفایی» است. یعنی اگر گروهی به قدر کافی به این کار همت گمارند از عهده دیگران برداشته می شود.

بنابراین بهتر است بانوان در مواردی که مردان به تنهایی از عهده این واجب الهی بر نمی آیند و یا مواردی که در مورد بانوان است، اقدام کنند و بکوشند که در انجام این واجب الهی خود مرتکب گناهان دیگر نشوند.

معروف و منکر

در فرهنگ دینی به تمامی واجبات و مستحبات «معروف» و به تمامی مکروهات و محرمات «منکر» گفته می شود. بنابراین امر کردن افراد جامعه به کارهای واجب و مستحب «امر به معروف» و بازداشتن آنها از کارهای حرام و مکروه «نهی از منکر» نامیده می شود.

البته تنها درباره واجبات و محرمات ما موظفیم امر به معروف و نهی از منکر کنیم. معروف ها مانند:

نماز - روزه - رعایت حجاب - اجرای عدالت - و احترام به والدین.
منکرها مانند: حرام خوری - ظلم و ستم - جلوگیری در برابر نامحرم - چشم چرانی - قمار بازی - اذیت و آزار والدین - دزدی - ارتکاب قتل و ریختن آبروی مومن.

جلوگیری از گناه در جامعه

پیشگیری از بروز گناهان علنی در جامعه، از راه قوانین و مجازاتها به تنهایی کارساز نیست. حضور مامور در گوشه و کنار جامعه و نظارت همیشگی ناممکن است، بهترین راه مقابله و پیشگیری، ایجاد انگیزه عمومی بر این کار است. ابتکار اسلام در زمینه پیشگیری و مقابله با گناهان اجتماعی، از طریق نظارت مردمی «امر به معروف و نهی از منکر» نام دارد. اهمیت امر به معروف و نهی از منکر تا آنجاست که پیامبر خدا افراد یک جامعه را به سرنشینان یک کشتی تشبیه نموده است که اگر یکی از آنها گوشه ای از کشتی را سوراخ کند، نه تنها به خود بلکه به دیگران نیز آسیب می رساند و همگان باید از کار او جلوگیری کنند.

واکنش های نخستین

اگر گناهی در جامعه رخ دهد باید قبل از برخورد با گناهکار از آلوده شدن خود جلوگیری کنیم در این بار به چند دستور ایمنی اشاره می کنیم:

1. به مجلس گناه نرویم.
 2. در مورد انجام گناه از هیچ کس (حتی از پدر و مادر) اطاعت نکنیم.
 3. رضایت قلبی از عمل بدکاران، نداشته باشیم.
 4. دوستی قلبی خود را از آنان قطع کنیم.
- پس از مراقبت از خود، با سغه صدر و صبر و حوصله با انگیزه اعتلای دین به امر به معروف و نهی از منکر مبادرت ورزیم.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر در مورد مستحبات و مکروهات، واجب نیست بلکه در مورد بلکه در مورد واجبات و محرمات واجب است و آن، در صورتی است که شرایط زیر محقق باشد:

1. ابتدا معروف (واجب) و منکر (حرام) را بشناسیم.
2. اقدام ما بی نتیجه نباشد، لااقل احتمال تاثیر بدهیم.
3. گنهکار در صدد ادامه و تکرار آن کار باشد.
4. اقدام ما ضرر جانی، آبرویی یا مالی قابل توجه برای خودمان یا نزدیکان یا یاران و همراهانمان و یا سایر مومنان نداشته باشد؛ مگر آنکه مساله، خطیر و حساس باشد. (154)

فرهنگ امر و نهی

وا داشتن دیگری به کاری یا باز داشتن او از کاری، ذوق، سلیقه، هنر و ابتکار می طلبد.

این لطافت روحی، ملایمت و نرمی و در عین حال صلابت و کوتاه نیامدن ماست که می تواند ما را به هدف مقدس مان نزدیک کند بنابراین توجه به نکته های زیر کارساز است:

1. به جای تحقیر و توهین، ترغیب و تحسین کنیم.
2. برای جلوگیری از منکر، خود دچار منکر نشویم.
3. به جای پرخاش و عیب جویی، مهر و رافت به خرج دهیم.
4. مصلحت طرف را نادیده نگیریم.
5. از خود خواهی و خود ستایی پرهیزیم.
6. تنها خشنودی خدا را در نظر داشته باشیم.
7. خود را منزله از گناه و برتر از گناهکار نبینیم.
8. این را بدانیم که چه بسا گناهکار دارای صفات و اعمال نیک بسیاری نیز باشد.

9. در صورت نیاز، امر به معروف و نهی از منکر را تکرار کنیم. ⁽¹⁵⁵⁾

مراحل امر به معروف و نهی از منکر

حجابش خدا پسند نیست، در برابر نامحرم جلوه گری و خود نمایی می کند، زینت و آرایش خود را از نامحرم، نمی پوشد و یا نسبت به نماز کاهلی می کند، حلال و حرام را رعایت نمی کند، و یا مبتلا به گناهان دیگری است. گناهکار را باید امر به معروف و نهی از منکر کرد اما از آن مهمتر این است که کار ما منظم و منطقی باشد و مراحل زیر را یکی پس از دیگری اجرا کنیم:

1. در مرحله نخست با گناهکار به گونه ای برخورد می کنیم که بفهمد این طرز برخورد ما تنها به خاطر گناه اوست. مثلاً از او چهره برگردانیم و یا با

چهره گرفته و بر افروخته با او مواجه شویم و یا رفت و آمد خود را با او قطع کنیم.

2. اگر از رفتارهای ما متأثر نشد به گفتار رو می آوریم و با زبان او را امر و نهی می کنیم و البته با نرمی و رعایت ادب و احترام اما با قاطعیت و صلابت.

3. مرحله بعد را به عهده ماموران قضایی و انتظامی می گذاریم تا در جامعه هرج و مرج نشود. (156)

دفاع همگانی

و لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بيع و صلوات و مساجد
یذكر فيها اسم الله كثيرا لينصرن الله من ينصره ان الله لقوى عزيز. (157)

اگر خدا بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی کرد، صومعه ها و کلیساها و کنیسه ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می شود، سخت ویران می شد، و قطعاً خدا به کسی که (دین) او را یاری می کند، یاری می دهد، چرا که خداوند سخت نیرومند و شکست ناپذیر است.

دشمنان اسلام شب و روز نقشه می کشند که نور اسلام را خاموش کنند ولی خداوند نور اسلام را عالم گیر خواهد کرد و این با دفاع و مبارزه مسلمانان واقعی محقق خواهد شد.

بنابراین اگر دشمن به کشور اسلامی ما هجوم آورد بر همه افراد مملکت، چه مرد و چه زن، چه بزرگ و چه کوچک واجب است دفاع کنند.

اگر دیروز دشمن به خاک اسلامی کشور اسلامی ما حمله کرده بود ما شجاعانه او را عقب راندیم، امروز به شکل پیچیده تری به مرزهای ایمان و عقیده ما حمله کرده است.

ترویج فساد و ابتذال و صوق دادن پسران و دختران به بی بندوباری اخلاقی
از بارزترین نشانه های حمله دشمن است.

ردپای دشمن را فیلم های مستحجن، عکسها، و برنامه های مبتذل بیابیم ؛
دشمنی که می کوشد با برداشتن مرزهای حیا و عفاف، دختران و بانوان را به
زشت ترین شکل، به صحنه اجتماع بکشاند و تمام حیثیت و شرافت یک زن و
دختر ایرانی را به غارت ببرد. پس برای دفاع آماده باشیم و فریب خودبختگی
فرهنگ غرب را نخوریم.

19. گل پاک

ان المراه ريحانه. (158)

حضرت علی علیه السلام فرمود: زن (مانند) گل است.

یکی بامدادان به فصل بهار جوانی به باغی فتادش گذار
به شاخی، گلی دید خوش رنگ و بو که از جان و دل گشت مشتاق او
گلوش بیفشرد و کردش جدا ز گلهای دیگر به جور و جفا
چو آن گل جدا شد ز شاخ آن درخت بیفتاد به دست آن تیره بخت
بکرد از طریق تحسر نگاه به یاران و از دل برآورد آه
بگفتا که ای خواهران عزیز برای شما هست این روز نیز
گذارید آرایش خود کنار بگیرید در زیر برگی قرار
نمایید خود را از این دم نهان که مانید ایمن ز غارتگران
اگر گل در پس برگها مخفی نشود،

اگر گل مراقبت باغبان را نپذیرد، و اگر گل بر بیگانگان جلوه گری نماید، به
غارت خواهد رفت.

گل، ظرافت ها، لطافت ها و جلوه گریهای خود را باید برای یک قهرمان نگه
دارد.

او امانتدار لطافت ها و ظرافت هاست و آنگاه است که می تواند با این خود
نگه داریها یک قهرمان را به آستان خود بکشد و در دست یک قهرمان قرار
گیرد نه در زیر پای غارت گران!

زن، گل است و یک گل دانا و پاک هرگز نمی پسندد چهره و نگاه و موی و
اندام خود را در اختیار نگاههای هوس آلود قرار دهد؛ در پس برگهای حجاب

و حیا می ماند و حیثیت و شخصیت خود را پاسبانی می کند. غنچه تا در پرده است از دست گلچین ایمن است گر صیانت از جفا خواهی حیا می بایدت

مصونیت نه محدودیت

حجاب مصونیت است نه محدودیت!

زن با خود نگه داری و خودداری های خود نه تنها شخصیت خود را حفظ می کند که به مرد نیز شخصیت می دهد.

متفکر و اندیشمند فرزانه استاد شهید مطهری در این زمینه می نویسد:

«مرد، بسیاری از هنر نمایی ها و شجاعت ها و دلاوریها و نبوغ ها و شخصیت های خود را مدیون زن و خودداریهای ظریفانه زن، مدیون حیا و عفاف زن می داند.

زن همیشه مرد را ساخته و مرد اجتماع را، آنگاه حیا و عفاف و خودداری زن از میان برود و زن بخواهد در نقش مرد ظاهر شود اول به زن مهر باطله می خورد و بعد مرد مردانگی خویش را فراموش می کند و سپس اجتماع منهدم می گردد. « (159)

حضرت امام رحمة الله علیه این انسان شناس و اسلام شناس بزرگ قرن می فرماید:

«زن مربی جامعه است... زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می کند. « (160)

اعتراف دانشمندان

دانشمندان و جامعه شناسان منصف و باریک بین همه به این حقیقت اعتراف دارند که این عظمت و شکوه زن در حیا، حجاب و خود نگه داری های اوست. ویل دورانت می گوید:

«... زنان دریافتند که دست و دل بازی مایه طعن و تحقیر است و این امر را به دختران خود یاد دادند.

مرد جوان به دنبال چشمان پر از حیا است و بی آنکه بداند حس می کند که این خود داری ظریفانه از یک لطف و رقت عالی خبر می دهد. «
برتراند راسل می گوید:

«از لحاظ هنر مایه تاسف است که به آسانی به زنان بتوان دست یافت. «
از همه شگفت آورتر سخنی است که یکی از مجلات زنانه از آلفرد هیچکاک - که به قول آن مجله به حسب فن و شغل و فیلم سازی خود درباره زنان تجارب فراوان دارد - نقل می کند او می گوید:

«زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب و نقاب و روبندی که به کار می بردند خود به خود جذاب می نمود و همین مساله جاذبه نیرومندی به آنها می داد، اما به تدریج تلاشی که زنان این کشورها برای برابری با زنان غربی از خود نشان می دهند حجاب و پوششی که دیروز بر زن شرقی کشیده شده بود از میان می رود و همراه آن از جاذبه جنسی او هم کاسته می شود. «

خلأ عشق

امروزه یکی از خلأهایی که در دنیای اروپا و آمریکا وجود دارد خلأ عشق است.

در کلمات دانشمندان اروپایی و آمریکایی این نکته زیاد به چشم می خورد که اولین قربانی آزادی و بی بند و باری زنان و مردان امروز، عشق و شور احساسات بسیار شدید و عالی است. در جهان امروز هرگز عشق هایی از نوع عشق های شرقی از قبیل عشق های مجنون و لیلی و خسرو و شیرین رشد و نمو نمی کند.

از داستان های لیلی و مجنون، خسرو و شیرین و مانند آن می توان فهمید که زن بر اثر دور نگه داشتن خود از دسترسی مرد تا کجا پایه خود را بالا برده است و تا چه حد سر نیاز مرد را به آستان خود فرود آورده است. قطعاً درک زن، این حقیقت را در تمایل او به پوشش بدن خود و حفظ کردن خود به صورت راز، تاثیر فراوان داشته است. ⁽¹⁶¹⁾

20. الگوی بانوان

الحیا حسن ولكن فی النساء احسن (162)

پیامبر ﷺ فرمود: حیا، پسندیده و نیکوست، ولی در زنان پسندیده تر و نیکوتر است.

گرد ماه وجودش خلقه زده بودیم،

من بودم و دیگر یاران او،

دوست داشتیم او بگویند و ما گوش کنیم؛ ولی مثل بعضی وقت های دیگر از

ما پرسید. هر کسی چیزی گفت، ولی هیچیک از پاسخ ها را نپسندید.

با خودم گفتم باید پاسخ را از فاطمه بشنوم. نزد همسر فاطمه آمدم.

فاطمه جان پدرت، رسول خدا، از ما سوالی پرسید، کسی نتوانست پاسخ

دهد. «چه چیز برای زن بهترین است؟»

علی جان!

«بهترین چیز برای زن این است که مرد (نامحرمی) را نبیند و مرد (نامحرمی)

نیز او را نبیند.»

چون پاسخ فاطمه را به پیامبر گفتم، پیامبر پاسخ او را پذیرفت و از صمیم

جان فرمود:

«پاسخ فاطمه صحیح است، او پاره تن من است!» (163)

منطق فاطمه این است که زن، گوهری گرانبها و فرشته ای آسمانی است که

هر چه پوشیده تر و محبوب تر باشد نزد خدا محبوب تر است، و این با فطرت

او کاملاً سازگار است.

منطق فاطمه این است که خودآرایی و خود نمایی زن نباید در برابر چشم

نامحرمان باشد، خداوند این هنر را به زن داده است تا قلب شوهرش را فتح کند

و چنان قلب او را پر کند که به زندهای دیگر هیچ اعتنایی نکند و طمع وصال آنان را در سر نیروراند.

اما کسانی که افسار شهوت و هوس را رها کرده اند و تن به لذات حیوانی داده و غرق در دنیا گشته اند فرهنگ زندگی آنان چیز دیگری است: «خود آرای، خود نمایی و چشم چرانی؛ و در یک کلمه آزادی حیوانی» آنان شخصیت زن را در اینها می دانند.

از نگاه آنان زنی که با مدرن ترین آرایشها و زیباترین لباس ها خود را می آراید و با دلربا ترین شیوه ها در جامعه جلوه گری می کند و چشمانش به دنبال خواسته های نفسانی اش می چرخد، زنی با فرهنگ، امروزی متری و خوشبخت است؛ ولی واقعیت چیز دیگری است:

مهار حرص و هوس را اگر رها کردی مدام در هوس و دوام در دردی

پوشش اسلامی

زن مرواریدی گرانبهاست که باید در صدف حجاب و پوشش، خود را به کاملترین شکل حفظ کند. بنابراین واجب است موها و تمام اندام خود را از نامحرم ببوشاند. خواه نامحرم به قصد لذت و هوسرانی به او نگاه کند و یا بدون قصد و لذت، البته پوشاندن صورت و دستها تا میچ واجب نیست اگر چه بهتر است و به تقوا نزدیک تر است بنابراین:

1. بیرون گذاشتن مقداری از موها به هر انگیزه ای که باشد حرام است و

ناپسند.

2. نمایان گذاشتن روی پا، کف پا، و پاشنه پا، ناپسند و حرام است.

3. جورابه های نازک و پانما کافی نیست و باید پاها را کاملاً ببوشانیم. (164)

چهره و دستها

چهره دختران یکی از دلرباترین اعضای آنهاست. بکوشیم در حد توان آن را از نامحرمان بیوشانیم. در محیطهایی که اکثر جوانان عادت دارند که با چشمهای آلوده و تند به ما نگاه کنند و در مسیر هرزگی و سبکسری و آزار و متلک گفتن گام بر می دارند، روا نیست که با چهره ای باز متبسم و خندان رفت و آمد کرد.

درباره چهره و دستها به نکته های زیر توجه کنیم:

1. مقنعه یا روسری باید اطراف چهره، گلو و زر چانه را بیوشاند.
2. قدری پایین تر از میچ دست ها را باید بیوشاند.
3. دست و چهره باید خالی از هرگونه آرایش، زیور و زینتی باشد وگرنه پوشاندن آنها نیز واجب است.
4. کسی با قصد لذت به دست ها و چهره ما نگاه نکند وگرنه پوشاندن آنها واجب می شود.
5. کسی که چهره طبیعی او به گونه ای است که باعث مفسده می شود باید چهره خود را بیوشاند. (165)

پوشش کامل

برخی گمان می کنند که پوشش اسلامی، همان پوشش بدن است و در اسلام چیزی فراتر از این وجود ندارد، این برداشتی ناقص از دین است. اسلام علاوه بر پوشش بدن زیور و زینت را واجب می داند. در سوره نور به این مطلب تصریح شده است. (166)

بنابراین هر چه در نظر مردم زینت به حساب می آید باید از نامحرم پوشانده شود؛ مانند النگو، لاک ناخن، سرمه چشم و از همه مهمتر آراستگی چهره. (167)

معیارهای انتخاب لباس

لباسی که می خواهیم آن را در برابر نامحرمان بیوشیم باید دارای ویژگی های زیر باشد:

1. نازک و بدن نما نباشد.
2. بنابر احتیاط واجب لباسی که باعث شهوت و انگشت نما شدن ما در میان نامحرمان می شود نباشد.
3. بنابر احتیاط واجب از لباسهای ویژه مردان نباشد.
4. از لباسهایی که مهیج است و توجه نامحرم را جلب می کند نباشد.
5. از لباسهایی که از حیث دوخت و یا شکل یا از نظر رنگ، ترویج و تقلید از فرهنگ مهاجم غیر مسلمین است نباشد. (168)

جلب نامحرم

تنها پوشش بدن و زیور و زینت کافی نیست، بلکه باید پوشش ما به گونه ای باشد که نامحرم را جلب نکند؛ به چند نکته در این زمینه توجه کنید:

1. پوشیدن لباسی که برجستگیهای بدن را به گونه ای نمایان ظاهر می سازد که باعث سوق دادن زن به گناه و جلب نظر نامحرم است، جایز نیست. (169)
2. استفاده از کفش هایی که هنگام راه رفتن به گونه ای صدا می دهند که نامحرم را متوجه می سازند و باعث گناه می شوند، جایز نیست. (170)
3. برخی در عین این که چادر می پوشند ولی با گرفتن و رها کردن آن و ژست های رنگارنگی که با آن می گیرند، نشان می دهند که اهل پرهیز از معاشرت با مردان بیگانه نیستند از اینکه مورد بهره برداری چشمها قرار بگیرند ناراحت نمی شوند.

آنها باید بدانند که صرف استفاده از چادر، ارزش نیست بلکه باید به گونه ای از چادر استفاده کنند که بانوان عفیف از آن استفاده می کنند آنان که آهنگ چادرشان به نامحرمان «دور باش» می گوید و ناپاکدلان را مأیوس می کند.

(171)

4. بعضی ها موهای جلو و عقب سر خود را به گونه ای برجسته می کنند که از روی چادر به خوبی نمایان است.

آنان به گمان خود می خواهند شیک باشند ولی باید بدانند هر کاری که باعث جلب توجه نامحرم و گناه شود نارواست و از آن باید پرهیز کرد.

21. در حریم عفاف

افضل العبادہ العفاف. (172)

حضرت علی علیه السلام همواره می فرمود: بالاترین عبادت عفت است.
در خانه را می کوید،

«این ام مکتوم» آن مرد نابینا بود، می خواست به خانه من وارد شود،
به عایشه و حفصه گفتم برخیزید و به خانه دیگری بروید.

گفتند: او نابیناست و ما را نمی بیند!

گفتم: اگر او شما را نمی بیند شما او را می بینید!

همانجا به یاد فاطمه ام افتادم:

وقتی نابینایی می خواست بر من وارد شود، بی آنکه چیزی به او بگویم، در
پس پرده رفت به او گفتم: این مرد، نابیناست و تو را نمی بیند!

گفت: گرچه او من را نمی بیند ولی من او را می بینم و او بوی من را
استشمام می کند. اینجا بود که از سر حقیقت، احساساتم اوج گرفت و گفتم:

«گواهی می دهم که تو پاره تن من هستی!» (173)

ما نیز باید از رفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیه السلام درس بگیریم و منزل
ما و رفت و آمدهای خانوادگی و فامیلی ما به گونه ای باشد که حریم مرد و زن
در آن رعایت گردد.

نامحرم، نامحرم است اگر چه از فامیلان و نزدیکان ما باشد، ما نباید با او
همانند یک محرم رفتار کنیم.

فرهنگی که از طریق بیشتر فیلم ها و برخی برنامه های سینما به آنها بها داده
می شود با فرهنگ ناب اسلامی فاصله دارد.

نشستن در کنارهم بدون مراعات کامل پوشش اسلامی و گفتن و خندیدن و شوخی کردن بدون مراعات محرم و نامحرمی کاری ناروا و ناشایسته است.

اختلاط دختر و پسر

پیامبر خود از اختلاط زن و مرد جلوگیری می کرد، به دستور ایشان در ورودی زنان به مسجد از در ورودی مردان مجزا شد.

پیامبر برای اینکه برخورد و استکاکی پیش نیاید دستور می داد مردان از وسط و زنان از کنار کوچه ها بروند؛ زیرا فتنه از اختلاطها بر می خیزد. ⁽¹⁷⁴⁾

پیامبر خطاب به جامعه اسلامی می فرمایند:

«نگذارید بین مردان و زنان اختلاط برقرار شود، چه آنکه اگر بین آنان اختلاط و آمیختگی باشد دردی بی درمان شما را فرا خواهد گرفت.» ⁽¹⁷⁵⁾

جامعه اسلامی به ویژه دانشگاهها باید به این سمت سوق داده شوند که از اختلاط زن و مرد بکاهند. اختلاط اگر مفاسد دینی و اخلاقی به همراه داشته باشد زیانبار است.

حضرت امام خمینی رحمه الله علیه درباره ادامه تحصیل دختران می فرمایند:

«ادامه تحصیل در رشته های حلال اشکالی ندارد ولیکن تستر ⁽¹⁷⁶⁾ از جانب و خودداری از اختلاط با آنها لازم است و اگر ادامه تحصیل مستلزم اختلاط با اجانب باشد و مفاسد دینی و اخلاقی در بر داشته باشد ترک کند.» ⁽¹⁷⁷⁾

خلوت با نامحرم

جاذبه جنسی بین زن و مرد، و دختر و پسر آنقدر نیرومند است که غلبه بر آن در هنگام خلوت با نامحرم، تقوایی در حد معصومین علیهم السلام می خواهد.

«اگر دختر و پسر و یا زن و مرد در محل خلوتی باشند که کسی در آنجا نباشد و دیگری هم نمی تواند به آنجا وارد شود چنانچه بترسد که به حرام بیفتد باید از آنجا بیرون برود.» (178)

مکالمه با نامحرم

قرآن به بانوان و دختران هشدار می دهد که با صدای نازک و ناز و کرشمه با نامحرم سخن نگویند مبادا بیمار دلی به آنان طمع ورزد. (179)

بنابراین مستحب است در مواقعی که ضرورتی ندارد، با نامحرم سخن نگوئیم باید با متانت و سنگینی و در فضای سالم دور از هوس سخن بگوئیم و از شوخی و خنده پرهیزیم و در عین حال به نامحرم خیره نشویم و پوشش کامل را در برابر او حفظ کنیم.

مراجعه به نامحرم

امید است که جامعه اسلامی هر چه سریعتر به جایی برسد که دختران و بانوان به راحتی بتوانند کارهای خود را بدون مراجعه به نامحرم انجام دهند. بنابراین تا جایی که امکان دارد به پزشک مرد با عکاس مرد و... مراجعه کنیم.

در مواقع اضطرار باید پوشش خود را در حد امکان حفظ کنیم و تمامی مسائل مربوط به نامحرم را مراعات کنیم.

در این زمینه مسائل لازم فراوانی وجود دارد که شما را به رساله توضیح المسائل مراجع عظام تقلید ارجاع می دهیم.

نگاه به نامحرم

چشم از مناظری که می بیند، فیلم و عکس تهیه، و در مخزن خیال بایگانی می کند. گاهی هم در سالن خیال می نشیند و به تماشای آنها می پردازد.

مراقب باشیم که چشمان ما از مناظر شهوت آلود فیلم و عکس تهیه نکند و اگر به این خطا و گناه دچار شدیم فوری آن منظره را با اشک و آه و توبه از صفحه خیال خود پاک کنیم.

نگاه آلوده به هیچ چیز و هیچ کس جایز نیست. در فرهنگ اسلام این تنها مردان نیستند که موظفند نگاهی خود را مهار کنند بلکه قرآن زنان را به رعایت این نکته فرمان می دهد. ⁽¹⁸⁰⁾

محرم و نامحرم

شاید بعضی ها خیال کنند نامحرم یعنی غریبه و ناآشنا، و محرم یعنی قوم و خویش و آشنا، ولی در فرهنگ اسلام فرقی بین غریبه و آشنا نیست. کسانی که به دخترها و زنان محرمند عبارتند از:

پدر و پدر بزرگ، پسر، نوه، برادر، خواهر زاده (پسر خواهر)، برادر زاده (پسر برادر)، عمو (عموی خود و عموی پدر و عموی مادر)، دایی (دایی پدر و دایی خود و دایی مادر).

این گروه به سبب خویشاوندی نسبی، محرم هستند؛ گروه دیگری نیز به سبب ازدواج بر دخترها و زنها محرم می شوند که عبارتند از:

شوهر و پدر و پدر بزرگ شوهر، پسر شوهر (هر چند فرزند خود انسان نباشد) و نوه او، شوهر مادر، ⁽¹⁸¹⁾ و شوهر دختر (داماد)

کسان دیگر هر چند خویشاوند و آشنا باشند نامحرم به حساب می آیند و باید همه احکام مربوط به نامحرم را نسبت به آنها رعایت نمود.

بنابراین پسر عمو و پسر دایی و پسر خاله، پسر عمه، شوهر خاله، شوهر عمه، شوهر خواهر و برادر شوهر همه نامحرم هستند. ⁽¹⁸²⁾ و باید در روابط خانوادگی و فامیلی آنان را نامحرم دانست. ممکن است این نکته برای آنان

ناخوشایند باشد ولی رضایت و خشنودی خدا را باید بر رضایت و خشنودی آنان مقدم داشت و آخرت خود را به بهای اندک دنیا نفروخت. ولی می توان با نرمی و ملایمت مساله را برای آنان روشن ساخت.

روابط دختر و پسر

اسلام کوشیده است تا روابط دختر و پسر را به گونه ای تنظیم کند که احتمال بروز هرگونه آلودگی و تباهی از میان برداشته شود.

روح حاکم بر روابط پسران و دختران باید روح پاکی و عفاف باشد. جوامعی که روابط دختران و پسران را تا اندازه ای آزاد گذاشته اند تجربه تلخی را متحمل گشته اند و به اشتباه خود اعتراف دارند.

دین مرفقی اسلام می گوید: قلب با نگاه های آلوده، برخورد ناسالم و غیر عقیفانه کم کم تاریک می گردد، یاد خدا از قلبی بیرون می رود، جاذبه نیرومند تمایلات جنسی بر انسان غالب می شود، و چه بسا جوان دچار دچار بلای خانمانسوز عشق و محبت نابجا گردد.

مفضل می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره عشق نابجا پرسیدم فرمود:

«قلب هایی هستند که از یاد خدا خالی می شوند، خدا نیز (عشق) و محبت

غیر خود را به آنان می چشاند» (183)

و اگر کسی به این بلای خانمانسور دچار شود باید با عفت و پرهیز و خود نگه داری خود را نجات دهد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«برگزیدگان امت من کسانی هستند که چون به بلایی دچار می شوند عفت

می ورزند پرسیدند: آن کدامین بلاست؟

فرمود: عشق (نابجا). « (184)

دستورات و احکام اسلامی در زمینه روابط دختران و پسران همه، حکیمانه و عادلانه است، اسلام نمی خواهد بی جهت برای کسی محدودیتی قائل شود و او را در تنگنای اجتماعی قرار دهد.

همه این احکام که به ظاهر محدود کننده هستند جهت حفظ آبرو و احترام انسان هستند.

البته اسلام در کنار این احکام، با جدیت فراوان، دختران و پسران را به ازدواج تشویق و ترغیب کرده است. اسلام می خواهد دختران و پسران در بحبوحه جوانی و نشاط، اساس زندگی آینده خود را پی ریزی کنند و با گرمی و طراوت به زندگی ادامه دهند.

متاسفانه بهانه گیری ها و سخت گیری ها، چشم و هم چشمی ها و تجمات، جوانان ما را تهدید می کند.

با بالا رفتن سن ازدواج و با پدید آمدن بحران جوانی، جامعه نیز دچار مشکلات فراوانی می گردد که گاه غیر قابل تحمل و تصور است.

چاره کار در دست ما و خانواده های ماست. بیاییم تصمیم جدی بگیریم که هرگاه جوانی متدین، خوش اخلاق و با ایمان به خواستگاری ما آمد و مورد قبول پسند و قلبی ما بود او را بپذیریم و به بهانه ادامه تحصیل و یا چیز دیگر خود را به بحران آزار دهنده جوانی سوق ندهیم.

در همه کارها و به ویژه در امر مقدس ازدواج به خدا توکل کنیم و از توهم های بیجا پرهیزیم.

22. بنیانی مقدس

ما بنی بنأ فی الاسلام احب الی الله عزوجل من التزویج. (185)

پیامبر خدا ﷺ فرمود: هیچ بنا و بنیانی نزد خداوند بلند مرتبه دوست داشتنی تر از ازدواج نیست.

وقتی پیامبر مرا دید تبسم کرد و گفت:

ای ابالحسن به چه کاری به دنیا آمده ای؟

از قرابت و نزدیکی خود با او، از پیشی گرفتن خود در اسلام، از یاد آوری کردن او، و از جهاد سخن به میان آوردم.

فرمود: «علی جان تو از آنچه گفתי بالاتر و برتری.»

سپس از حیا سرم را به پایین انداختم و نگاهم را به زمین دوختم.

«من امروز به خواستگاری دخترت فاطمه آمده ام.»

فرمود: علی جان پیش از تو کسانی به خواستگاری فاطمه آمده اند چون از آنان نزد او سخن گفتم چهره اش گرفته شد، دانستم به این کار راضی نیست. علی جان بنشین تا برایت خبر آورم.

پیامبر بر فاطمه وارد شد، فاطمه مثل همیشه تمام قد در برابر پدر بلند شد و از وی دلجویی کرد.

فرمود: فاطمه جانم!

«فضائل و خوبی های علی بن ابی طالب را می دانی، من از خدا خواسته ام تو را به ازدواج برترین و محبوبترین خلقش در آورم، علی از تو سخن به میان آورده، نظر تو چیست؟»

فاطمه ساکت ماند چهره اش را برنگرداند و نشانه کراهت در چهره اش دیده

نشد.

پیامبر برخواست و می گفت: «الله اکبر، سکوت او نشانه رضایت اوست.»⁽¹⁸⁶⁾

فاطمه بر چه مبنایی علی را پذیرفت؟

آنچه روشن است علی از مال و منال دنیوی بهره چندانی نداشت، شمشیری داشت که با آن در راه خدا جهاد می کرد، شتری که با آن نخلستان را آبیاری می کرد و یک زره که آن را کابین فاطمه قرار داد.

ملاک و محور انتخاب، دین و اخلاق و پاکی بود. پیامبر خطاب به اولیا و دختران آنان می فرماید: «هنگامی که کسی نزد شما آمد که از اخلاق و دین او راضی هستید او را بپذیرید و گرنه فتنه و فساد بزرگی در زمین رخ خواهد داد.»⁽¹⁸⁷⁾

در احادیث و روایات ما به نکته های مهم اخلاقی یک جوان ایده آل اشاره شده است:

«او با تقوا، پاکدامن و بخشنده است. چشمش پاک است. به پدر و مادر نیکی می کند و بار زندگی خود را به دوش دیگران نمی اندازد.»⁽¹⁸⁸⁾

بنابراین اگر جوانی، اهل پاکی و تقوا نیست و چشم چران و بی بند و بار است و از سایر فضایل اخلاقی بی بهره است، نباید گول مقام و ثروت او را خورد و زمام زندگی خود را به دست او داد.

خواستگاری

رسم خواستگاری یک تدبیر ظریف و عاقلانه برای حفظ حیثیت و احترام زن است، خلاف حیثیت و احترام زن است که به دنبال مرد برود.

زن که می خواهد محبوب و معشوق و مورد ستایش باشد و بر سراسر وجود مرد حکومت کند قابل تحمل و موافق غریزه نیست که مردی را به همسری خود دعوت کند و احياناً جواب رد بشنود و سراغ مرد دیگری برود.⁽¹⁸⁹⁾

از طرف دیگر آراستن خود و جلوه گری در کوچه و بازار برای جلب جوانان هم گناه است و هم از ارزش دختر نزد جوانان می کاهد. دختر باید سنگین، با حیا و وقار زندگی کند و عفت خود را نگه دارد. بانوانی که او را می شناسند از حالات و خصوصیات او در خانه خود سخن به میان خواهند آورد و جوانان پاک، شیفته او خواهند شد و به خواستگاری او خواهند آمد. این بهترین روش برای حفظ حیثیت، احترام و عظمت یک دختر است.

اجازه پدر

زن اسیر محبت است. آن چیزی که او را از پای در می آورد و اسیر می کند این است که نغمه صفا و محبت و عشق را از دهان مردی بشنود، خوش باوری او در اینجاست.

مردها نیز کاملاً به این نکته واقفند و برای صید دختران به خوبی از آن استفاده می کنند. بنابراین زن تا مادامی که دوشیزه است به سهولت زمزمه محبت مردان را باور می کند. اینجاست که لازم است دختر نا آزموده با پدرش که با احساسات مردان بهتر آگاه است مشورت کند و لزوماً موافقت او را جلب کند. این نکته را نیز به خاطر بسپاریم که اجازه مادر و برادر لازم نیست. ⁽¹⁹⁰⁾ اگر چه جلب رضایت آنان امری است پسندیده و صفابخش زندگی آینده و موافق احتیاط.

مهریه

قانون مهریه هماهنگی با طبیعت است. از این رو که نشانه و زمینه آن است که از ناحیه مرد آغاز شده و زن پاسخگوی عشق اوست و مرد به احترام او هدیه نثار او می کند. ⁽¹⁹¹⁾

سخن از معامله و خرید و فروش نیست، سخن از رقابت و چشم و هم چشمی نیست.

شاید برخی تا توان دارند مهریه را بالا ببرند تا همسرشان را پایبند به زندگی کنند هرگز چنین نخواهد بود، او می تواند با کاهش محبت و توجه خود به زندگی، زن را در تنگنا قرار دهد که مهریه خود را ببخشد و بگوید: «مهرم حلال، جانم آزاد.»

بنابراین میزان پایبندی شوهر به زندگی به میزان تقوا، و اخلاق دین او بستگی دارد و گرنه سنگینی مهریه نه تنها ضامن بقا زندگی نیست بلکه مایه کینه و کدورت شوهر است چون او همیشه فکر می کند همسرش خود را به او فروخته است.

از این رو اسلام، هم به انتخاب شوهر خوش اخلاق و متدین و باتقوا سفارش نموده است و هم پایین بودن مهریه را سفارش کرده است.

پیامبر ﷺ فرمود: «بهترین زنان امت من کسانی هستند که مهریه شان کمتر است.» (192)

و باز از پیامبر ﷺ نقل شده است که فرمود:

«مهریه زنان را بالا نبرید که موجب دشمنی می گردد.» (193)

دوران نامزدی

دو کبوتر بی سروسامان در آستانه سروسامان گرفتن اند. دو دلدادۀ پس از سالها انتظار، یکدیگر را یافته اند.

آنان می خواهند به زودی شالوده یک زندگی ایده آل را پی ریزی کنند. می خواهند یک عمر با هم در کنار هم و با تفاهم و همدلی زندگی کنند.

دوران نامزدی شیرین ترین ایام زندگی است. نگاه ها، کلام ها، برخوردها و رفت و آمدها همه شیرین و به یاد ماندنی است.

دورانی است که دختر و پسر بیشتر با هم انس می گیرند و از افکار و سلیقه های یکدیگر مطلع می شوند.

نکته اساسی که باید مورد توجه ما قرار گیرد این است که تا زمانی که صیغه عقد دائم یا موقت خوانده نشده است، دختر و پسر با هم نامحرم هستند و تمامی احکام مربوط به نامحرم را باید رعایت کنند پس بهتر است تا امکان دارد بین دوران نامزدی و عقد فاصله نیندازیم.

مواظب باشیم تا قبل از عقد با داماد عکس برنداریم و از عکس های خود که در آنها حجاب شرعی رعایت نشده است به او ندهیم. پس از آن نیز از هر رفتاری که خلاف عفت عمومی جامعه و حفظ حرمت و غیرت یک خانواده مسلمان است پرهیزیم مانند فشردن دست یکدیگر و راه رفتن در خیابان، یا دست در گردن یکدیگر انداختن در اماکن عمومی و تاکسی و... که این گونه اعمال گاهی موجب تحریک جوانان می شود و گناه است.

مراسم ازدواج

سعی کنیم مراسم ازدواج را آسان بگیریم، خرید بازار، و خرید لباس و طلا، همه در حد معمولی و متعارف باشد.

پیمانی که اساس آن بر محبت و یگانگی است نه بر اساس رقابت نباید با بهانه گیری ها و تحمیل ها ضربه ببیند. محبت، شیشه ای است شفاف و نازک، شیشه ها را غبار آلود نکنیم و آنها را نشکنیم.

بدانیم که به مصلحت زندگی ما نیست که با احساسات مردی بازی کنیم که از او انتظار داریم ما را از صمیم قلب دوست داشته باشد و نسبت به ما فداکاری کند و سعادت ما را سعادت خود بداند. از چشم و هم چشمی ها جدا پرهیزیم.

عروسی

کوچه های مدینه نور باران می شد، پیامبر از جلو، جبرئیل از راست، میکائیل از چپ و هفتاد هزار فرشته از پی او، همه تسبیح گوی و تکبیرگوی، و دختر عبدالمطلب و زنان انصار و مهاجر همراه او، شعر می خواندند، شادی می کردند، تکبیرگویان و حمدکنان.

آنان عروسی را به خانه علی علیه السلام می بردند.

پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان فرموده بود که در مراسم بردن عروس به خانه همسر:
«شادی کنید، شعر بخوانید، تکبیر بگویید، حمد کنید ولی چیزی که خدا راضی نیست نگوید.»⁽¹⁹⁴⁾

یعنی فرمول مراسم عروسی اینهاست:

«شادی، شعور، شرافت»

با کمال تأسف حتی بعضی از مومنان و مذهبی ها در مراسم عروسی دین و آخرت خود را فراموش می کنند و از هر برنامه شاد و محرکی استقبال می کنند. آنان می گویند که یک شب که هزار شب نیست، بعد از عمری انتظار می خواهیم شاد باشیم و... ولی فراموش کرده اند که: یک شب گناه می تواند هزار روز انسان را تیره کند بلکه آخرت انسان را.

بنابراین سعی کنیم که مراسم عروسی ما آلوده به گناه نشود و در مراسم عروسی دیگران نیز اگر همراه با گناه است شریک نکنیم حتی اگر از ما کینه به دل بگیرند.

استفتاً از مقام معظم رهبری:

شرکت نکردن در مراسم عروسی که نوعاً همراه با لهو لعب است، باعث خصومت و دشمنی بین اقوام و فامیل می شود و وظیفه چیست؟ شرکت کردن در مجالس حرام در هر صورت جایز نیست و امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب است. (195)

برنامه عروسی

همه دوست دارند که برنامه عروسی شاد، و دلنشین باشد. اسلام نیز این مطلب را تایید می کند ولی به ما هشدار می دهد که این برنامه شاد نباید آلوده به گناه و معصیت باشند.

بنابراین تلاش کنیم از اختلاط زن و مرد و دختران و پسران جلوگیری کنیم، و در مراسم عروسی از اجرای برنامه هایی که خداوند راضی نیست، پرهیزیم. در این زمینه به چند استفتاً از مقام معظم رهبری (دام ظلّه) بسنده می کنیم:

1. زدن دست در مراسم عروسی، رقص مرد برای مردان در مراسم عروسی رقص زن برای زن در مراسم عروسی چه حکمی دارد؟

- «کف زدن به نحو متعارف معمول جشن و سرور مانع ندارد و رقص اگر موجب تحریک و تهییج شهوت و یا مستلزم ارتکاب حرام باشد جایز نیست. (196)»

2. زن دایره و تنبک در مراسم عروسی و خرید و فروش آن، آیا جایز است؟

- «اگر از آلات لهو محسوب باشد خرید و فروش و نگهداری و استعمال آن جایز نیست. (197)»

3. فیلمبرداری از برخی از مجالس عروسی که به علت لایابالی گری مسائل محرم و نامحرم احياناً رعایت نمی شود توسط عکس زن که شغلش این کار است چه حکمی دارد؟

- «مراعات کامل حجاب اسلامی در برابر نامحرم در هر حال لازم است و فیلمبرداری از مجالس زنانه یا از مجالس مختلط اگر مستلزم نظر حرام موجب اشاعه فساد و تربیت مفسد باشد جایز نیست.»⁽¹⁹⁸⁾

23. بر قله خوشبختی

عاشر اهل الفضل تسعد و تنبل. (199)

حضرت علی علیه السلام فرمودند: با انسانهای با فضیلت زندگی کن تا خوشبخت و بزرگ گردی.

آفتاب یثرب بر خانه گلی و کوچک می تابید که دو گوهر پاک و نایاب را در برگرفته بود.

خانه ای که یک قطعه حصیر و یک پوست گوشه ای از آن را مفروش کرده بود و اکثر ظرف هایش گلی بود.

خانه ای که در آن مظاهر فریبنده دنیا خبری نبود، خود خانه را هم «حارثة بن نعمان» به آن بخشیده بود. با این همه سادگی و کوچکی، دریایی ژرف از مهر و محبت و عاطفه را در خود جای داده بود.

اینک اولین لحظه های زندگی آن دو آغاز می شد که کسی از پشت در سلام می کرد و اجازه ورود می طلبید.

«اسماً» آمد و در را گشود.

پیامبر بود که با شوق وافر به سوی داماد و عروس آمده بود.

- علی جان همسرت را چگونه یافتی؟

و علی با آهنگی سپاس آمیز پاسخ گفت:

«او بهترین یار و یاور من در مسیر زندگی است.»

فاطمه جانم! تو همسرت را چگونه دیدی؟ و فاطمه با لحنی لبریز از حیا و

محبت پاسخ داد: «او بهترین همسر است.» (200)

و زندگی مشترک آغاز شد، پیامبر کارها را تقسیم کرد.

کارهای خارج از منزل را به علی و کارهای داخل منزل را به فاطمه سپرد.

فاطمه از این بابت بسیار مسرور و خوشحال گشت. چون کار داخل منزل او از برخورد با نامحرمان و اختلاط با آنها برکنار می داشت. و زندگی آن دو در کمال و بی آلاشی و دور از تجملات ادامه یافت. آنان خوشبختی را در بندگی خدا و فتح مرتفع ترین قله های تقوا و کمال می دانستند.

اصول همسررداری

غالباً زندگی با شیرینی، آرامش و صفا آغاز می گردد ولی گاهی دیری نمی پیماید که احساس ها و عاطفه ها، عشق ها و علاقه ها فرو می کاهد. تشنج، درگیری و کشمکش بالا می گیرد و چه بسا کانون گرم زندگی به سردی و خاموشی می گراید. برای جلوگیری از این پدیده دو تدبیر بایسته است:

1. در انتخاب همسر دقیق باشیم، سعی کنیم با تحقیق و گفتگو در چارچوب شرع همسر آینده مان را تا اندازه زیادی بشناسیم. اگر اختلاف نظر و سلیقه ما با او زیاد است، تن به ازدواج ندهیم.

2. اصول و روشهای همسررداری را فرا بگیریم و به کار بیندیم. فاطمه از آن روز که آمد تا آن لحظه که با همسرش بدرود گفت اصول زندگی را کاملاً رعایت کرد فاطمه در آخرین لحظه های زندگیش به علی گفت: «ای پسر عمو، من را دروغ گو و خائن نیافتی و در این مدت از تو سربیزی نکردم.»⁽²⁰¹⁾

و علی تصدیق کرد، یعنی اصول زندگی اینهاست: «راستگویی، امانتداری، فرمانبری»

1. راستگویی

مسائل را از همسرمان کتمان نکنیم و به او دروغ نگوییم، ممکن است از ما کاری سر زده باشد که اگر واقعیت را بگوییم ما را سرزنش و تنبیه کند، این بهتر از آن است که مساله را از او کتمان کنیم و به او دروغ بگوییم، او با پی بردن به کتمان و دروغ گویی ما روز به روز اعتمادش کم می شود و بنیان زندگی متزلزل می گردد.

2. امانتداری

الف: زیبایی ها و لطافت ها

شوهر با پیمان ازدواج تمام زیبایی ها، دلبریها، طنازیها، خوشمزگیها و همه لطافت ها و ظرافت های زن را مالک می گردد و زن دیگر خود را امانتدار شوهر می داند، بنابراین باید نسبت به مردان دیگر جدا اجتناب کند.

شوهر نمی تواند ببیند که مردان دیگری به همسرش نگاه آلوده می کنند یا با او بگویند و بخندند و شوخی کند و چنین عملی را تجاوز به حق مشروع خویش می داند.

شوهر اگر ببیند که همسرش زیبایی هایش را در معرض دید مردان بیگانه قرار می دهد بسیار ناراحت می شود، همیشه پریشان خاطر و بدبین است، و محبت و صفایش نسبت به خانواده تدریجا کم می شود. (202)

ب: اسرار زندگی

صفا و صمیمیت و یکرنگی و یکدلی که بر روابط زن و شوهر حاکم است شوهر را وا می دارد که تمام یا بیشتر اسرار خود را با همسرش در میان بگذارد و به او سفارش کند که اینها را به کسی نگوید. شرط صفا و دوستی در این است که زن راز نگه دار باشد و در این زمینه نیز در امانتداری کوتاهی نکند.

ج: اموال و دارایی

خانه و اموال و دارایی شوهر به امانت در دست زن قرار می گیرد. همسر باید مقررات و احکام امانت داری را مراعات کند و در حفظ و نگهداری آنها بکوشد و از اسراف و زیاده روی در مصرف بپرهیزد، و از هرگونه تصرفی که بدون رضایت شوهر است دوری کند و با رضایت شوهر در اموال او تصرف کند.

3. فرمانبری

تردیدی نیست که باید بین اعضای یک خانواده تفاهم کامل و تعاون و همکاری وجود داشته باشد لیکن مسوولیت اداره منزل باید بر عهده یک نفر باشد و گرنه اوضاع منظم و رضایت بخشی نخواهد بود، خداوند حکیم و سنجیده مسوولیت این کار بزرگ را بر دوش شوهر نهاده است.

پیامبر فرمود:

«زن خوب، به حرف شوهرش گوش می دهد و مطابق دستوراتش عمل می کند.»

همچنین فرمود:

«بدترین زنها، زن لجباز و یک دنده است. (203)»

فرمانبری زن از شوهر باعث گرمی و صفای کانون خانواده است.

شغل بانوان

روحیه نازک و لطیف زن برای خانه داری، همسر داری، و تربیت فرزند متناسب است. او با این کارها هم به غریزه خدادادی خود پاسخ مثبت می دهد و هم شالوده سرای آخرت خویش را می ریزد.

بانوان خوش سلیقه و فداکار می توانند خانه را به صورت بهشت برین و مهد پرورش کودکان خوب و استراحتگاه شوهران مجاهد و پرتلاش خویش درآورند.

رسول خدا فرمود: «جهاد زن، خوب شوهرداری است. ⁽²⁰⁴⁾»

ام سلمه از رسول خدا پرسید: کار کردن زن در خانه چه مقدار فضیلت دارد؟ فرمود: «هر زنی که به منظور اصلاح امور خانه چیزی را از جایی بردارد و در جای دیگر بگذارد خدا او را مورد مرحمت خواهد و هر کس که مورد مرحمت خدا واقع شد به عذاب الهی گفتار نخواهد شد.»

ام سلمه عرض کرد: ای رسول خدا پدر و مادرم به قربانت برای زنان ثواب های بیشتری بفرمایید:

فرمود: «هنگامی که زن آبستن می شود خدا به او اجر کسی را می دهد که با جان و مالش در راه خدا جهاد می کند، هنگامی که بچه اش را بر زمین نهاد به او خطاب می رسد: گناهانت آمرزیده شد، اعمالت را از سر بگیر و هنگامی که بچه اش را شیر می دهد در برابر هر مرتبه شیر دادن ثواب آزاد کردن یک بنده در نامه عملش نوشته می شود. ⁽²⁰⁵⁾»

بنابراین شغل اصلی و اساسی زن، خانه داری، همسر داری و تربیت فرزند است. خانم خانه داری که به خوبی از عهده این مهم برآید در فرهنگ اسلام بانوی مترقی، با فرهنگ و سرفراز و با شخصیت است. جامعه سالم از افراد سالم و با فرهنگ شکل می گیرد و افراد سالم در خانه توسط بانوان پرورش می یابند.

بنابراین یک زن خانه دار در تمام جامعه نقش فعال دارد اگر چه حضور فیزیکی نداشته باشد.

معیارهای انتخاب شغل

اسلام با این که شغل اساسی زن را خانه داری، همسر داری، و تربیت فرزند می داند ولی هیچگاه از حضور سالم او در جامعه و در دست گرفتن مشاغل گوناگون جلوگیری نکرده است.

اسلام می خواهد زن عنصری فعال، پرتحرک و نقش آفرین و در عین حال عفیف، پاک و پیراسته باشد بنابراین محیط کار زن باید به گونه ای باشد که یا با مردان معاشرت نداشته باشد و یا ناگزیر از معاشرت است روابط، بسیار سالم و عفیفانه باشد.

از این رو برای انتخاب شغل معیارهای زیر را مد نظر قرار دهیم:

1. بدون اجازه شوهر شغل نگیریم که آرامش و صفای زندگی را به هم می زند، این حق شوهر است که اجازه بدهد یا ندهد.

2. شغلی را انتخاب می کنیم که از نظر احکام اسلامی، حلال، مباح و پاکیزه باشد.

3. شغل انتخابی ما با طبع لطیف و مهربان ما تناسب داشته باشد.

4. شغل مورد نظر ما نیازی به اختلاط و معاشرت با مردان بیگانه نداشته باشد و یا کمتر داشته باشد.

و چون برای شغل خود بیرون رفتیم نکته های زیر را رعایت کنیم:

1. ساده، بی آرایش، سنگین و متین از منزل خارج و در محل کار تا حد امکان از معاشرت با مردان بیگانه بپرهیزیم. لباس های زیبا، و آرایش و زر و زیور را در خانه برای همسرمان بگذاریم.

2. از کار خانه داری، شوهر داری و بچه داری نیز غفلت نکنیم. به این امر توجه داشته باشیم که مرد می خواهد کانون خانوادگی برای او آسایش و رفع

خستگی و فراموشخانه گرفتاریهای بیرون باشد، این نیاز و احساس شوهر را نادیده نگیریم. (206)

اخلاق همسراری

زن فرشته انس خانواده است و با نشاط و طراوت صفا و صمیمیت او همسر و فرزندان در کمال آرامش و شادابی زندگی خواهند کرد.

بنابراین زن باید با ظرافت های اخلاقی خود همیشه کانون خانه و خانواده را گرم و پر حرارت نگه دارد.

در این جا از میان صدها حدیث گرانیها که در این زمینه وجود دارد به ذکر چند حدیث از پیامبر، سخن را به پایان می رسانیم:

1. «اگر سجده کردن برای غیر خدا جایز بود، دستور می دادم تا زن در برابر شوهرش سجده کند. (207)»

2. «حق مرد بر زن این است که زن ملازم خانه باشد و به شوهرش دوستی و محبت و مهربانی کند و از خشم او دوری نماید و آنچه را که مورد رضایت اوست انجام دهد و به پیمانها و وعده های وی وفادار باشد. (208)»

3. «برای زن شایسته نیست که بیش از توانایی شوهرش او را مجبور کند و شایسته نیست که از شوهرش نزد دیگران شکایت کند چه از نزدیکان باشد چه از غریبه ها. (209)»

4. «هر زن شوهرداری که به مردان نامحرم دیگری چشم بدوزد مورد خشم شدید پروردگار واقع می شود و خداوند پاداش همه اعمالی را که انجام داده است از بین می برد. (210)»

5. «هر کس از شما که ایمان به خدا و روز قیامت دارد نباید زینتش را برای غیر شوهرش نمایان کند، و نباید (زیر) روسری و مچ دست خود را آشکار کند

هر کس یکی از اینها را برای غیر شوهرش انجام دهد دین خود را تباه کرده و خدا بر او خشمگین است.⁽²¹¹⁾»

6. «بهترین زنان شما آن زنی است که بیشتر (از دیگران) برای شوهرش آرایش و زینت کند اما از بیگانگان خود را می پوشاند.⁽²¹²⁾»

7. «هر زنی که با ثروتش بر شوهرش منت بگذارد و به او بگوید: «تو از ثروت من ارتزاق می کنی»، اگر این ثروت را در راه خدا صدقه بدهد خدا از او نمی پذیرد تا آنکه شوهرش از او راضی شود.⁽²¹³⁾»

برای تضمین زندگی فردای خود از هم اکنون خود را مهیا سازیم. کتابهای علمی و مذهبی معتبر را مطالعه کنیم. از تجربه و اندوخته های افراد موفق و ناموفق بهره بگیریم و مراکزی را که به عنوان مشاور و راهنمای ازدواج یا خانواده وجود دارد شناسایی کرده و از راهنمایی آنان بهره مند گردیم. به امید فردای سبز سبز و زندگی شیرین شیرین.

خدا یار و نگهدارتان باد.

پی نوشت ها :

- 1- نمونه ای از «بیان احساسات» دانش آموزان شرکت کننده در ششمین دوره مسابقات کشوری احکام (تابستان 1380)
- 2- دیوان مثنوی طاقدیس (ملا احمد نراقی) / صفحه 124
- 3- سوره توبه / آیه 122
- 4- گناه کبیره گناهی است که عذاب شدید و آتش جهنم را در پی دارد
- 5- اج. یه الاستفتائات / جلد 1 / سوال 15 / تحریر الوسیله / جلد 1 / صفحه 7 / رساله توضیح المسائل / مساله 2
- 6- بانوی مجتهد سیده نصرت امینی معروف به بانوی اصفهانی در سال 1265 هجری شمسی در اصفهان متولد شد. او سراسر عمرش را صرف تعلیم معارف اسلامی کرد و در رشته های فقه، حکمت، تفسیر قرآن، حدیث و اخلاق تالیفی از خود به یادگار گذاشت. تفسیر مخزن العرفان یکی از آثار این بانوی مجتهد است.
- 7- رساله توضیح المسائل / مساله 3
- 8- بحار الانوار / جلد 1 / حدیث 44 / صفحه 176
- 9- منتهی الامال / صفحه 767
- 10- ولایت فقیه (حضرت امام خمینی قدس سره) (ص) 149
- 11- گزیده و اقتباس با اندکی تصرف از کشتی پهلو گرفته (سید مهدی شجاعی) / صفحه 25 تا 130
- 12- وسائل الشیعه / جلد 18 / حدیث 9 / صفحه 101
- 13- قانون اساسی / اصل 5
- 14- سوره نسا / آیه 174
- 15- الفتاوی الواضحه / جلد 1 / صفحه 83
- 16- رساله توضیح المسائل / م ساله 739
- 17- رساله توضیح المسائل / مساله 802.
- 18- رساله توضیح المسائل / مساله 7 و 8.
- 19- رساله توضیح المسائل / مساله 5.

- 20- استفتاءات / جلد 2 / صفحہ 540 و 559 / سوال 51 و 93: رسالہ توضیح المسائل / مسالہ 2548.
- 21- رسالہ توضیح المسائل / مسالہ 1794.
- 22- سورہ مائدہ / آیہ 6
- 23- رسالہ توضیح المسائل / مسالہ 83، 111، و 115
- 24- رسالہ توضیح المسائل / مسالہ 141
- 25- رسالہ توضیح المسائل / مسالہ 799
- 26- رسالہ توضیح المسائل / مسالہ 692
- 27- رسالہ توضیح المسائل / مسالہ 1065
- 28- این مقدار مقتضای احتیاط و جمع بین فتاویٰ مراجع تقلید است.
- 29- توضیح المسائل / مسالہ 25
- 30- توضیح المسائل، مسالہ 35
- 31- تجربہ الوسیلہ / جلد 1 / صفحہ 13 / مسالہ 14
- 32- رسالہ، توضیح المسائل / مسالہ 26
- 33- میزان الحکمہ / جلد 4 / حدیث 10314 / صفحہ 3302
- 34- رسالہ توضیح المسائل / مسالہ 150 و 155، 159
- 35- رسالہ توضیح المسائل / مسالہ، 159، 160، 161، 162
- 36- استفتاءات / جلد 1، مسالہ 191 و 120 / سوال 327، 328
- 37- استفتاءات / جلد 1 / صفحہ 121 / سوال 330، 331 و 332
- 38- استفتاءات / جلد، 1 / صفحہ 88، 89 / مسالہ 26
- 39- سورہ توبہ، آیہ 108
- 40- رسالہ توضیح المسائل / بعد از مسالہ 334
- 41- رسالہ توضیح المسائل / مسالہ 345
- 42- استفتاءات / جلد 1 / صفحہ 50 / سوال 90 و 91
- 43- بحار الانوار / جلد 78 / حدیث 3 / صفحہ 59
- 44- استفتاءات / جلد 1 / صفحہ 50 و 53 / سوال 90 و 91 و 103 و 104
- 45- استفتاءات / جلد 1 / صفحہ 53 / سوال 102؛ احکام بانوان (محمد وحیدی) صفحہ 97

- 46- رساله توضیح المسائل / مساله 377
- 47- استفتائات / جلد 1 / صفحه 56 / سوال 117 و 119
- 48- رساله توضیح المسائل / مساله 386
- 49- رساله توضیح المسائل / مساله 385
- 50- سوره بقره، آیه 222
- 51- برگرفته از کتاب ازدواج (شهید دکتر پاک نژاد) / جلد 2 / صفحه 170 و 171
- 52- دانستیهای پزشکی برای زنان (دکتر کریم توکلیان) صفحه 24 و 25
- 53- رساله توضیح المسائل / مساله 434، 435، 436، 440 و 441؛ تحریر الوسیله / جلد 1 / صفحه 42 / مساله 8
- 54- تحریر الوسیله / جلد 1 / صفحه 44 / مساله 13؛ رساله توضیح المسائل / مساله 500
- 55- رساله، توضیح المسائل / مساله 450 و 469
- 56- رجوع شود به احکام حائض / مساله 450 به بعد
- 57- رساله توضیح المسائل / مساله 466
- 58- سوره احقاف، آیه 15
- 59- دانستی های پزشکی برای زنان (دکتر کریم توکلیان) / صفحه 48
- 60- رساله توضیح المسائل / مساله 511
- 61- رساله توضیح المسائل / مساله 513
- 62- رساله توضیح المسائل / مساله 515
- 63- رساله توضیح المسائل / مساله 391
- 64- تحریر الوسیله / جلد 1 / صفحه 501
- 65- رساله توضیح المسائل / مساله 392
- 66- رساله توضیح المسائل / مساله 393 و 394
- 67- رساله توضیح المسائل / مساله 393، 395، 412
- 68- رساله توضیح المسائل / مساله 393، 396
- 69- سوره مائده، آیه 6
- 70- برگرفته از علل الشرائع / جلد 2 / صفحه 5
- 71- برگرفته از کشف الغمه / جلد 1 / صفحه 116 و 117
- 72- العروه الوثقی / جلد 1 / صفحه 136 و 137 و 138

73- العروه الوثقی / جلد 1 / صفحه 131 و 132 / استفتائات / جلد 1 / صفحه 47 / سوال

81

74- رساله توضیح المسائل / مساله 291 و 294؛ استفتائات / جلد 1 / صفحه 36 / سوال

40، 41، 42

75- رساله توضیح المسائل / مساله 247

76- استفتائات / جلد 1 / صفحه 39 / سوال 52 و 53؛ رساله توضیح المسائل / مساله 256

77- استفتائات / جلد 1 / صفحه 39 / سوال 51؛ توضیح المسائل / مساله 251

78- رساله توضیح المسائل / مساله 252 و 259

79- رساله توضیح المسائل / مساله 323

80- دیوان اشعار رجاً اصفهانی / صفحه 24

81- برگرفته از بحار الانوار / جلد 79 / صفحه 261 و 262

82- رساله توضیح المسائل / مساله 789؛ العروه الوثقی / جلد 1 / صفحه 391 و 392 /

مساله 5 و 6

83- رساله توضیح المسائل / مساله 848 و 855

84- استفتائات / جلد 1 / صفحه 267 / سوال 470؛ رساله توضیح المسائل / مساله 894

85- دیوان اقبال لاهوری / صفحه 31

86- برگرفته از بحار الانوار / جلد 79 / صفحه 256 و 257

87- فرازهای از ابعاد روحی، اخلاقی و عرفانی امام خمینی قدس سره / صفحه 70

88- این دعا در سوره بقره، آیه 201 آمده است

89- رساله توضیح المسائل / مساله 942

90- رساله توضیح المسائل / مساله 1109

91- رساله توضیح المسائل / مساله 1110

92- رساله توضیح المسائل / مساله 1111

93- رساله توضیح المسائل / مساله 1112

94- تحریر الوسیله / جلد 1 / صفحه 180 / مساله 1

95- رساله توضیح المسائل / مساله 1236

96- رساله توضیح المسائل / مساله 1250

97- سوره عنکبوت / آیه 20

- 98- استفتائات / جلد 1 / صفحه 194 / سوال 238
- 99- رساله توضیح المسائل / نماز سفر / شرط پنجم
- 100- رساله توضیح المسائل شرط هشتم
- 101- استفتائات / جلد 1 / صفحه 266 / سوال 432
- 102- رساله توضیح المسائل / صفحه 267. / سوال 434
- 103- استفتائات جلد 1 / صفحه 265 / سوال 43
- 104- استفتائات / جلد 1 / صفحه 264 / سوال 428
- 105- استفتائات / صفحه 266 / سوال 432
- 106- استفتائات / صفحه 265 / سوال 431
- 107- توضیح المسائل / نماز مسافر / شرط هفتم
- 108- توضیح المسائل / مساله 1307
- 109- اجوبه الاستفتائات / جلد 1 / سوال 654 و 669
- 110- استفتائات / جلد 1 / صفحه 230 / توضیح المسائل / مساله 1330 و 1336 و 1338
- 111- رساله توضیح المسائل / مساله 1355
- 112- رساله توضیح المسائل / مساله 1346
- 113- سوره اعراف / آیه 29
- 114- صحیفه نور / جلد 12 / صفحه 148 و 149
- 115- العروه الوثقی / صفحه 776 و 777
- 116- رساله توضیح المسائل / مساله 1416
- 117- رساله توضیح المسائل / مساله 1438
- 118- رساله توضیح المسائل / مساله 1453
- 119- اجوبه الاستفتائات / جلد 1 / سوال 606
- 120- رساله توضیح المسائل / مساله 1467
- 121- رساله توضیح المسائل / مساله 1461
- 122- رساله توضیح المسائل / مساله 1427 و 1430
- 123- رساله توضیح المسائل / مساله 1427 و 1439 و 1440 و 1441 و 1442 و 1461؛
- تحریر الوسیله / جلد یک / صفحه 271 و 272 / مساله 5 و 6 و 8
- 124- سوره جمعه / آیه 9

- 125- وسائل الشيعه / جلد 5 / صفحه 6
- 126- استفتائات / جلد 1 / صفحه 268 / سوال 440
- 127- تحرير الوسيله. جلد 1 / صفحه 231 و 134
- 128- تحرير الوسيله. / جلد 1 / صفحه 231. 235
- 129- بحار الانوار / جلد 94 / صفحه 130
- 130- بحار الانوار / جلد 94 / صفحه 130
- 131- سوره بقره / آيه 125
- 132- تحرير الوسيله / جلد 1 / صفحه 304 و 305
- 133- كنز العمال / جلد 8 / حديث 24012
- 134- سوره بقره / آيه 183
- 135- برگرفته از دعای چهل و پنجم صحيفه سجاديه / صفحه 303 و 304
- 136- غرر الحكم / جلد 1 / صفحه 19 / حديث 43
- 137- رساله توضيح المسائل / مساله 1572
- 138- العروه الوثقى / جلد 2 / صفحه 105
- 139- رساله توضيح المسائل / مساله 1736 و 1741
- 140- استفتائات / جلد 1 / احكام روزه / سوال 36 و 41 و 44 و 76؛ العروه الوثقى / جلد 2 / صفحه 148 / مساله 3؛ رساله توضيح المسائل / مساله 1688
- 141- استفتائات / جلد 1 / صفحه 315 / سوال 36؛ رساله توضيح المسائل / مساله 1685 و 1660
- 142- رساله توضيح المسائل / مساله 1705 و 1728 و 1729
- 143- رساله توضيح المسائل / مساله 1725 و 1726
- 144- رساله توضيح المسائل / مساله 1703
- 145- رساله توضيح المسائل / مساله 1727
- 146- سوره انفال آيه 41
- 147- برگرفته از رياحين الشريعه / صفحه 16؛ منتهى الامال / صفحه 794 و 795
- 148- استفتائات / جلد 1 / صفحه 389 و 394 / سوال 135 و 143؛ تحرير الوسيله / جلد 1 / صفحه 357 / مساله 10

- 149- العروه الوثقی / جلد 2 / صفحه 394 / مساله 61؛ استفتائات / جلد 1 / سوال 34 و 89 و 90 و 106؛ توضیح المسائل / مساله 1775
- 150- استفتائات / جلد 1 / سوال 120 و 121 و 122 و 143؛ رساله توضیح المسائل / مساله 1834
- 151- عقاب الاعمال / صفحه 35
- 152- تحریر الوسیله / جلد 2 / صفحه 406 / مساله 6
- 153- کشف الغمه / جلد 2 / صفحه 110
- 154- رساله توضیح المسائل / مساله 2791 و 2792
- 155- تحریر الوسیله / جلد 1 / صفحه 414 / مساله 14
- 156- رساله توضیح المسائل / مساله 2805 و 2813 و 2818
- 157- سوره حج، آیه 40
- 158- نهج البلاغه / نامه شماره 31 / صفحه 405
- 159- نظام حقوق زن در اسلام (استاد شهید مطهری) / صفحه 234
- 160- نقل از کتاب پوشش زن در اسلام (محمد اشتهااردی) / صفحه 76
- 161- برگرفته از کتاب مساله حجاب (استاد شهید مطهری) (ص) 52 تا 57
- 162- نهج الفصاحه / حدیث 2006
- 163- برگرفته از مستدرک الوسائل / جلد 14 / حدیث 2 / صفحه 289
- 164- 1 - استفتائات (ستاد احیاً امر به معروف و نهی از منکر خوزستان) صفحه 5، احکام بانوان (محمد وحیدی) صفحه 124.
- 165- العروه الوثقی / جلد 1 / صفحه 390. 391؛ احکام خانواده (عبد الرحیم موگهی) صفحه 283 و 286
- 166- سوره نور، آیه 31
- 167- العروه الوثقی / جلد 1 / صفحه 391؛ احکام خانواده (عبد الرحیم موگهی) صفحه 304
- 168- رساله توضیح المسائل / مساله 845 و 846؛ استفتائات (ستاد امر به معروف و نهی از منکر خوزستان) صفحه 3 و 4؛ احکام بانوان / صفحه 128 و 129 و 130
- 169- احکام خانواده (عبد الرحیم موگهی) / صفحه 285
- 170- احکام خانواده (عبد الرحیم موگهی) / صفحه 303
- 171- برگرفته از کتاب مساله حجاب (استاد شهید مطهری) / صفحه 158

- 172- وسائل الشیعه / جلد 11 / صفحه 1982
- 173- برگرفته از وسائل الشیعه / جلد 14 / حدیث 1 / صفحه 171 / مستدرک الوسائل / جلد 14 / صفحه 289
- 174- برگرفته از کتاب مساله حجاب (استاد شهید مرتضی مطهری) / صفحه 217 و 218
- 175- مرآت النساء / صفحه 140
- 176- پوشش کامل
- 177- نقل از احکام بانوان (محمد بانوان) / صفحه 151
- 178- رساله توضیح المسائل / مساله 2445
- 179- سوره احزاب / آیه 32
- 180- سوره نور / آیه 31
- 181- محرم بودن شوهر مادر شریطی دارد که در رساله توضیح المسائل آمده است.
- 182- تحریر الوسیله / جلد 2 / صفحه 263 و 264 و 277 و 280
- 183- بحار الانوار / جلد 73 / صفحه 158
- 184- کنز العمال / جلد 3 / صفحه 779
- 185- وسائل الشیعه / جلد 14، حدیث 4 / صفحه 3
- 186- برگرفته از بحار الانوار / جلد 43 / حدیث 4 / صفحه 93
- 187- وسائل الشیعه / جلد 14 / حدیث 2 / صفحه 51
- 188- برگرفته از وسائل الشیعه / جلد 14 / حدیث 2 / صفحه 51
- 189- برگرفته از نظام حقوق زن در اسلام (استاد شهید مطهری) / صفحه 47 و 49
- 190- رساله توضیح المسائل / مساله 2376
- 191- برگرفته از نظام حقوق زن در اسلام (استاد شهید مطهری) / (ص) 244
- 192- دعائم الاسلام / جلد 2 / صفحه 197
- 193- مستدرک الوسائل / جلد 15 / صفحه 66
- 194- برگرفته از کتاب بحار الانوار / جلد 43 / صفحه 115
- 195- ویژه نامه فرهنگ اسلام (بهار 1378) صفحه 3
- 196- احکام هنری / صفحه 6 / سوال 39
- 197- احکام هنری / صفحه 6 / سوال 46
- 198- احکام هنری / صفحه 10 / سوال 75

- 199- غرر الحکم / جلد 4 / صفحه 356
- 200- برگرفته از بحار الانوار / جلد 43 / حدیث 24 / صفحه 117
- 201- بحار الانوار / جلد 43 / حدیث 20 / صفحه 191
- 202- برگرفته از آیین همسر داری (ابراهیم امینی) / صفحه 64 و 65
- 203- بحار الانوار / جلد 100 / صفحه 235
- 204- بحار الانوار / جلد 100 / حدیث 28 / صفحه 247
- 205- بحار الانوار / جلد 100 / حدیث 49 / صفحه 251
- 206- برگرفته از آیین همسر داری (ابراهیم امینی) / صفحه 180 تا 184
- 207- فروغ کافی / جلد 5 / حدیث 6 / صفحه 507
- 208- مستدرک الوسائل / جلد 14 / حدیث 2 / صفحه 244
- 209- مستدرک الوسائل / جلد 14 / حدیث 2 / صفحه 242
- 210- وسائل الشیعه / جلد 14 / حدیث 2 / صفحه 172
- 211- مستدرک الوسائل / جلد 14 / حدیث 2. / صفحه 244
- 212- بحار الانوار / جلد 100 / حدیث 27 و صفحه 247
- 213- مکارم الاخلاق / صفحه 202

فهرست مطالب

2	 طلیعه
5	 تصویری از راه سبز ⁽¹⁾
7	 گل محبت خدا
8	 1. گل شناسی
8	 شناخت احکام
9	 آگاهی از احکام
9	 چاره عصر غیبت
10	 کارشناس عرصه احکام
10	 گسترده احکام
10	 بزرگ دانستن احکام الهی
12	 2. پایه های فهم احکام
12	 تقلید و مرجع تقلید
13	 شرایط دیگر
13	 شناسایی مرجع تقلید
14	 فراگیری مسائل دینی
14	 صادقانه با احکام
15	 قداست فتوا
16	 3. فدایی ولایت
17	 ولایت فقیه
18	 شرایط و صفات ولی فقیه (رهبر)
18	 وظایف و اختیارات ولی فقیه (رهبر)
20	 اطاعت از رهبری

21	4. بلوغ شاخه ها
22	نشانه های بلوغ
22	پنجره های اعمال
23	آشنایی با زبان احکام
23	1. فتوا (یا بیان حکم توسط مجتهد)
24	2. احتیاط واجب
24	3. احتیاط مستحب
25	راههای دستیابی به احکام
25	دوران بازنگری
26	5. بر صراط مستقیم
26	پاک ها و نجس ها
27	نجس ها
27	نجاست مسری
28	احکام نجس ها
28	پاک کننده ها
28	اقسام آب مطلق
29	آب راکد (دو گونه است)
29	مقدار آب کر یا قلیل
29	آب لوله ها
29	احکام آب مطلق
31	6. فرهنگ پاک سازی
31	تطهیر ظروف
32	تطهیر غیر ظروف
33	لباس شویی ها

33.....	درباره لباس شویی های عمومی به این دو نکته توجه کنیم:
33.....	خشک شویی ها
34.....	تطهیر جامدات
34.....	تطهیر زمین نجس
35.....	7. پاک سازی بدن
35.....	غسلهای واجب
36.....	غسل مس میت
36.....	جنابت
37.....	آداب ویژه غسل
38.....	احکام غسل
39.....	8. پدیده قاعدگی
40.....	تشخیص کامل
41.....	مقررات ایام قاعدگی
42.....	پایان قاعدگی
43.....	9. دوره نفاس
43.....	احکام نفاس
44.....	خون استحاضه
44.....	راههای تشخیص
44.....	اقسام استحاضه
44.....	1. استحاضه قلیله (جریان کم)
45.....	2. استحاضه متوسطه (جریان متوسط)
45.....	3. استحاضه کثیره (جریان زیاد)
45.....	نکته های مهم
46.....	10. در اوج آسمانها

47	وضوی مستحبی
47	وضوی واجب
48	برطرف کردن موانع
48	محل وضوی بانوان
48	کیفیت وضو
49	شستن اعضای وضو
49	اعضای مسح
49	مسح سر
50	مسح پاها
50	بطلان وضو
51	11. انتظار سبز
52	احکام نماز
52	پوشش نماز
52	نکته های مهم:
53	بدن و لباس نمازگزار
53	مکان نمازگزار
53	نمازی شکوهمند
55	12. امام فرشتگان
55	حضور قلب
56	تکبیره الاحرام
56	سوره حمد
59	سوره توحید
61	ذکر رکوع
61	ذکر سجده

61.....	قنوت
62.....	تسبیحات اربعه
63.....	تشهد
63.....	سلام
64.....	احکام «فراموش شده ها» در نماز
65.....	قاعده کلی
66.....	احکام «فراموش شده ها» پس از نماز
66.....	سجده سهو
67.....	طریقه به جا آوردن سجده سهو
68.....	13. سیر و سفر
69.....	وطن
72.....	قصد ده روزه
72.....	نیت نماز شکسته
74.....	14. آنجا کجاست؟
75.....	نماز جماعت
76.....	برپایی نماز جماعت
76.....	احکام نماز جماعت
76.....	شرایط امام جماعت
77.....	وظیفه ماموم در نماز جماعت
77.....	طریقه پیوستن به نماز جماعت
77.....	چگونه اقتدا کنیم؟
81.....	15. سیل رحمت
82.....	امام جمعه
82.....	برپایی نماز جمعه

82.....	اعتكاف
85.....	16. در سوگ هجران
86.....	برخی از آثار روزه
86.....	1. اراده نیرومند
86.....	2. عزت نفس
87.....	3. فروتنی
87.....	4. دوری از گناهان
88.....	اقسام روزه
88.....	جبران گذشته
89.....	قضای روزه
89.....	قضا و كفاره
90.....	قضا و اطعام
91.....	اطعام
93.....	17. از سر اخلاص
94.....	ادای تکلیف
95.....	تهیه جهیزیه
95.....	سال خمسی
95.....	قانون کلی خمس
96.....	فرهنگ اقتصاد
97.....	رشوه
98.....	18. فریادگر حق
99.....	معروف و منکر
99.....	جلوگیری از گناه در جامعه
100.....	واکنش های نخستین

100.....	شرایط امر به معروف و نهی از منکر
100.....	فرهنگ امر و نهی
101.....	مراحل امر به معروف و نهی از منکر
102.....	دفاع همگانی
104.....	19. گل پاک
105.....	مصونیت نه محدودیت
105.....	اعتراف دانشمندان
106.....	خلأ عشق
108.....	20. الگوی بانوان
109.....	پوشش اسلامی
110.....	چهره و دستها
110.....	پوشش کامل
111.....	معیارهای انتخاب لباس
111.....	جلب نامحرم
113.....	21. در حریم عفاف
114.....	اختلاط دختر و پسر
114.....	خلوت با نامحرم
115.....	مکالمه با نامحرم
115.....	مراجعه به نامحرم
115.....	نگاه به نامحرم
116.....	محرم و نامحرم
117.....	روابط دختر و پسر
119.....	22. بنیانی مقدس
120.....	خواستگاری

121.....	اجازه پدر
121.....	مهریه
122.....	دوران نامزدی
123.....	مراسم ازدواج
124.....	عروسی
125.....	برنامه عروسی
127.....	23. بر قله خوشبختی
128.....	اصول همسردهاری
129.....	1. راستگویی
129.....	2. امانتداری
130.....	3. فرمانبري
130.....	شغل بانوان
132.....	معیارهای انتخاب شغل
133.....	اخلاق همسردهاری
135.....	پی نوشت ها :
144.....	فهرست مطالب